

۱۱۱۱



فصلنامه چند زبانه علمی - اختصاصی

PURE LIFE

دوره نهم - اولین کنگراس بین المللی ظرفیت شناسی و تأسیس کنگراسی فضای مجازی

در ارتقای آموزش های دینی (۸)

سال ششم، شماره هفدهم، خرداد ۱۳۹۸، شوال ۱۴۴۰، ژوئن ۲۰۱۹

صاحب امتیاز: جامعة المصطفی العالمیة
دانشگاه مجازی المصطفی، معاونت پژوهشی و تولید

مدیر مسئول: حجة الاسلام دکتر محسن قنبری

سر دبیر: دکتر عابدین سیاحت اسفندیاری

دبیر علمی: دکتر توفیق اسداف

مدیر اجرایی: حجة الاسلام محمد جواد نجفلو

هیئت تحریریه:

معاون آموزش جامعة المصطفی العالمیة (ایران)	محسن قنبری
معاون پژوهشی و تولید دانشگاه مجازی المصطفی (ایران)	عابدین سیاحت اسفندیاری
مدیر گروه مطالعات اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی (آذربایجان)	توفیق اسداف
مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (پاکستان)	غلام جابر محمدی
عضو هیئت علمی دانشگاه مجازی المصطفی (هند)	سید محمد علی عون نقوی
عضو هیئت علمی جامعة آل البيت (عراق)	یحیی عبدالحسن الدوخی
استاد دانشگاه مجازی المصطفی (ترکیه)	ییلدیز قدری

صندوق پستی: ۳۷۱۳۹۱۳۵۰۴

نشانی: قم، خیابان ساحلی جنوبی، نرسیده به مصلی، بین کوچه ۴ و ۶

تلفن و نمابر: ۳۲۱۱۴۱۷۵ - ۳۲۶۱۳۸۷۵

تعداد صفحات: ۱۹۶ صفحه شمارهگان: چاپ الکترونیکی

Web: <http://p-l-journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir

بر اساس مصوبه:

جلسه ۲۲ شورای نشریات المصطفی ﷺ

(مورخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹)،

و شناسه مجوز ۷۴۳۲۷ سامانه جامع رسانه‌های کشور

(وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / مورخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۱)

این نشریه در سطح نشریات علمی – اختصاصی، تعیین شد.

این نشریه به صورت الکترونیکی است، که در نشانی زیر،

قابل دریافت است:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

راهنمای نویسندگان مقالات

۱. مقاله باید شامل قسمت‌های زیر باشد:
۲. عنوان، چکیده و کلیدواژگان، مقدمه یا طرح موضوع، بدنه اصلی مقاله، نتیجه‌گیری، فهرست منابع.
۳. تنها مقاله‌هایی قابل بررسی است که قبلاً منتشر نشده باشند، و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد.
۴. مستولیت صحت و سقم مقاله به‌لحاظ علمی و حقوقی بر عهده نویسنده مسئول است.
۵. حق رد یا قبول مقاله‌ها برای نشریه محفوظ است؛ البته دبیرخانه نشریه موظف است ظرف حداکثر یک ماه - ۳۰ روز - به نویسنده مسئول مقالات ارسالی، آخرین وضعیت مقاله را گزارش دهد.
۶. تأیید نهایی مقاله برای چاپ در نشریه، پس از نظر داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
۷. حجم مقاله حداقل ۸ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای خواهد بود.
۸. نقل و اقتباس از مقاله‌های نشریه، با ذکر مأخذ آزاد است.
۹. جهت نوشتن مقاله به‌زبان‌های فارسی و عربی، از فونت ۱۳، و خط (IRLotus) استفاده شود، جهت نوشتن مقاله به‌زبان اردو از فونت (۱۴) و خط (Alvi Nastaleeq) استفاده شود و جهت نوشتن مقاله به‌زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها از فونت ۱۴ و خط (Times New Roman) استفاده شود.
۱۰. فهرست منابع به‌ترتیب حروف الفبا و به‌شرح زیر آورده شود:
- ✓ نام خانوادگی، نام؛ (سال نشر). عنوان (Bold). نام مترجم. چاپ. محل نشر: نام ناشر.
۱۱. درج ارجاعات مربوط به منابع در متن به‌صورت (نام مؤلف، سال نشر: صفحه) آورده شود.
۱۲. ارجاعات هر صفحه مانند صورت لاتین کلمات، شرح اصطلاحات و... در پاورقی همان صفحه آورده شود.
۱۳. نویسنده لازم است به‌همراه ارسال مقاله به‌نشانی رایانامه معاونت پژوهشی و تولید دانشگاه ["research@mou.ir"](mailto:research@mou.ir) نام و نام خانوادگی و رتبه علمی خود را ارسال نماید.
۱۴. با توجه به چندزبانه بودن نشریه، پژوهشگران محترم می‌توانند مقالات خود را به‌زبان‌های فارسی، عربی، اردو، انگلیسی، فرانسوی، ترکی استانبولی، آذری و... ارسال نمایند.
۱۵. پس از چاپ مقاله، دبیرخانه نشریه موظف است یک نسخه از نشریه الکترونیکی را به‌رایانامه نویسنده/ نویسندگان ارسال کند.

فرست مطالب

بخش فارسی

- سخن مدیر مسئول ۹
- سخن سردبیر ۱۰
- معرفت‌شناسی حقیقت و مجاز در فضای مجازی با رویکرد حکمت (نظری و عملی) اسلامی .. ۱۱
حسن رضایی
- تربیت دینی در فضای مجازی: فرصت‌ها و تهدیدها ۳۳
انسی کرامتی
- امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی ۵۵
زهره کشفی، رباب شفارودی
- تأثیر فضای مجازی بر خانواده و جوانان (آسیب‌ها و راهکارها) ۷۱
فاطمه زینلی‌پور
- صلح‌سازی ایمان‌محور در فضای مجازی ۸۵
محسن قنبری آلانق
- دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل (با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی) ۱۰۱
سجاد بخشی‌نژاد، رضا اقامتی گشتی

القسم العربي

١٣٨	كلمة المشرف العام
١٣٩	كلمة رئيس التحرير
١٣٩	الجامعة الافتراضية أحد الأنماط الجديدة في التعليم الديني ماجد كماش ديوان الضياع
١٦٣	دور الفضاء الإلكتروني في الحوار بين الأديان نزيهة صالح

English Section

A Word from Chief Editor	182
A Word from Managing Editor	183
The Role of Cyberspace in Interfaith Dialogue	185
Mohammed Kabir Umar	

سخن مدیر مسئول

”PURE LIFE“ دریچه‌ای به زندگی جاوید بشری خواهد بود. دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ رسالت خود را معرفی آموزه‌های الهی برای انسان خاک‌نشین می‌داند تا از رهگذر دانشی که خداوند در اختیار او گذارده، زندگی جدیدی را پایه‌گذاری کند؛ به نحوی که آرامش دنیوی و سعادت اخروی را برای او به ارمغان آورد.

”PURE LIFE“ فرصتی برای دانش‌پژوهان و دانش‌آموختگان دانشگاه و سایر پژوهشگران است تا آموزه‌های علمی - معرفتی خود را بر پهنای فضای مجازی بگسترانند، و با زبان عالمانه معرفت دینی را در ساحت‌های مختلف زندگی بشری بازتاب دهند.

امید که با همت جویندگان نور دانش، این پنجره هر چه پرفروغ‌تر گردد.

سخن سردیر

پژوهش به‌عنوان شریان حیات در حوزه دانش و بینش عمل می‌کند که پویایی آن می‌تواند به تحریک در رویش و گسترش مرزهای دانش انجامیده، و بی‌توجهی به این حوزه، ایستایی و نهایتاً میرایی دانش را رقم می‌زند که جهل، اولین دستاورد آن است؛ در دنیای امروز نیز شاهد جهالت مدرن هستیم که محصول عدم پژوهش سلیم در حوزه‌های مختلف است.

امروزه پژوهش مجرای گسترش مرزهای دانش بوده، و جایگاه سترگی در فعالیت‌های بشری به‌خود اختصاص داده است؛ هم‌چنین تتبع در حوزه علوم انسانی و اسلامی می‌تواند انسان را در فهم مسائل و دشواری‌های انسانی توانمند ساخته، و برای آن‌ها راه حل ارائه کند. پیشرفت روزافزون حوزه‌های دانشی، ضرورت ورود به عرصه‌های علمی بیشتری را می‌طلبد؛ چه آن‌که امروزه بسیاری از حوزه‌های دانشی علوم اسلامی نیازمند تبیین و ارائه در عرصه جهانی است.

فصلنامه علمی - اختصاصی **“PURE LIFE”** به‌منظور ایجاد فضای ارائه مقاله‌های دانش‌پژوهان دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ و سایر پژوهشگران در تلاش است ضمن ارتقای سطح پژوهش‌های دانش‌پژوهی مرتبط با علوم اسلامی، بستر مناسبی برای توسعه ارتباط میان پژوهش‌گران عرصه علوم اسلامی - انسانی باشد.

“PURE LIFE” به‌صورت فصلنامه چندزبانه و الکترونیکی منتشر می‌شود. این شماره به‌موضوع «اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی (۸)» می‌پردازد، و ماحصل ۹ مقاله برتر به ۳ زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.

فصلنامه **“PURE LIFE”** با عنایت کمیسیون نشریات جامعه المصطفی ﷺ العالمية و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان نخستین نشریه علمی دانشگاه مجازی المصطفی ﷺ آمادگی انتشار مقاله‌های دانش‌پژوهان را دارد.

معرفت‌شناسی حقیقت و مجاز در فضای مجازی با رویکرد حکمت (نظری و عملی) اسلامی

نویسنده: دکتر حسن رضایی (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۹

چکیده

ملازمت با حق در گرو ملازمت عقلی و عملی است؛ خدای حکیم فرایند پرورش انسان از قوه به فعل را در نظام احسن به‌خوبی طراحی نمود که تربیت انسان الهی و لازمه فعلیت یافتن انسان در پرتو حیات فردی و اجتماعی اوست، ضمانت اجرای این احکام و تکالیف شرعی نیز بر عهده حاکمان الهی است که با یکی از ابزارهای مهمی که در دست دارند- رسانه‌ها- به این مسئله مبادرت می‌ورزند. رهاوردهای حکمت، تبیین مسئله حق است چه این‌که بعضی از حکمای متأخر حکمت را به حق تعریف نمودند؛ آن‌گاه با بررسی ابعاد موضوع باید منظومه فکری که تمام اضلاع آن هماهنگ با حکمت باشد را تعریف نمود. بر این اساس، ابتدا باید در چارچوب هستی‌شناسی که شالوده و بنیان‌های نظری یک مسئله است حکمت را مشخص نمود، سپس در معرفت‌شناسی تبیین می‌شود که وجه و دلیل آن چه بوده و کتاب و سنت و عقل و اجماع هر کدام به ترتیب رتبه جایگاه حق را توصیف و اثبات می‌نمایند. مرحله سوم نیز جایگاه انسان در مقام خلیفه الهی و رابطه آن با حق است. اگر حکمت به حق تبیین و تفسیر شود و آن را به انسان و اجتماع سریان داد و اضلاع سه‌گانه بنیان‌های نظری آن را مشخص نمود، آن‌گاه جایگاه رسانه در این منظومه فکری مشخص می‌شود و پاسخگوی پرسش‌های زیر خواهد شد که در این پژوهش تلاش می‌شود به آن‌ها پاسخ داده شود:

- رابطه حق و شأنیت رسانه در هدایت جامعه و انسان در مقام خلیفه الهی چیست؟
- آیا رسانه در این منظومه فکری صاحب حق است و اگر صاحب حق است، آیا تکالیفی نیز بر عهده دارد؟

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه، مدرس دانشگاه و پژوهشگر رسانه، قم، ایران،

- تکالیف رسانه در تربیت انسان و جامعه محق چیست؟
- اقتضانات رسانه در این منظومه چیست؟
- تفاوت حق در رسانه حکمت محور با مباحث حقوق رسانه در غرب چیست؟

واژگان کلیدی: معرفت‌شناسی حقیقت، معرفت‌شناسی مجازی، حکمت نظری اسلام، حکمت عملی اسلام، فضای مجازی

نظام احسن الهی؛ زمینه خلقت احسن

خداوند حکیم است؛ یعنی علم او یقینی و فعلش محکم و اتقان دارد و نظام هستی که نظام احسن است محصول علم الهی است؛ چون حکمت علمی خداوند محصول حکمت عملی است و در این دو هیچ سستی و فطوری وجود ندارد و کمترین قصور و فتوری در مجموعه آفرینش نیست؛^۱ هم‌چنین شالوده نظام هستی را بر خلقت احسن بنا نهاد^۲ و چون هستی محض، جمال صرف و جمیل محض است، آیات و نشانه‌های آفرینش الهی نیز دارای نظام احسن است و در این بنای محکم الهی، انسان «احسن الخالقین» است.^۳

آن‌گاه برای خلقت انسان به خودش تبریک گفت^۴ که راز این تبریک برای آن است که انسان می‌تواند خلیفه الهی شود؛^۵ سپس انسان که شأنیت خلیفه الهی پیدا نمود، لازمه حکمت الهی است اقتضانات و الزامات تحقق این مقام را در انسان تعبیه نماید^۶ و آن‌گاه برای او رسولانی باطنی قرار داد^۷ که فطرت انسان آینه هدایت،

۱. ر. ک: ملک، ۳.

۲. ر. ک: سجده، ۷.

۳. ر. ک: تین، ۴-۵.

۴. ر. ک: مؤمنون، ۱۴.

۵. ر. ک: بقره، ۳۰.

۶. ر. ک: طه، ۵۰.

۷. ر. ک: نحل، ۶۸.

به سوی اوست و در هدایت تشریح رسولانی از جنس خود او که معلم حکمت بودند، فرستاد.^۱ از سوی دیگر، عقل را در انسان ودیعت نهاد تا سخن حکیمانه را فهم کند.^۲

نظام احسن؛ پرورش انسان خلیفة الله

خداوند حکیم با مقام خلیفة الهی به انسان کرامت بخشید و برای باریابی و راهیابی به این مقام طبق اصل حکمت، اسباب و التزامات آن را نیز برای انسان فراهم نمود؛ آن‌گاه او را در مقام خطاب به ملاقات قرار داد^۳ که این خطاب الهی يك اصل را بر طبق حکمت اکرام یادآور می‌شود که ابر و باد مه خورشید و فلک برای این است که خدا تو را محق قرارداد تا به مقام خلیفة الهی برسی^۴ و تو ای انسان باید کادح باشی تا به حق برسی که تو محق هستی برای رسیدن به حق و اگر غفلت کنی و سستی نمایی، به خود ظلم نمودی؛ هم‌چون روز قیامت که پرونده باز می‌شود و ظالم سرش را از خجالت و شرمندگی به زیر می‌اندازد.^۵

امیر حکمت و بیان علی علیه السلام در تعریف از حکمت می‌فرماید:

«رَأْسُ الْحِكْمَةِ لُزُومُ الْحَقِّ وَطَاعَةُ الْمُحَقِّ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ح ۵۲۵۸)
ملازمت با حق و فرمانبری از محق، سرآمد حکمت است.

بر این اساس، ملازمت با حق در گرو ملازمت عقلی و عملی است؛ یعنی سالك الى الله هم باید غواص معارف الهیه باشد و هم باید ید بیضاء در تخلق به اخلاق الهی داشته باشد؛ چه این‌که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را از مَلَك

۱. ر. ک: جمعه، ۲.

۲. ر. ک: بقره، ۲۴۲.

۳. ر. ک: انشاق، ۶.

۴. ر. ک: اسراء، ۷۰.

۵. ر. ک: شوری، ۲۲.

پران تر می کند و در جایگاه خلیفه الهی می نشاند تا مسجود ملائک شود و این با سیر در حکمت نظری و عملی ممکن است؛ لذا بعضی از حکمای متأخر در تفسیر «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۱؛ گفته اند مراد از عمل صالح، هر عملی است که بر طبق عقاید حق صادر شود و با آن سازگار باشد. عمل صالح تنها وقتی حاصل می شود که علم و عمل با هم باشند، در غیر این صورت علم بدون عمل و عمل بدون علم راهزن است.

ثمره حکمت نظری و عملی تخلق به اخلاق الهی در محدوده امر الهی است؛ چرا که برخی از کمالات هم چون مقام کبریایی از آن اوست؛^۲ پس باریابی به مقام خلیفه الهی در پرتو اصل «عبد بودن» معنا می یابد که نحو اتم آن در انسان کامل است؛ لذا برای رسیدن به مقام عبودیت باید خاشع بود و این خاشع بودن ثمره حکمت است که پیامبر اکرم فرمودند:

«رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۲۷۲) ترس از خداوند، سرآمد حکمت است.

حکمت الهی در تربیت انسان متخلق به اخلاق الهی بر این امر قرار گرفت که در نشئه دنیا استعدادهای بالقوه اش بالفعل شود؛ چه این که فرایند شکل گیری انسان را بیان فرمود تا دلیل باشد بر دانستن این که عطایی از جانب حق است؛^۳ و الا انسان هیچ گاه محق نخواهد بود. این سیر اثبات یکی دیگر از حکمت های الهی است.

هم چنین، آن حکیمی که به اکمال و اتمام انسان را خلق نمود، فرایند پرورش انسان از قوه به فعل را در نظام احسن به خوبی طراحی نمود و برای همه اتمام حجت نمود که

۱. فاطر، ۱۰: سخنان پاکیزه به سوی او [خداوند] صعود می کند و عمل صالح را بالا می برد.

۲. ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳. ر. ک: انسان، ۱؛ مؤمنون، ۱۳-۱۲.

انسان خلیفه الهی عین حیات است^۱ و این سیر الی الله برای همگان میسور است، پس تربیت انسان الهی و لازمه فعلیت یافتن انسان در پرتو حیات فردی و اجتماعی اوست؛ چرا که بخش مهمی از استعداد های او برای تخلق به اخلاق الهی فقط در اجتماع است که به فعلیت می‌رسد؛ لذا حکمای مسلمان علت اهتمام اسلام به اجتماع را به دلیل اهمیتی می‌دانند که در تربیت انسان دارد و بر این باورند که تربیت و رشد اخلاق و غرایز در انسان که ریشه و مبدأ تشکیل اجتماع است، وقتی مؤثر واقع می‌شود که جو جامعه با آن تربیت معارضه نکند و گرنه قدرت نیروی جامعه، فرد را در خود مستهلک می‌کند. بنابراین، اگر اخلاق و غرایز جامعه با این تربیت ضدیت کند یا تربیت انجام شده مؤثر واقع نمی‌شود و یا آن قدر ناچیز است که قابل قیاس و اندازه‌گیری نیست.

حکمت تبلیغی حاکمان در تربیت انسان محق

اگر گفته شد اجتماع مؤثر در تربیت انسان است، حکمت الهی اقتضا دارد احکام و قوانین اجتماعی را وضع نماید تا جامعه در مسیر تربیت انسان قرار بگیرد. ضمانت اجرای این احکام و تکالیف شرعی نیز بر عهده حاکمان الهی است و سرّ تشکیل حکومت الهی که هم سیاست تدبیر امور و هم قدرت اجرا داشته باشد از این نکته مشخص می‌شود چرا که حکومت باید تسهیل کننده تربیت انسان به سوی باری تعالی باشد.

بر این اساس، برای باریابی به این هدف از حکمت باید در جامعه زمینه انذار فراهم شود که از این جا اهمیت تبلیغ دین مشخص می‌گردد.^۲

یکی از ابزارهای مهم برای حاکمان در حکومت اسلامی در قرن اخیر، رسانه‌ها هستند که در عصر معاصر نبض حیات فردی و اجتماعی را به دست گرفته‌اند و

۱. ر. ک: انفال، ۴۲.

۲. ر. ک: توبه، ۱۲۲.

موضوع تربیت انسان را سخت و پیچیده کرده‌اند تا جایی که گروهی از پژوهشگران بر این باورند که رسانه‌ها تربیت انسان را بر عهده گرفته‌اند. (پستمن^۱، ۱۳۸۴: ۲۰۸) با این توضیحات، مشخص می‌شود که جایگاه انسان در نظام احسن الهی رسیدن به خلیفه الهی است و انسان با تمام عطایای الهی که در جانش تعبیه شده محق است تا به این مقام بار یابد؛ لذا اگر در صورت غفلت و گناه این حق را از خود سلب کند، به خویش ظلم نموده است. از طرف دیگر، جامعه نیز باید در خدمت تربیت انسان محق باشد؛ پس جامعه نیز صاحب حق می‌شود، لذا گناهایی که جامعه را به اضلال می‌کشد عقوبت بدتری دارند؛ چرا که مانع از تربیت انسان الهی می‌شوند.

در نهایت، از رسالت حاکمان الهی این است که بسترهای تربیت انسان محق را فراهم نمایند که یکی از بسترهای مهم ایجاد رسانه‌های اسلامی است. از این استدلال می‌توان این نکته را استخراج نمود که رسانه‌ها و عوامل تولید اثر رسانه‌ای نیز اگر در راستای تربیت انسان قرار گیرند، ثواب عمل اجتماعی دارند و در صورت اضلال و اخلال در تربیت انسان عقوبت چند برابر دارند. (فخار طوسی، ۱۳۸۱: ۱۴۲ و ۱۲۵)

تبیین گفتمان رسانه‌ای مبتنی بر دین

امروزه در مورد نقش اساسی رسانه‌ها در زندگی بشر و اثر روزافزون آن در تحولات آینده جوامع بشری تردیدی وجود ندارد. بشر در حالی وارد قرن ۲۱ شده که فناوری‌های رسانه او را محاصره کرده و جوامع بشری وابستگی شدیدی به رسانه پیدا کرده‌اند.

در طی دهه‌های گذشته اظهارنظرهای متفاوتی درباره ماهیت رسانه بیان شده؛ اما آنچه مسلم است این‌که بیان این‌گونه دیدگاه‌های متضاد، نشان‌دهنده تأثیر عظیم این مصنوع بشری بر زندگی نوع انسان است.

گسترده‌گی و عمق حوزه تأثیرات رسانه به حدی است که باعث شده عده‌ای از صاحب‌نظران مفتون آن شوند و منفعلانه در گوشه‌ای نظاره‌گر انحطاط فرهنگی و

اجتماعی جوامع در مقابل رسانه‌ها باشند و در مقابل عده‌ای دیگر از محققان با توجه به اثرات مخرب رسانه‌ها بر زندگی اجتماعی انسان و طبیعت پیرامون وی، عطایش را به لقایش بخشیده و یکسره به نفی آن پردازند.

در این هماورد، گاهی به غلبه جامعه دیندار انجامیده و ثمره آن استفاده از تحریم رسانه‌ها در سطح اجتماع بوده و گاهی نیز تن دادن مسالمت‌آمیز با فناوری‌های رسانه بوده است که دلیل اصلی در این مواجهه‌ها نیز ترس از استیلائی رسانه و کم‌رنگ شدن حضور دین در رفتارهای فردی و اجتماعی بود:

قدرت تلویزیون در این نهفته است که دریچه قلب ما - احساس - را بر روی شخصیت‌ها باز می‌کند و نه در دریچه مغز ما؛ زیرا خداوند در مغزها و اندیشه ماست. (پستمن، ۱۳۸۴: ۲۶۳)

به مرور زمان با تجربه دینداران در عرصه حضور در رسانه ترغیب برای استفاده از رسانه در تبلیغات دینی شکل گرفت؛ به طوری که واتیکان در جایگاه نهاد حاکمیت مسیحیت بیش از ۱۰۰ فرستنده رادیویی و تلویزیونی مختص به خود دارد که - مستقیماً - معارف مسیحیت را تبلیغ می‌کنند.

از طرف دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان‌های مختلفی را در جهان ایجاد نمود؛ البته این معجزه قرن در عرصه سیاسی به یک پدیده تبدیل شد که یکی از گفتمان‌های مهمی که با انقلاب شکل گرفت، ایجاد گفتمان رسانه‌ای مبتنی بر دین و دینداری بود؛ چه این‌که جامعه دینداران قبل از انقلاب نگاه تحریمی به رسانه تلویزیون و سینما داشتند و بعد از انقلاب این نگاه تحریمی تبدیل به سطحی از توقع نسبت به رسانه شد به این دلیل که:

ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم؛ ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم؛ ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که

در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوان‌های ما را این‌ها به تباهی کشیده‌اند و همین‌طور سایر این [مراکز]. ما با این‌ها در این جهات مخالف هستیم. این‌ها به همه معنا خیانت کرده‌اند به مملکت ما. (امام خمینی، ج ۶: ۱۵)

انقلاب رسانه‌ای با انقلاب اسلامی

در چنین وضعیتی، مطالبات از رسانه انقلاب اسلامی در قالب منشورهای رسانه از نگاه امام و رهبری تدوین گردید؛ هم‌چنان که امام خمینی علیه السلام جایگاه رسانه را تربیت می‌داند و یادآور می‌شود که این دستگاه‌ها؛ دستگاه‌های تربیتی هستند که باید تمام اقدار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند، یک دانشگاه عمومی هستند؛ (همان، ج ۱۸: ۳۲۶)؛ مقام معظم رهبری نیز اصلی‌ترین وظیفه رسانه اسلامی را تربیت انسان‌ها برای رسیدن به رشد و کمال می‌داند و وجه تمایز آن را با رسانه غیر دینی که بیشترین هدف آن ایجاد سرگرمی و تفریح است، در تدین‌سازی جامعه می‌داند. (مقام معظم رهبری، ۱۷ بهمن ۱۳۷۰)

در عین حال، بسط تئوریک رسانه اسلامی در جامعه دانشگاهی و حوزه‌های علمیه تبلور نیافت که ضرورت نظریه‌پردازی در این حوزه می‌تواند ثمرات علمی و عملی فراوانی برای حکومت اسلامی داشته باشد.

یکی از مزایای نظریه‌پردازی در این حوزه، تبیین نوع مواجهه حکومت با رسانه است؛ این‌که:

- حاکمان نظام تا چه سطح می‌توانند از رسانه در جهت تعالی دین، جامعه و اسلام بهره بگیرند؟
- آیا رسانه می‌تواند انسان الهی تربیت کند؟

- رسانه‌ها تا چه میزان می‌توانند بر حاکمیت هنجارهای نظام اسلامی کمک کنند؟
- کدام‌یک از نظریه‌های ذات‌گرایانه یا ابزارگرایانه مورد تأیید حکمای اسلامی است؟ آیا رسانه‌ها که مولود فناوری غرب هستند، میراث فرهنگی آنان را نیز انتقال می‌دهند و در این صورت، چه سیاستی باید اتخاذ کرد؟
- آیا حکومت اسلامی در جامعه کنونی که هر روز فناوری‌های جدید ظهور پیدا می‌کند، می‌تواند نگاه تحریمی به رسانه‌ها داشته باشد؟

به نظر می‌رسد، اگر این مسئله مهم در حوزه تئوریک حل شود، قدرت برنامه‌ریزی دینی را به مدیران می‌دهد تا سطح توقع از رسانه‌ها را در تحولات دینی در زمینه فردی و اجتماعی بدانند.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی در جایگاه مدل حکومتی به عنوان الگو برای جهانیان و کشورهای استکبارستیز و مسلمانان مبارز مطرح است؛ لذا باید مدل اسلامی و اجرایی رسانه انقلابی و اسلامی نیز تعریف گردد و در نهایت نظریه‌پردازی در این زمینه تکلیف ما را با نظام‌های رسانه‌ای سکولار مشخص می‌کند و همه این ضرورت‌ها در حوزه تولید محصولات رسانه تبلور خواهد یافت و می‌تواند زوایای ناشناخته‌ای از برنامه‌سازی مبتنی بر سبک رسانه اسلامی به جهان ارائه دهد. آن‌چه در ارائه مدل رسانه دینی مهم به نظر می‌رسد این‌که باید روش طراحی آن مبتنی بر مبانی بنیادین اسلامی باشد.

حکمت اسلامی در تبیین رسانه اسلامی

بررسی رسانه و نظریه پردازی در غرب را رشته‌ای با عنوان «فلسفه رسانه^۱» عهده‌دار شده است که در تقسیم‌بندی فلسفه در شاخه فلسفه مضاف بحث و بررسی می‌گردد؛ اما نکته مهم این است که رویکرد فلسفه رسانه غربی با بنیان‌های اندیشه‌ای و فکری آنان همسو و همراه است که به نظر می‌رسد در کنار نگاه تطبیقی و انتقادی باید ابتدا الگوی نظری رسانه اسلامی بر اساس بنیان‌های اندیشه‌ای و روش‌شناسی اسلامی تبیین شود؛ آن‌گاه به رویکرد تطبیقی روی آورد.

مزیت این روش ضمن تأکید بر بومی‌سازی علوم طبق نقشه علمی کشور، در این است که حوزه‌های معرفتی جدیدی استخراج می‌کند که می‌تواند در سطوح مختلف رسانه کاربرد داشته باشد.

بحث مهمی که در این جا مطرح می‌شود این‌که دانشمندان اسلامی نیز روش‌های متفاوتی نسبت به تحلیل و تبیین موضوعات دارند که يك روش و رویکرد در قالب حکمت نظری و عملی مطرح می‌گردد و دیگری رویکرد فلسفی و عقلی است که عقل نظری و عملی عهده‌دار تبیین و تحلیل مسائل است. در فلسفه اسلامی توجه به جنبه ادراکی انسان است که چگونه معارف حق را می‌یابد و می‌فهمد و آنچه انسان انجام می‌دهد و در مادون اثر می‌گذارد به واسطه عقل علمی و عملی است.

بنابراین عقل نظری یا عملی دو نیرو از نیروهای انسانی است، ولی حکمت نظری و عملی دو رشته از علوم و مسائل انسانی است؛ لذا حکمت در اوج معارف اسلامی قرار دارد، هم‌چنان که حکما گفته‌اند حکمت عبارت است از قضایای حقه‌ای که مطابق با واقع باشد و هیچ‌گونه سستی در آن نباشد و محکم و متقن باشد؛ لذا در حکمت مسائل آن‌گونه که هستند بیان می‌شوند، اما وقتی عقل و فهم و روش عقلی و طریق براهین مطرح می‌شود، این بر عهده فلسفه است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۵)

بیان این نکته لازم است که این دو رویکرد در تضاد با یکدیگر نیستند؛ بلکه تکمیل‌کننده هم هستند. در مباحث فلسفی نیز محورهای متعددی قابل طرح است از جمله تفاوت فلسفه اسلامی با غیر آن؛ این‌که:

- آیا موضوع علوم انسانی و علوم اجتماعی و بالطبع رسانه در فلسفه عام مطرح می‌شود یا در فلسفه خاص؟
- آیا درست است همانند فلسفه غرب، فلسفه رسانه را در بخش فلسفه مضاف بحث کرد؟

رهیافت بعدی در نظریه حکمت رسانه اسلامی این است که بینش حکمت‌محور، این محصول و ثمرات را دارد که در حیطه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی نظام می‌دهد؛ لذا هم‌چون منظومه‌ای تمام حیطه‌های مباحث تحلیل و تفسیر را شامل می‌گردد؛ پس اگر کسی بخواهد در موضوع رسانه و سایر مسائل مرتبط به آن اظهار نظر کند، باید همه مراتب و مسائل را در نظر بگیرد و حقوق و شئون همه ابزارهای معرفتی را حفظ کند به نحوی که با هیچ حلقه‌ای از معارف مباین نباشد.

تفسیر حکمت به حق

همان‌گونه که در مباحث علمی متداول است، ابتدا باید حکمت تعریف و تبیین گردد؛ اگر بیان شد که حکمت در لغت به معنای امری است که اتقان دارد، علمای علم منطق نیز قضایایی را که مطابق با واقع و موافق با نفس‌الأمر باشند را حق می‌نامند.

فلاسفه نیز واژه حق را گاهی به وجود عینی و خارجی تعبیر می‌کنند و گاهی موجود واجبی که قائم به ذات است؛ گروهی از حکما نیز - از جمله علامه طباطبایی - حکمت را از قضایای حقه‌ای که مطابق با واقع باشد تعریف می‌کنند؛ یعنی به نحوی مشتمل بر سعادت بشر باشد، همانند معارف حقه الهیه درباره مبدأ و معاد.

(طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۰۷)

علامه طباطبایی تعریف دقیق‌تری از حکمت می‌دهد و حکمت را به حق تعریف می‌نماید و اشار می‌کند که حکمت از علم و عمل حق سرچشمه می‌گیرد که دین اسلام بدان دعوت می‌کند و حق، عبارت است از رأی و اعتقادی که ملازم با رشد بدون غی و مطابق با واقع باشد و این همان حکمت است. (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۰۸)

تکرار قریب بر ۳۰۰ مرتبه واژه حق با شقوقات آن و ارائه مطالب در قالب اشکال منطقی و استدلال‌های عمیق عقلی در قرآن حکیم و روایات معصومین علیهم‌السلام نشان از مبانی قطعی ارائه این تعریف دارد.

به طور کلی، انسان برای رسیدن به سعادت نیاز به دو بال علم و عمل دارد؛ چون علم به تنهایی کافی نیست و برای عینی شدن محتاج عمل است، اما آنچه موجب بالفعل شدن این دو می‌گردد، حکمت است.

حکمت نه تنها به معرفی حقایق هستی کمک می‌نماید؛ بلکه قبل از هر چیز به قوای نفسانی انسان پرداخته و برای انسان دو نیروی علامه و عماله کشف کرده و معرفی می‌کند که از یکی اندیشه و از دیگری عمل ساخته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۷)

حکما حکمت را به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌کنند؛

- حکمت نظری؛ بخشی که عقل درباره هست و نیست حقایق جهان تکوین بحث می‌کند، اموری که خارج از قدرت و انتخاب و اختیار بشر است مانند بحث پیرامون مسائل توحید، نبوت، معاد، ملائک، عالم ملکوت، ماده و سایر مسائل نظری که خواه انسان باشد یا نباشد وجود آن حقایق در جای خود محفوظ است. (همان: ۵۳)
- حکمت عملی؛ بخشی است که عقل درباره باید و نباید اخلاقی، فقهی و حقوقی بحث می‌کند و پیرامون مسائلی است که در قدرت و اختیار بشر قرار دارد، مانند بحث پیرامون تهذیب نفس، از بین بردن رذایل و ایجاد فضائل اخلاقی که این امر بر عهده علم اخلاق است و در بخش دیگر، تبیین تکالیف الهی انسان در حیطه عمل که علم فقه عهده‌دار آن است. (همان: ۱۰۵)

بر این اساس، اگر بیان شد که یکی از رهاورده‌های حکمت، تبیین مسئله حق است - هم‌چنان که حکمت را به حق تعریف نمودند - آن‌گاه با بررسی ابعاد موضوع باید منظومه فکری که تمام اضلاع آن هماهنگ باشد را تعریف نمود؛ این منظومه فکری از منابعی تغذیه می‌شود که گاهی مربوط به هستی‌شناسی است که در آن سخن از ایجاد و تکون يك پدیده است که:

- دین به عنوان منبع اصلی در تکون حق و تکلیف از کجا پدید آمده است؟
- تکون آن به دست چه کسی است؟
- چه منبعی باید تعالیم دینی را وضع کند؟

وقتی در بحث هستی‌شناسی روشن شد که چه چیز منبع پیدایش، حق و تکلیف است، سپس در معرفت‌شناسی تبیین می‌شود که: وجه و دلیل آن چه بوده که کتاب، سنت، عقل و اجماع هر کدام به ترتیب رتبه باید جایگاه حق را توصیف و اثبات نمایند؛ سپس مرحله سوم که جایگاه انسان در مقام خلیفه الهی و رابطه آن با حق است، طرح می‌شود. بنابراین، بحث انسان در موضوع حق در سه محور کلی مطرح می‌گردد:

- چه چیزی در نظام هستی حق است؟
- در ساختار انسان چه چیزی حق است؟
- در پیوند میان عالم و آدم چه چیزی حق است؟

ارتباط این مطالب با رسانه نیز در همین پیوندهای سه‌گانه تبیین می‌گردد که یکی از فواید نگاه منظومه‌وار این است که تکلیف ما با مکاتب نظری در رسانه‌های غربی مشخص می‌گردد. در مکتبی که بنیان‌های فکری‌اش بر اساس ماده است و هر چه مادی و محسوس نباشد خرافه و افیون است و باعقل‌ابزاری و نگرش سود و فایده، لذت و خوشی جهان تفسیر می‌گردد، رسانه آن نیز تفکر الحادی را در لفافه و ابهام و اغوا ارائه می‌دهد تا مخاطب را از فطرت الهی دور کند؛ در مقابل حکمت اسلامی اقتناع می‌کند و دعوت به تفکر می‌کند که اگر شیطان تسویل می‌نماید، حکمت الهی تبیین می‌نماید.

انسان محق در رسانه اسلامی

اگر حکمت را به حق تبیین و تفسیر نمود و آن را به انسان و اجتماع سریان داد، حال باید مشخص کرد:

- حقوق فردی و اجتماعی در رسانه‌ها چگونه تبیین می‌گردد؟
- اگر برای رسانه‌ها کارکردهایی تعریف شده، حقوق فردی و اجتماعی در کارکردهای رسانه چیست؟
- حقوق اطلاع‌رسانی انسان محق چیست؟

اگر اصلی‌ترین کارکرد رسانه‌ها را سرگرمی تعریف نمود، با توجه به مبانی سرگرمی که غفلت‌آور است، در حکمت رسانه‌ای:

- آیا باید توجیه کرد یا راه‌حل ارائه داد؟
- اگر برای رسانه‌ها اثرگذاری قائل بود و از طریق تکنیک‌ها و روش‌ها بتوان بر فرد و جامعه تأثیر گذاشت، حق مخاطب و اجتماع در آن چیست؟
- آیا می‌توان از هر تکنیکی برای اثرگذاری استفاده کرد؟
- تعاریفی مثل آزادی رسانه‌ها، عدالت و مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها را با مدل حق چگونه می‌توان تعریف کرد؟
- تفاوت حقوق رسانه‌ای اسلام و غرب در چیست؟

از رهاورد مباحث یاد شده چنین برداشت می‌شود که حکمت الهی بر این قرار گرفت تا شأن انسان را در ردای خلیفه الهی ببیند و اقتضانات باریابی به این شأن را برایش فراهم نماید؛ در چنین وضعیتی، رسانه اسلامی مکلف است بسترهای تربیتی را برای باریابی به مقام خلیفه الهی ایجاد نماید و این از حقوق اصلی انسان است تا با توجه به سعه وجودی‌اش - خود- را به این مقام که از آن به مقام ولایت یاد می‌شود، نزدیک کند و یا خود را صاحب حق بداند و از جامعه اسلامی و رسانه اسلامی این توقع را داشته باشد تا زمینه‌های احقاق این حق را فراهم نماید.

حکمت حیات انسانی در حیات رسانه اسلامی

از رهیافت‌های ارائه شده روشن می‌شود که خدای متعال، توحیدمحوری را در جان انسان به ودیعت نهاده است و به او که در مقام خلیفه الهی است می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛ (انفال، ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اجابت کنید دعوت خدا و رسولش را هنگامی که شما را دعوت می‌کنند به سوی آن چه که به شما حیات می‌بخشد.

این نکته به بدهت عقل روشن و ثابت است که مراد از حیات در این آیه حیات ظاهری و جسمانی نیست؛ زیرا مخاطب آیه کسانی هستند که از این حیات برخوردارند؛ این مرحله از زندگی امری پوشیده نیست تا ادراک آن برای عده‌ای مبهم باشد؛ چون اگر مقصود از حیات همین معنای ظاهری و سطحی آن بود، نیازی به پیمان نداشت، سپس هر عقل سلیمی حکم می‌کند که مراد از آیه که فرمود معنای دقیق‌تر و ظریف‌تر از زندگی یعنی همان حیات حقیقی انسان که بر مبنای اندیشه و ایمان به خداست.

تحصیل این حقیقت نیز جز از راه علم، ایمان و عمل صالح مقدور نیست و این همان حیات طیبه‌ای است که خداوند به مؤمنان وعده داده است.^۱

غرض و غایت خلقت انسان، به انسان‌شناسی مربوط است نه به جامعه‌شناسی؛ اما برای تبیین بعد اجتماعی انسان در اسلام که روابط انسانی را شکل می‌دهد، آشنایی با حکمت حیات لازم است؛ لذا رسانه اسلامی نیز اگر بخواهد در مسیر هدفمندی انسان قرار بگیرد، باید بداند حیات انسانی و اجتماعی انسان به چیست و برای زمینه‌سازی در مسیر تحقق آن- خود- صاحب حیات طیبه باشد.

حیات انسانی در هدف خلقت معنا می‌یابد و برای هدف خلقت می‌توان هدف زیر را در نظر گرفت که رسانه اسلامی در هنجارهای رسانه‌ای باید خط‌مشی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خود را برای تأمین آن قرار دهد:

- عبادت خداوند؛^۱ انسان تنها برای عبادت آفریده نشده، بلکه نعمت حیات برای عبودیت به وی بخشیده شده است؛ یعنی حیات انسان باید بیشتر احیای روح بندگی و وصول به مقام عبودی در برابر خداوند سبحان باشد که عبادت زمینه عبودیت است؛ لذا: بایستی مفاهیم و معارف اسلامی پخش و منعکس بشود. علاوه بر این، صدا و سیما کوشش کند که مردم متدین بشوند. (مقام معظم رهبری، ۷ مرداد ۱۳۶۹) تدین‌سازی جامعه نیز همان حیات انسان و اجتماع انسانی است که در پرتو آن شالودگی بندگی معنا می‌یابد؛ شالوده بندگی، طبق تقسیم‌بندی اصولی زیر است که هر اصل در دل خود، ۷ رکن دارد:

- معامله انسان با خداوند؛ ادای حقوق ربوبی، حفظ حدود الهی، شکر و نعم پروردگار، رضا به قضای الهی، صبر بر مصائب و بلاهای طبیعی، تعظیم و تکریم محارم خداوندی، شوق به لقای ذات سرمدی.
- تعامل با نفس خود؛ جهاد با نفس، خوف از رب، تحمل ریاضت، طلب صداقت، اخلاص در نیت، اخراج حب غیر از نفس، معرفت به رب و فقر خود.
- معاشرت با مردم؛ حلم و صبر و بردباری، گذشت و بخشندگی، تواضع و فروتنی، سخا و کرم، بزرگواری و مهربانی، فصیحت و پند و خیرخواهی، قسط و انصاف و عدل‌محوری.

○ معامله با دنیا؛ راضی بودن به کمترین امکانات، اיתار به موجود، عدم علاقه به مال زیاد، انتخاب روش زهد، معرفت به آفات و بلایا، برانداختن شهوات، ترک مصاحبه ظاهری. هرگاه این شرایط در فردی جمع شد، او مقرب درگاه حضرت باری تعالی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱)

هماورد رسانه الهی و رسانه غیر الهی

رسانه‌ای که در جهت تأمین حیات الهی انسان نباشد، دچار سفاهت می‌شود؛ سفاهتی که با حکمت جمع نمی‌شود، چون حکمت به آن است که حق خود را شناخت؛ هم‌چنین سرمنشأ سفاهت نیرنگ دنیا و دل‌باختگی به آن است، هم‌چنان که پیامبر اکرم می‌فرمایند:

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»؛ (نهج الفصاحه: ۲۸۳) حب به دنیا، سرمنشأ همه گناهان است.

در چنین وضعیتی است که رسانه نقش تسویل را بر عهده می‌گیرد و دنیا را زیبا جلوه می‌دهد و حیات انسانی را در این دنیای زودگذر خلاصه می‌کند و انسان را غره و شیفته به حیات دنیوی می‌نماید؛ لذا قرآن کریم سفارش به فریفته نشدن می‌کند؛^۱ چون تسویل، زشت را زیبا جلو می‌دهد؛ لذا اگر رسانه اسلامی به تسویل جامعه و انسان بپردازد مصداق این کریمه قرار می‌گیرد:

«بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا»؛ (یوسف، ۸۳) بلکه نفس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است.

این نقش تسویل رسانه است که همانند برادران یوسف به چاه انداختن برادر را نیک پنداشتند؛ حال رسانه نیز خدعه به چاه انداختن انسان را در وادی سرگرمی و دنیا زیبا جلوه می دهد.

نتیجه آن که رسانه های تسویلی به انواع تکنیک ها و روش ها در مهندسی پیام، انسان را به سوی مصرف زدگی سوق می دهند و زندگی را برای انسان این گونه معنا می کنند که ماسوای این دنیا جهانی نیست، پس بر عیشت بیغزا.

فضای مجازی در پرتو حکمت رسانه اسلامی

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

اگر انسان بیدار باشد زشت و زیبا را می شناسد و امتیاز می دهد و اجازه نمی دهد از درون، عواملی پیدا شود که با مقدمه چینی، زشتی ها را به صورت زیبا نشان دهد. نفس آگاه و بیدار اجازه نمی دهد چنین توطئه ای صورت بگیرد. (نهج البلاغه، خطبه ۴۲)

از طرف دیگر، قرآن کریم در آیات متعددی این خطر را گوش زد می کند که ای انسان مفتون دنیا نشو؛^۱ لذا حکمت الهی اقتضا می کند که انسان همیشه بیدار باشد تا فریفته نشود؛ پس انسان در این مسیر رشد و کمال و عبودیت تا باریابی به مقام خلیفه الهی باید پاسبان حرم دل باشد و کشیک نفس بکشد تا مظاهر دنیا او را از صراط حق منحرف نکند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام برای این که ثابت کند دشمن هرگز به مرز انسان های بیدار راه ندارد، می فرماید:

«وَإِنَّ أَعْمَى الْحَرْبِ الْأَرَقُّ وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنْمَ عَنْهُ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۶۲)

مرد نبرد بیدار است و لازمه جنگ بیداری است، زیرا دشمن کسی را که خواب است غافل گیر می کند و شیطان از راهی می آید که تو نمی بینی.

بنابراین، اگر انسان راه نفوذ شیطان را بدانند و مسیرها را کنترل کند، غافلگیر نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

یکی از راه‌های اغوای شیطان، چشم‌دوزی به زندگی تجملی دیگران است؛ صفتی که در قرآن کریم نهی شده،^۱ هم‌چنان که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ اِزْتَحَلَّتْ مُدْبِرَةً وَالْآخِرَةُ مُقْبِلَةٌ وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا بَدْوٌّ فَكُونُوا مِنْ أُنْبَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَعَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۴۲) هر یک از

دنیا و آخرت فرزندان دارند، بر بعضی دنیا حکومت می‌کند و بر بعضی آخرت؛ شما فرزندان دنیا نباشید که در قیامت هر انسانی به مادرش ملحق می‌شود که تحت تربیت او رشد کرده است. دنیا همان ریشه جهنم است.

رسانه‌های غیر الهی و سالیلی هستند که در عصر مدرن زندگی و تربیت انسان را پیچیده کرده‌اند؛ لذا باید به جنگ با رسانه‌ای رفت که انسان را دعوت به سفاهت می‌کند و در این راه اقتدا به سیره ائمه معصومین علیهم السلام کرد.

سواد رسانه؛ یگانه راه جنگ رسانه‌ای دشمن

رسانه اسلامی باید زمینه‌ساز حقوق انسانی، به ویژه حق رسیدن به کمال باشد و در هم‌آوردن‌طلبی رسانه‌های مادی‌گرا انسان را دعوت به حق کند و در این جنگ نابرابر به خود خوف راه ندهد،^۲ حسن ظن به یاری خدا داشته باشد^۳ و از کثرت نیروها و امکانات دشمن نهراسد؛^۴ چرا که خداوند متعال راه پیروزی بر دشمنان کثیر را ایمان پایدار گروه اندک برمی‌شمارد که اگر پایداری در ایمان داشته باشید، خداوند با شماست و هر که خدا با او باشد، پیروز است.

۱. ر. ک: طه، ۱۳۱.

۲. ر. ک: یونس، ۶۲.

۳. ر. ک: محمد، ۷.

۴. ر. ک: بقره، ۲۴۹؛ انفال، ۱۲.

ابزار کارزار دشمن در این جنگ تسویل و اغواگری است که در مظاهر رسانه‌ای غرب هم چون مصرف‌گرایی، شهوت‌رانی و سرگرمی تبلور یافته است و در این سو خداوند- در مقابل تسویل- دعوت به اقناع می‌کند؛^۱ در این میان، گروه اول در مسیر خود از شناخت صحیح و یقین و دلیل و برهان قطعی برخوردارند و راه و هدف خود را به روشنی می‌بینند و به سرعت پیش می‌روند؛ اما گروه دوم گرفتار سوء تشخیص و عدم درک واقعیت و تاریکی مسیر و هدف شده و در ظلمات اوهام سرگردانند که عامل این سرگردانی همان پیروی از هوی و هوس‌های سرکش است؛ چرا که هوا و هوس پرده بر روی عقل و فکر انسان می‌افکند و زشتی‌ها را زیبا و زیبایی‌ها را زشت نشان می‌دهد، آن‌چنان که گاهی به اعمال شرم‌آور و ننگین خود فخر و مباهات می‌کند. بنابراین، اگر خداوند متعال به جماعت مؤمنان دستور به تجهیز داد،^۲ استطاعت در نبرد رسانه‌ای، شناخت رسانه و سواد رسانه است؛ دانش و مهارتی که موجب می‌شود هنگام استفاده از رسانه درک بهتر و خطای کمتری داشت و یا بسط تفکر انتقادی نسبت به محصولات رسانه‌ای است.

از طرفی، مواجهه متفکرانه با محصولات رسانه نیازمند آموزش رسانه‌ای است که یکی از ضروریات آموزش رسانه تأکید و توصیه‌ای است که دانشمندان غربی نیز به آن تأکید دارند.

به طور کلی، خطوط و محورهای اصلی سواد رسانه را می‌توان در آیات زیر از قرآن کریم، این‌گونه تصور کرد:

- افزایش مقاومت در مقابل تبلیغات رسانه‌ای؛ (انفال، ۶۰ و ۱۲)
- تقویت رویکرد انتقادی به فرهنگ دشمن؛ (محمد، ۱۴)
- کشف پیام‌های نامحسوس و توجه به تأثیرات رسانه‌ها. (اعراف، ۲۷؛ یوسف، ۸۳)

۱. ر. ک: محمد، ۱۴.

۲. ر. ک: انفال، ۶۰.

هم‌چنین، حکمت الهی بر این اعتقاد است که انسان باید به آن‌چه می‌خورد، نگاه کند^۱ که برخی حکما گفته‌اند تفاوت انسان با حیوان در این است که حیوان سر در زمین دارد و انسان سر در آسمان؛ لذا غذای انسان مائده آسمانی است و این اندیشه اوست که باور او را می‌سازد و این باور است که به رفتار می‌انجامد؛ پس باید انسان به اندیشه‌اش که غذای روح اوست، نظر بیفکند که اگر پیام‌های رسانه‌ها اندیشه‌ساز است، باید در پیام‌های رسانه تفحص کرد تا رهن انسان از آن مقام الهی نشود.

نتیجه‌گیری

حکمت الهی انسان را در جایگاه خلیفه الهی قرار داده است و در نظام احسن الهی موجبات رسیدن به این مقام را فراهم نموده و آن‌گاه به انسان دستور سیر داده است.^۲ در این میان، رسانه نیز موظف است انسان را در مسیر حق همراهی کند و از سوی دیگر، در این مسیر با شدائد و گرفتاری‌های درونی و بیرونی مواجه است که دشمن درون همان هوای نفس و قوای شیطانی است که از راه تسویل وارد می‌شوند و دشمن بیرونی نیز انسان‌های شیطان‌صفتی هستند که از راه اغواگری و تسویل‌گری رسانه‌ها، انسان و جامعه الهی را منحرف می‌کنند.

۱. ر. ک: عبس، ۲۴.

۲. ر. ک: تغابن، ۳.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج الفصاحة.
۳. نهج البلاغة.
۴. امام خمینی، سید روح الله. صحیفه نور.
۵. تارنمای مقام معظم رهبری، <http://farsi.khamenei.ir/>
۶. پستمن، نیل (۱۳۸۴). زندگی در عیش و مردن در خوشی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم ودرر الکلم. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). جامعه در قرآن. قم: نشر اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه. قم: نشر اسراء.
۱۰. صدوق (ابن بابویه قمی)، ابی جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه. قم: منشورات جماعة المدرسین.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۲). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. فخار طوسی، جواد (۱۳۸۱). امام خمینی و رسانه‌های گروهی، مبانی فقهی و حقوقی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

تربیت دینی در فضای مجازی: فرصت‌ها و تهدیدها

نویسنده: دکتر انسی کرامتی (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

چکیده

امروزه استفاده از فضای مجازی و امکاناتی که اینترنت در اختیار قرار می‌دهد، در تمام ابعاد زندگی انسان نفوذ یافته است که یکی از این ابعاد، حوزه دین و تربیت دینی است. با توجه به این‌که آموزش شایسته مفاهیم و ارزش‌های دینی - به عنوان سنگ بنای جامعه - مستلزم توجه به کیفیت آموزش‌های دینی است، باید به فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه‌ای توجه نمود که آموزش دینی در فضای مجازی می‌تواند به همراه داشته باشد. به بیان دیگر، هر چند استفاده از فضای مجازی می‌تواند فرصت‌های آموزشی مناسبی را در تربیت دینی متریبان به همراه داشته باشد؛ اما ماهیت این فضای آموزشی به نحوی است که تهدیدهایی را در این زمینه ایجاد خواهد نمود که عدم توجه به آن‌ها می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به متریبان و جامعه وارد کند؛ لذا در پژوهش حاضر که از دو قسمت تشکیل شده است، ابتدا به مفهوم‌شناسی تربیت دینی پرداخته شده و سپس امکان تحقق سه اصل از اصول تربیت دینی - پرورش تفکر و تعقل، عزت نفس، آزادگی - در فضای مجازی برای متریبان توضیح داده شده است؛ هم‌چنین، در ادامه از محدودیت‌های بالقوه فضای مجازی در این سه محور بحث شده است که عدم توجه به آن‌ها می‌تواند تربیت دینی را با چالش‌هایی مواجه سازد.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، فضای مجازی، فرصت‌ها و تهدیدها

مقدمه

در دهه‌های اخیر، پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحولات مهمی در نظام‌های آموزشی جهان ایجاد کرده و موجبات ظهور دانشگاه‌ها و نهادهایی با نظام‌های جدید یاددهی -

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران، keramaty_ensi@yahoo.ca

یادگیری شده است که نمونه بارز آن، نظام آموزش مجازی و دانشگاه‌های مجازی است که قدمت آن به اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی برمی‌گردد. (مدانلو و سالاریان، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

عمده‌ترین دلیل گسترش نظام آموزش مجازی، مزایای فراوان آن از جمله قابلیت عمومیت یافتن و هزینه‌های کمتر نسبت به آموزش سنتی است؛ (شاه‌بیگی و نظری، ۱۳۹۰: ۵۳) اما آموزش مجازی چیست؟

نصیری (۱۳۸۴: ۹۵) در پاسخ به این سؤال بیان می‌کند که کلمه مجازی از واژه لاتین^۱ یا واژه فرانسوی^۲ به معنای ظرفیت- بالقوه- است؛ یعنی چیزی که واقعی نیست ولی امکان تحقق دارد.

یک شیء مجازی از نظر فیزیکی واقعی نیست؛ ولی خصوصیات ماده مورد نظر را دارد یا به عبارت دیگر، نمایشی از آن شیء است؛ پس می‌توان گفت که یک شیء مجازی وجود دارد، اما قابل لمس نیست.

به همین ترتیب آموزش مجازی، نماینده الکترونیکی آموزش واقعی با همان مشخصه‌ها و ویژگی‌ها است؛ این خصوصیات از طریق رایانه و ابزارهای فناوری اطلاعات تحقق می‌یابد، پس وجود دارند؛ اما قابل لمس نیستند. آموزش مجازی از قدرت شبکه‌های کامپیوتری، تکنولوژی‌های اینترنت، شبکه‌های ماهواره ای و علوم جدید دیجیتال بهره می‌برد و در اصل هنر استفاده از تکنولوژی شبکه‌ها به منظور طراحی، انتخاب، تحول و اداره فرایند آموزشی است.

آموزش مجازی توسط رسانه‌های ارتباطی جدید تحقق می‌یابد؛ این رسانه‌ها در عصر حاضر نفوذی کامل در زندگی روزمره انسان‌ها پیدا نموده‌اند، به طوری که زندگی معاصر بدون رسانه‌های جدید ارتباطی غیر قابل تصور است.

-
1. Virtualis
 2. Virtuel

دین و آموزش مسائل دینی نیز یکی از موضوعاتی است که وارد حوزه‌های رسانه‌ای شده و گذشت زمان در مورد تمام ادیان نشان داده است که ناسازگاری هویتی میان رسانه‌های مدرن و دین وجود نداشته و امکان تعامل و ایجاد رابطه همزیستی میان این دو، نه تنها امکان پذیر بوده بلکه ضروری و الزامی است. (کاظمیان، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

از طرف دیگر، حفظ دین به عنوان زیربنای اعتقادی جامعه و تداوم فرهنگ دینی مستلزم توجه به کیفیت تعلیم و تربیت است؛ چرا که تعلیم و تربیت واقعی و همه‌جانبه انسان وقتی حاصل می‌گردد که آدمی مطابق دستورهای دینی در زندگی رفتار کند. (کشاورز، ۱۳۸۷)

اگر افراد جامعه زندگی خود را بر مدار دین و خدا باوری معنا کنند، سلامت و سعادت جامعه در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تضمین می‌شود. جامعه ای که دینی می‌اندیشد و دینی رفتار می‌کند، جامعه‌ای است که می‌تواند خوشبختی و پیشرفت واقعی را در خود متجلی سازد. (حسین‌زاده و مشرفی، ۱۳۸۹: ۴۲)

نظام جمهوری اسلامی ایران با محوریت دین و فرهنگ اسلامی پایه‌گذاری شده و به همین جهت با گذشت حدود چهار دهه از آغاز انقلاب اسلامی، روش‌ها و ابزارهای متعددی برای حفظ و تعمیق باورها و اعتقادات دینی در مردم مورد استفاده قرار گرفته است. تقوی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸) توضیح می‌دهند که اگر تربیت دینی بتواند از نظر محتوا، اجرا و روش‌ها با نیازهای مخاطبش منطبق شود و با خود نوآوری و تازگی به همراه داشته باشد، گام مؤثری برای جذب افراد به دین و دینداری برداشته است.

یکی از نوآوری‌هایی که می‌تواند در زمینه تربیت دینی مورد توجه قرار گیرد، استفاده از فضای مجازی و رسانه‌های ارتباطی جدید است. قابلیت‌های متنوع این فناوری، به طراحان و برنامه‌ریزان آموزش‌های مجازی این امکان را می‌دهد تا برای مخاطبان مختلف و طیف‌های سنی متفاوت، دوره‌های آموزشی با کیفیت‌تری را تدارک ببینند (سراجی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴)

هم‌چنین تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش مجازی در صورت تدوین مناسب محتوای آموزشی و ارزشیابی مطلوب، سیستم موفق و کارآمدی است؛ زیرا بیشتر - ۹۴ درصد- فراگیرانی که دوره‌های آموزش مجازی را طی کرده‌اند، بر این باورند که در مقایسه با کلاس‌های حضوری یادگیری بیشتری داشته‌اند. (وفایی نجار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

در عین حال، باید توجه داشت که استفاده از هر ابزاری در راستای دستیابی به اهداف و به ویژه تربیت دینی دارای فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است؛ لذا سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های آموزشی تربیت دینی برای حرکت به سمت راه‌اندازی دوره‌های آموزش مجازی و اطمینان خاطر- غالباً- به شواهد پژوهشی معتبری نیاز دارند.

بر این اساس در پژوهش حاضر، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای استفاده از فضای مجازی برای تربیت دینی چیست؟ هم‌چنین قبل از پاسخ به این سؤال به مفهوم‌شناسی تربیت دینی و اصول حاکم بر آن که باید در تربیت دینی مجازی مورد توجه قرار گیرد؛ پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی تربیت دینی

در مورد تربیت دینی تاکنون تعاریف متعددی ارائه شده است که برای دستیابی به تعریفی جامع، ابتدا به معروف‌ترین تعریف از دو مفهوم دین و تربیت پرداخته شده و سپس برخی از مهم‌ترین تعاریف تربیت دینی برای دستیابی به جمع‌بندی مطرح می‌شود.

علامه طباطبایی (۱۳۶۶، ج ۱۶: ۲۲۸) ذیل تفسیر آیه ۳۰ سوره روم در تعریف دین بیان می‌کند: دین عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آن‌ها تضمین‌کننده سعادت حقیقی انسان است؛ از این رو لازم است دین با فطرت انسان هماهنگ باشد تا تشریح با تکوین مطابقت داشته باشد و به آن‌چه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد، پاسخ گوید.

کشاوری (۱۳۸۷: ۹۹) نیز تربیت را زمینه‌سازی برای کمک کردن به متربی جهت شکوفاسازی قابلیت‌ها و توانش‌های درونی وی تعریف می‌کند؛ بنابراین در تربیت، بحث هدایت و فراهم‌آوری زمینه‌های مساعد برای متربی مطرح است نه ایجاد یک امر بدون زمینه که نوعی تحمیل یا واردسازی زورمندانه باشد.

با این تعاریف از دین و تربیت، تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.

تربیت دینی به معنای به فعلیت رساندن کمالات بالقوه معنوی در متربی است. به بیان دیگر، عبارت است از ایجاد تغییر تدریجی در متربی برای سیر از «بودن» به «شدن» یا انتقال از وضعیت بالقوه به بالفعل بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی در هر یک از ابعاد یا ساحت‌های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری. (ساجدی، ۱۳۸۴: ۹۵) داوودی (۱۳۸۳)، تربیت دینی را مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین می‌داند که منجر به پایبندی افراد در نظر و عمل به آن آموزه‌ها می‌شود. بر این اساس، تربیت دینی در هر مکانی قابل اجرا بوده و آموزش آموزه‌های تمام ادیان را می‌تواند شامل شود.

لوین^۱ (۲۰۰۹) نیز معتقد است تربیت مبتنی بر دین بیانگر همسویی میان اعتقاد، توکل و پیروی یا اطاعت است.

علی‌رغم معانی متفاوتی که از جانب صاحب‌نظران عرصه دین یا تربیت برای مفهوم مشترک تربیت دینی بیان می‌شود، یک اشتراک معنایی در این رابطه قابل ملاحظه است؛ به نحوی که - غالباً - تربیت دینی متشکل از سه عنصر شناختی، عاطفی و عملی قلمداد می‌گردد.

به طور کلی، تربیت دینی را می‌توان به معنی شکوفایی استعدادهای متربی جهت پیوستگی متقابل ذهن، قلب و بدن در راستای حرکت به سوی کمال مطلق دانست؛ لذا همان‌طور که نوروزی و بدیعیان (۱۳۸۸: ۹۴) نیز بیان می‌کنند تربیت دینی به معنای اعم محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود؛ بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، عاطفی و هیجانی در بر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد.

فرصت‌های فضای مجازی برای تربیت دینی

وسایل ارتباطی جدید و به ویژه فضای مجازی برای تربیت دینی دارای فرصت‌های مفید و ظرفیت‌های متعددی است؛ به نحوی که سه مورد از مهم‌ترین اصول تربیت دینی انسان شامل پرورش تعقل و تفکر، عزت نفس و حریت یا آزادگی توسط فضای مجازی به بهترین نحو قابل تحقق هستند که در ادامه به چگونگی این موضوع با توجه به اصول نامبرده پرداخته می‌شود.

۱. پرورش تعقل و تفکر

فکر، تلاش و پویایی است که به هنگام مواجهه انسان با مسائل، در وی جریان می‌یابد و با توجه به ویژگی تفکر در آدمی، باید این پویایی بی‌وقفه اندیشه را هدایت کرد که این امر، بیانگر شاخص عقل است.

در زبان عرب، عقل به معنای بند و بازداری است و در قرآن کریم، مفهوم خاصی برای آن در دو سطح شناخت و عمل به کار رفته است. در سطح شناخت، عقل‌ورزی به معنای آن است که افراد، تلاش‌های شناختی خویش را به نحوی تحت ضبط و کنترل درآورند که از کجروی در اندیشه مصون مانده و به شناخت یا بازشناسی امر مورد نظر راه یابند. در سطح عمل نیز به معنای عملی است سنجیده که توسط بازداری‌های برخاسته از تأمل، کنترل می‌شود و چون افراد به کمک شناخت‌هایی که به دست آورده‌اند به تأمل در مورد عمل خود می‌پردازند؛ پس عقل‌ورزی در مقام عمل به معنای پوییدن در پرتو شناخت‌ها است. (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

در تعلیم و تربیت، چیزی به اندازه تفکر و پرورش آن اهمیت ندارد؛ زیرا جریان تربیت از مسیری آگاهانه و مبتنی بر تعقل می‌گذرد؛ پس عملی آگاهانه، ارادی و مبتنی بر تفکر است که با فعالیت علمی همراه بوده و برای متحد ساختن ذهن و جسم یا فکر و عمل فراگیرنده تلاش می‌کند. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۵۷-۴۹)

اهمیت پرورش عقل در دین اسلام نیز به اندازه‌ای است که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»؛ (انفال، ۲۲) بدترین موجودات آن‌هایی هستند که تعقل نمی‌کنند.

هم‌چنین یکی از اهداف بعثت انبیاء، شکوفایی استعدادها و کمال بخشیدن به قوه تعقل و تفکر انسان مطرح شده است؛ به نحوی که پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر این‌که عقل را کمال بخشد.

برخی از پژوهشگران مانند فشیون^۱ و همکاران (۲۰۰۲: ۴۳) معتقدند آموزش دادن- صرفاً- به معنای یاد دادن اندیشیدن به فراگیران است؛ اندیشیدن نیز فرآیندی است که عواملی مانند دانش و اطلاعات، مهارت‌های تفکر (مشاهده، تعیین روابط علی، فرضیه‌سازی، تفسیر، تحلیل، ترکیب و تعمیم) و نگرش (علاقه به تردید نسبت به قضاوت خود، گرایش به طرح سؤال، اشتیاق برای قبول شواهد معتبر و تلاش در برطرف کردن ابهام‌ها) در آن دخالت دارند.

به طور کلی، استفاده از فضای مجازی در تربیت دینی از چند جهت می‌تواند به پرورش تفکر و تعقل در متریان منجر شود:

- با در نظر گرفتن بحث‌های گروهی مجازی، به ویژه در نوع غیر همزمان؛ نتایج پژوهش‌های متعددی مانند پژوهش گیلر^۲ و همکاران (۲۰۰۸)

نشان داده است که به دلیل وجود زمان بیشتر برای تفکر، متریان می‌توانند موفق‌تر از بحث‌های گروهی حضوری عمل کرده و مهارت تفکر انتقادی را در خود رشد دهند. از طرف دیگر، برخورداری از مهارت تفکر انتقادی نیز برای بررسی صحت عبارات و شبهات دینی بسیار ضروری است.

- با توجه به امکان دسترسی سریع و آسان به منابع مختلف و معتبر دینی توسط اینترنت، متریان می‌توانند به اطلاعات وسیعی در مورد ابهامات و سؤالات دینی خود دست یافته و در مورد گزینش بهترین و مناسب‌ترین منابع، پژوهش کنند که چنین جستجو و پژوهشی نیز به مرور منجر به تقویت قوه تفکر و تعقل متریان می‌شود.
- در برنامه‌هایی که امکان برقرای تعامل توسط نوشتن برای افراد وجود دارد- همان‌طور که پژوهش سجادی و ایمان‌زاده (۱۳۸۶: ۱۱) نیز نشان می‌دهد- تفکر و نوآوری و چندگانگی و عدم تجانس برای افراد به ارمغان آورده می‌شود.
- در مباحث آنلاین، بحث زمانی شروع می‌شود که داوطلبان درک خود را از مسئله‌ای بیان می‌کنند. در خلال مطرح کردن ایده‌ها، افراد گاهی با شیوه‌های جدید حل مسئله رو به رو می‌شوند و به آن‌چه که خود مطرح کرده‌اند، فکر می‌کنند؛ بنابراین سطح جدیدی از درک یک موضوع را بازسازی و تولید می‌کنند که این فرایند با بحث در مورد چشم‌اندازهای متفاوت- مانند مطلبی که درک منحصر به فردی از مسئله را نشان می‌دهد- ادامه یافته و گاهی منجر به ایجاد ایده‌هایی مستحکم‌تر از آن چیزی می‌شود که آن‌ها قبل از شروع بحث داشتند. (مقدم، ۱۳۹۲: ۱۵۶)

۲. عزت نفس

عزت در اصل به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری است؛ حالتی در انسان که نمی‌گذارد مغلوب کسی گردد و شکست بخورد.

خدای متعال خود را متکفل برآورده عزت انسان دانسته و یکی از صفات الهی «رب العزه» است.

از طرف دیگر، برای تأمین عزت در متربیان باید احساس عزت را در آنان به وجود آورد تا مجالی برای تکوین احساس ذلت نماند، ظهور احساس عزت نیز در گروهی آن است که انسان خود را قادر بر کاری بداند؛ پس لازم است که فرد- خود- را کارآمد ببیند و این نیز حاصل آن است که مربی با رفتاری کرامت‌آمیز، بسترهای لازم را برای بروز توانایی متربیان با حفظ عزت نفس آنان فراهم آورد؛ لذا از آن جهت که متربیان به عنوان موجودات انسانی دارای عزت نفس هستند، مربی در امر تربیت دینی باید توجه داشته باشد که این انسان‌های کریم و صاحب عزت، نیازمند امر هدایت هستند تا کرامت و عزت آنان بروز و ظهور یابد. (کشاوری، ۱۳۸۷: ۱۰۳)

عزت یا عزت نفس یکی از مهم‌ترین ثمرات تربیت دینی است. ثمره تربیت دینی نیز پرورش انسانی است که حرمت، شرافت و شخصیت برای خود قائل است و بزرگواری خود را در همه حال حفظ می‌کند؛ یعنی سختی و راحتی و شکست و پیروزی، او را به سستی و تباهی نخواهد کشاند و هرگز تن به خواری و زبونی نخواهد داد. (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸: ۹۹)

استفاده از فضای مجازی در تربیت دینی از چند جهت می‌تواند منجر به رشد احساس عزت نفس در متربیان شود:

- از آن‌جا که در تولید محتوای آموزش دینی می‌توان از عناصر متفاوتی مانند صوت و تصویر، امتحانات کوتاه‌مدت، تعامل با فراگیر و سایر موارد برای تأکید مجدد در فراگیری هدفمند استفاده نمود، قدرت نگهداری اطلاعات و یادگیری در فراگیران افزایش می‌یابد (شاه‌بیگی و نظری، ۱۳۹۰: ۴۹)

که این امر منجر به افزایش عزت نفس آن‌ها در درک و یادگیری متون دینی با سهولت و به بهترین وجه می‌شود؛ چون پژوهش‌ها نشان داده‌اند- معمولاً- افرادی که توانایی یادگیری پایین‌تری دارند، دارای عزت نفس پایین‌تری نیز هستند.

- با توجه به این‌که آن‌چه در فضای مجازی تولید و ارائه می‌شود، پس از مدتی نیز به همان صورت اولیه قابل دستیابی است؛ پس در صوتی که فراگیران یک قسمت از مطلبی را فرا نگیرند، می‌توانند در زمانی مناسب به آن رجوع کرده و دوباره به مطالعه و بررسی آن بپردازند؛ چنین امکانی از آن جهت قابل اهمیت است که در کلاس‌های درس سنتی آموزش دینی اگر متری مطلب یا مفهومی را نیاموزد یا برای لحظاتی حواسش پرت شود، امکان دستیابی به آن‌چه از دست رفته می‌تواند بسیار دشوار و در مواردی غیر ممکن باشد؛ لذا امکان یادگیری مطالب ارائه شده توسط بررسی مجدد آن‌ها در فضای مجازی می‌تواند منجر به افزایش عزت نفس متریب‌ان شود.

- استفاده از شبکه‌های مجازی و تالارهای گفتگو یا کنفرانس‌ها می‌تواند منجر به ایجاد اجتماع و برقراری تعامل مطلوب با کمترین پیامد منفی برای اعضا شود. از یک طرف به علت امکان مخفی‌سازی هویت در شبکه‌های مجازی، اعضای یک گروه- آزادانه- می‌توانند به بیان مسائل و دغدغه‌های دینی خود بپردازند بدون این‌که مورد توبیخ مستقیم قرار گیرند و از طرف دیگر، چنین فضایی منجر به افزایش مشارکت افرادی که از سخن گفتن در جمع هراس دارند یا از نظر گفتاری، ضعف داشته‌ و- نسبتاً- کم‌روتر هستند، شده و از این رو می‌تواند عزت نفس افراد را حفظ و ارتقا دهد.

۳. حریت و آزادگی

حریت به معنای آزادگی و آزادمنشی است، بیرون شدن از بندگی مخلوقات و بریدن از تعلقات است و رسالت همه پیامبران الهی علیهم السلام نیز این بوده که انسان را به آزادی حقیقی و بندگی خدا رسانده و از بندگی غیر خدا آزاد سازند؛ لذا مربی در امر هدایت‌گری باید فعالیت‌های تربیتی خویش را چنان تنظیم کند که متریان، منشی آزاد بیابند و از شخصیتی مستقل برخوردار گردند.

آزادی نیز هم در شکل سلبی و هم در شکل ایجابی آن مورد نظر می‌باشد؛ در شکل سلبی، مربی نباید مانع انجام فعالیت‌های آزادانه متریان گردد، چون انجام فعالیت‌های آزادانه باعث می‌گردد استعدادها و متریان شکوفا گردیده و در نتیجه مربی شناخت بیشتری نسبت به متریان به دست آورد و بهتر بتواند امر هدایت‌گری آنان را متکفل گرداند و پیامد دیگر آن این است که انگیزه فعالیت در متریان نیز تقویت می‌گردد. در شکل ایجابی نیز به معنای آن است که متریان بتوانند در سایه روشنایی عقل خویش - با کنترل تمایلات نفسانی - راه درست را بیابند. (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

با توجه به این‌که آموزش‌های مجازی مبتنی بر تفاوت‌های فردی افراد، به شکل‌های متنوعی می‌تواند طراحی و ارائه شود، استفاده از فضای مجازی در تربیت دینی نیز از چند جهت می‌تواند منجر به تحقق اصل حریت و آزادگی در متریان شود؛ به نحوی که:

- آموزش الکترونیکی این امکان را برای متریان فراهم می‌کند تا به میل خود و متناسب با توان یادگیری، سرعت پیشرفت درسی را تعیین کند. در این شیوه آموزش، افرادی که از سطح اطلاعات بالاتری برخوردارند، می‌توانند مطالب ساده‌تر را به سرعت بگذرانند؛ در حالی که متریان ضعیف‌تر می‌توانند وقت بیشتری را صرف یادگیری همان مطلب کنند که این امر در مقایسه با کلاس‌های حضوری موجب کاهش نگرانی و

اضطراب این‌گونه فراگیران ناشی از عدم توانایی همگامی با سایرین نیز می‌شود (شاه بیگی و نظری، ۱۳۹۰:۵۱). به بیان دیگر، متریان آزاد هستند که سرعت پیشرفت خود را آزادانه تعیین کرده و مطالب مورد نیاز را با انتخاب خود، تعیین و مطالعه کنند.

- انعطاف‌پذیری مکانی و زمانی آموزش توسط فضای مجازی به متریان این آزادی را می‌دهد تا هر موقع که از نظر آن‌ها مناسب است و احساس نیاز به یادگیری دارند، وارد جریان آموزش شده و به یادگیری بپردازند.

- از آن‌جا که با کمک فناوری می‌توان با سرعت به اطلاعات لازم دسترسی داشت؛ (وفایی نجار و همکاران، ۱۳۹۰:۱۲۴) چون موضوعات و محتویات تغییر یافته و به سرعت بر روی سرویس‌های مربوطه قرار می‌گیرد- پس متریان در علم‌آموزی احساس آزادی بیشتری خواهند داشت؛ همچنین، اهمیت پرداختن به تفاوت‌های فردی در عرصه تعلیم و تربیت دینی همواره به عنوان اصلی اساسی در اسلام نیز مد نظر قرار گرفته است.

به عنوان مثال؛ در سوره بقره این موضوع به طور صریح مطرح شده و متناسب‌سازی تکالیف دینی با اوضاع و احوال جسمی و حتی موقعیت مکانی و زمانی افراد، بیانگر کاربردی شدن این اصل در رویکرد تربیتی دین اسلامی نیز هست. (نوروزی و بدیعیان، ۱۳۸۸:۱۰۱)

تهدید (چالش‌های) فضای مجازی برای تربیت دینی

چالش‌های نظم و انضباط آموزشی، مدیریت آموزش یا تدریس و ارزشیابی سه مورد از مهم‌ترین تهدیدها در این زمینه هستند که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود:

۱. نظم و سلسله‌مراتب آموزشی

نظم و انضباط یکی از اصول تربیت است (سجادی و ایمان‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۶) و نمی‌توان شرایط تربیتی یا یک محیط آموزشی را تصور کرد که فاقد نظم و انضباط باشد؛ اما به نظر می‌رسد استفاده از فضای مجازی برای آموزش دینی، اصل نظم در محیط آموزشی را با چالش مواجه می‌سازد، زیرا:

- تمام متربیان در برنامه‌های مجازی ناهمزمان و حتی برخی از برنامه‌های مجازی همزمان آزاد هستند که هر موقع و هر زمان که تمایل دارند، وارد فضای آموزشی شده و به یادگیری بپردازند؛ در حالی که آموزش در فضای غیر مجازی در یک مکان و زمان مشخص رخ داده و این امر منجر به جدیت فضای آموزش و استمرار یادگیری متربیان می‌شود.
- به عنوان مثال- در یک گفتگوی مجازی- ایده‌های کسانی که زودتر وارد فضای مبحث می‌شوند، به صورت یک رشته زمانی در ابتدای زنجیره بحث و نظر افرادی که دیرتر وارد این فضا می‌شوند در انتهای زنجیره زمانی قرار می‌گیرد. این ساختار سلسله‌مراتب زمانی منجر به طولانی شدن رشته زمان در مباحث مجازی شده و موجب می‌شود کسانی که دیرتر وارد این فضا می‌شوند به مباحث ابتدا یا انتهای زنجیره، توجه کمتری داشته باشند؛ (مقدم، ۱۳۹۲: ۱۵۴) لذا سؤالات و ابهاماتی که مطرح می‌کنند برای افرادی که از ابتدای بحث- زودتر- حضور داشته‌اند، به عنوان نوعی عامل مختل کننده نظم فکری ایشان محسوب شود.
- تکثر و تنوع افرادی که در یک بحث یا محیط یادگیری مجازی شرکت می‌کنند منجر می‌شود هر کس از ظن خود به اظهارنظر در مورد یک موضوع واحد تربیتی بپردازد. اعضا در یک محیط یادگیری مجازی دارای

دیدگاه‌های متفاوت و پیشینه و دانش دینی متفاوت و در سطوح مختلف هستند؛ لذا طرح مباحثی از جانب آن‌ها که منجر به کشاندن متریبان به جهات مختلف خواهد شد، امکان ایجاد نظم لازم برای یادگیری را از بین خواهد برد و یادگیری عمیق در یک موضوع را به دنبال نخواهد داشت؛ هم‌چنین به دلیل پراکندگی و تنوع مواردی که مطرح می‌شود- بیشتر- منجر به آشفتگی ذهنی متریبان می‌شود.

- علاوه بر نظم- معمولاً- در محیط‌های آموزشی نوعی سلسله‌مراتب وجود دارد. تعلیم و تربیت دینی نیز مبتنی بر سلسله‌مراتب است و این سلسله‌مراتب در دیدگاه اسلام درباره علم و علما به وضوح یافت می‌شود؛ به نحوی که خداوند در رأس این سلسله‌مراتب بوده و انبیاء و پیامبران و ولی در سطوح بعدی آن هستند. در تعلیم و تربیت مبتنی بر سلسله‌مراتب- معلم- منبع اقتدار محسوب می‌شود و نقشی که سلسله‌مراتب در جریان فعالیت‌های تربیتی ایفا می‌کند، تقویت کنترل جریان اطلاعات توسط معلم است. به واسطه این نوع رابطه سلسله‌مراتبی است که معلمان به راحتی جریان انتقال اطلاعات را در کنترل دارند و اجازه نمی‌دهند هر نوع اطلاعاتی به دانش‌آموزان منتقل شود؛ (سجادی و ایمان‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۴) اما در فضای مجازی چنین سلسله‌مراتبی حاکم نیست.

به عنوان مثال- در یک گفتگوی آنلاین- در مطالب ارسالی توسط کاربران، پراکندگی ملاحظه می‌شود و در بیشتر موارد داوطلبان در مسیر اهداف درس حرکت نمی‌کنند؛ چون تصویر بزرگ و جامعی از مطالب ارسال شده ندارند.

۲. مدیریت آموزش یا تدریس

مدیریت تدریس و آموزش در مورد موضوعات دینی در فضای مجازی نیاز به مهارت و قابلیت‌های ویژه‌ای دارد و چنانچه مدرسان فاقد مهارت‌های لازم در این زمینه باشند، تربیت دینی متریان عقیم خواهد ماند؛ به نحوی که:

- چون مدرس حضور فیزیکی ندارد و نمی‌تواند از زبان بدن خود برای برقراری تعامل استفاده کند؛ پس محتوای آموزشی که تدارک می‌بیند باید به اندازه کافی برانگیزاننده باشد، در غیر این صورت متریان محیط آموزشی را ترک خواهند کرد یا یادگیری عمیق در آن‌ها رخ نخواهد داد. از آنجا که هدف اولیه مربی ایجاد نیاز و خلأ و عدم تعادل در ساختار شناختی و عاطفی متربی نسبت به مسائل دینی است تا وی به دلیل نیاز طبیعی تعادل جویی - خود- درصدد رفع این نیاز برآیند؛ بنابراین باید قادر به تدارک یک محیط آموزشی مناسب و برانگیزاننده برای متریان خود باشد. در این زمینه کاظمیان (۱۳۹۱: ۱۲۸) به بیان راهبردهای متنوعی در تربیت دینی پرداخته که برخی از آن‌ها در فضای مجازی می‌تواند توسط مدرسان برای آموزشی اثربخش مورد استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین این راهبردها عبارتند از:

- سادگی؛ هر چه اعلان پیام، صریح‌تر و هدف آن مشخص‌تر باشد، درک آن نیز ساده‌تر و توسط جمع بیشتری از مخاطبان رمزگشایی خواهد شد.
- تکرار؛ یکی از پرکاربردترین راهبردهای تبلیغاتی برای تأثیرگذاری در اذهان عمومی است، چون تکرار پیام به دیده شدن و شنیده شدن آن در میان انبوه پیام‌ها کمک می‌کند؛ البته اگر تکرار از آستانه تحمل مخاطبان بالاتر رود، به دلزدگی خواهد انجامید، در این صورت نه تنها تبعیت افزایش نمی‌یابد؛ بلکه به واکنش مطلوب نیز منجر نخواهد شد.

- ارائه توجیه منطقی؛ هدف این راهبرد، رساندن پیامی منطقی به مخاطبان است و سعی بر آن است تا تنها با خلق یک تصویر جذاب و یا یک شعار پرتحرک و پرجاذبه به هدایت فرد اقدام نگردد؛ بلکه همواره با منطق استقلال و بیان واقعیت‌ها، مخاطبان در جریان واقعیت پیام قرار گیرند.
- بیان نمادین؛ نمادگرایی یک ابزار دانش کهن و اصولی‌ترین راه بیان مفاهیم است. نماد، اندیشه را برمی‌انگیزاند و انسان را به تفکر بدون گفتار رهنمون می‌شود که ترجمان کوششی است جهت دستیابی و تجسم مفاهیمی که ورای ابهامات، انسان را احاطه کرده‌اند.
- زیباشناسی؛ زیباگویی و فصاحت و بلاغت بهترین اهرم برای جذب مردم است، همان‌گونه که قیافه زیبا و موزون نقش مهمی در تأثیر کلام دارد.
- ایجاد احساس نشاط و طنز؛ استفاده از بیان تصویری و نوشتاری مفرح و طنزگونه در مقایسه با پیام‌های جدی و غیر صمیمی - در ایجاد تمایل در مخاطبان - اثربخش‌تر به نظر می‌رسد. این نوع تبلیغات با تغییر نگرش و ایجاد احساسات مثبت، نه تنها تمایل و علاقه مخاطبان را به تبلیغ بیشتر نموده؛ بلکه گرایش و احساس او را نسبت به یک پدیده شدت می‌بخشد و در میان سایر اعلان‌ها، بیشتر در مورد آن صحبت شده و به یاد می‌ماند. از سوی دیگر، مخاطبان در برابر مسائل مطرح شده با جنبه طنز، کمتر موضعی سختگیرانه اتخاذ می‌نمایند؛ اما دست یافتن به راهبرد بیانی شوخ‌طبعانه در اعلان که در راستا و مرتبط با موضوع مطرح شده باشد،

نیاز به خلاقیت و دقت بیشتری دارد؛ چون اگر مربی، طنزی قوی و مرتبط را ارائه ندهد، نتیجه‌ای معکوس دربرخواهد داشت و اگر به سوی بیان هجوگونه و کنایه‌آمیز سوق یابد، ممکن است مفهومی توهین‌آمیز یافته و موجب رنجش و رویگردانی متریان شود؛ لذا در این زمینه باید بسیار هوشیارانه عمل نمود.

- از آن‌جا که تعداد زیاد داوطلبان در کلاس‌های آنلاین منجر به کم‌رنگ شدن حضور مدرس می‌شود و وی فرصت کمتری برای بحث خواهد داشت؛ در نتیجه بسیاری از متریان ممکن است کمتر مشارکت کرده یا عمدتاً بحث‌های نامرتبط داشته باشند. نتایج پژوهشی مقدم (۱۳۹۲: ۱۵۲) نیز نشان می‌دهد زمانی که دانشجویان از کلاس‌های آنلاین بازخورد کافی دریافت نمی‌کنند، تعامل ضعیف‌تری داشته و مشارکت نازل‌تری نشان می‌دهند؛ به علاوه وقتی مدرس کناره‌گیری می‌کند، در مطالب ارسالی توسط کاربران پراکندگی ملاحظه می‌شود. نتایج پژوهشی یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷: ۱۶۷) بیانگر مهارت‌های مورد نیاز مدرس در فضای مجازی است که مهمترین این مهارت‌ها برای تربیت دینی عبارتند از:

- مدیریت و تشویق؛ شامل مدیریت زمان، ارزشیابی پیشرفت متریان در طول دوره تحصیلی، تشویق آن‌ها به ارائه بازخورد، جستجوگری و نیز هدایت ایشان در انجام تحقیق.
- حضور و تعامل مجازی؛ شامل تعامل با فراگیران، شروع و هدایت بحث‌ها.
- پشتیبانی از متریان؛ ارجاع به منابعی فراتر از منابع ارائه شده در دوره و یا مدیریت انفرادی آن‌ها.

- مهارت و تعهد الکترونیکی؛ پاسخ به نامه‌های الکترونیکی در محدوده زمانی مناسب، مهارت در تولید محتوای الکترونیک و هدایت سؤال‌ها و جواب‌ها.
- تامین محیط تعاملی؛ شامل فراهم کردن فرصت‌هایی برای کار گروهی، مدیریت کار گروهی، تلخیص و جمع‌بندی نظرات.
- نگرش مثبت و تسهیل‌گری؛ مهارت در تدریس پیوسته یا آنلاین، نگرش مثبت به یادگیری الکترونیکی، هدایت و تسهیل‌گری به جای آموزش‌گری.

۳. ارزشیابی

ارزشیابی آموزشی فرایندی است که طی آن داده‌های مختلف مربوط به یک واقعه آموزشی، جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر می‌گردد و سپس بر اساس آن تحلیل‌ها درباره میزان اثربخشی آن واقعه آموزشی تصمیم‌گیری می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۵: ۳۰۸)

انجام ارزشیابی در محیط مجازی دارای فواید متعددی است؛ به عنوان مثال در این نوع آموزش نه تنها ارزشیابی با سرعت بیشتری انجام می‌شود، بلکه حرکت به سوی خودارزشیابی که می‌توان آن را یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش دانست - این‌جا - درحال شکل‌گیری است؛ زیرا پی‌گیری وضعیت آموزشی افراد و میزان پیشرفت آن‌ها در فضای مجازی به راحتی قابل بررسی است و فراگیر با ارزشیابی مستمر خود به شناخت بهتری نسبت به خودش دست می‌یابد که به طور قطع در پیشرفتش مؤثر خواهد بود؛ اما در کنار فواید بی‌شمار ارزشیابی در محیط مجازی، یک چالش عمده نیز در این زمینه وجود دارد.

همان‌طور که پیش‌تر نیز طرح شد، تربیت دینی از سه عنصر شناختی، عاطفی و عملی تشکیل شده و به معنی شکوفایی استعدادهای متربی جهت پیوستگی متقابل ذهن، قلب و بدن در راستای حرکت به سوی کمال مطلق است؛ اما انعطاف‌پذیری

فضای مجازی از نظر زمان، مکان، تعداد متربی و ویژگی‌ها و سطوح آن‌ها، ارزشیابی را به ویژه از نظر عملی و نگرشی با چالش مواجه می‌سازد. به عبارت دیگر، این سؤال همواره برای مدرسان مجازی مطرح است که:

- چگونه بدون تعامل مستقیم با متربیان قادرند به بررسی تغییرات نگرشی و رفتاری آن‌ها در مورد امور دینی بپردازند؟

نتیجه‌گیری

رسانه‌های ارتباطی جدید در عصر حاضر نفوذی کامل در زندگی روزمره انسان‌ها پیدا نموده‌اند؛ به طوری که زندگی معاصر بدون استفاده از آن‌ها غیر قابل تصور است. دین و آموزش مسائل دینی نیز یکی از موضوعاتی است که به شکل جدی وارد حوزه‌های رسانه‌ای شده و گذشت زمان در مورد تمام ادیان نشان داده است که ناسازگاری هویتی میان رسانه‌های مدرن و دین وجود نداشته و امکان تعامل و ایجاد رابطه همزیستی میان این دو، نه تنها امکان‌پذیر - بلکه - ضروری و الزامی است (کاظمیان، ۱۳۹۱: ۱۲۴). تحقیقات بیانگر آن است که آموزش مجازی در صورت تدوین مناسب محتوای آموزشی و ارزشیابی مطلوب، سیستم موفق و کارآمدی است؛ زیرا بیشتر - ۹۴ درصد - فراگیرانی که دوره‌های آموزش مجازی را طی کرده‌اند، بر این باورند که در مقایسه با کلاس‌های حضوری یادگیری بیشتری داشته‌اند؛ (وفایی نجار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۱) در عین حال، استفاده از هر ابزاری در راستای دستیابی به اهداف و به ویژه تربیت دینی دارای نقاط قوت و ضعفی است که در متن مقاله بیان شد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد مدرسان تربیت دینی بیشترین سهم را در موفقیت یا عدم موفقیت آموزش در فضای مجازی دارا هستند؛ لذا چالش مدیریت تدریس و آموزش توسط مدرس، تمام موارد و مباحث مطرح شده تاکنون را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

به عبارت دیگر، توانمندی مدرسان به عنوان راهنمایی همیشه حاضر یا آنلاین که نیازهای دینی مخاطبان را به درستی شناسایی کرده و به موقع و با راهبردهایی مناسب به تعامل با متریان در فضای مجازی می‌پردازند، می‌تواند روحیه جستجوگری و پژوهش را در مخاطبان آموزش‌های دینی ایجاد کرده و رشد دهد. این امر نیز در گروی آن است که مربیان آموزش دینی به متربی خود به عنوان موجودی صاحب عقل، آزادی یا حریت و عزت نفس نگاه کنند و محتوای آموزشی خود را مبتنی بر این ویژگی‌ها و نیازهای دینی آن‌ها تولید کنند تا در امر تربیت دینی در فضای مجازی موفق باشند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بازگان، عباس (۱۳۹۵). ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی. چاپ ۱۶. تهران: انتشارات سمت.
۳. تقوی‌نسب، نجمه. میر شاه‌جعفری، ابراهیم. و محمد نجفی (۱۳۸۸). ضرورت نوآوری در روش‌های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی. تربیت اسلامی. دوره ۴. شماره ۹: ۲۵-۴۵.
۴. حسین‌زاده، امیدعلی. و هاشم مشرفی (۱۳۸۹). تحلیل عاملی عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر). زن و مطالعات خانواده. دوره ۲. شماره ۷: ۴۱-۶۰.
۵. داوودی، محمد (۱۳۸۳). تربیت دینی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. رحیمی، علیرضا (۱۳۸۸). گزاره‌هایی اساسی در باب تعامل تربیت و فرهنگ عمومی. نامه پژوهش فرهنگی. دوره ۱۰. شماره ۷: ۴۷-۷۱.

تربیت دینی در فضای مجازی / ۵۳

۷. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۴). دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه‌سان. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۸. ساجدی، مهدی. و علی ایمان‌زاده (۱۳۸۶). چالش‌های اساسی تربیت دینی در فضای ریزوماتیک. علوم تربیتی و روانشناسی. دوره ۱۴. شماره ۳: ۲۰-۱.
۹. سراجی، فرهاد. حسینی، حمید. و عبدالرحیم سرودلیبر (۱۳۹۲). تعیین ملاک‌های سنجش اثربخشی دوره‌های آموزش مجازی حوزوی. نظریه و عمل در برنامه درسی. دوره ۱. شماره ۱: ۱۰۰-۷۳.
۱۰. شاه‌یگی، فرزانه. و سمانه نظری (۱۳۹۰). آموزش مجازی: مزایا و محدودیت‌ها. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد. دوره ۴. شماره ۱: ۵۴-۴۷.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۶). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه.
۱۲. کاظمیان، زیبا (۱۳۹۱). راهبردهای بنیادی تبلیغات در تعلیم آموزه‌های دینی و تربیت اسلامی. علمی تربیت اسلامی. دوره ۷. شماره ۱۴: ۱۴۰-۱۲۳.
۱۳. کشاورز، سوسن (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. تربیت اسلامی. دوره ۶. شماره ۳: ۱۲۲-۹۳.
۱۴. مدانلو، یاسمن. و فرانک سالاریان (۱۳۹۰). بررسی نقش دانشگاه‌های مجازی در دستیابی به اهداف آموزش عالی. فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی. دوره ۱. شماره ۴: ۱۵۱-۱۳۱.
۱۵. مقدم، علیرضا (۱۳۹۲). آموزش در فضای مجازی: پنجره‌ای میان رشته‌ای برای تولید دانش. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۵. شماره ۴: ۱۵۹-۱۳۵.
۱۶. نصیری، فهیمه (۱۳۸۴). عوامل زیربنایی در استقرار نظام آموزش مجازی. پیک نور. دوره ۳. شماره ۲: ۹۹-۹۴.

۱۷. نوروزی، رضاعلی. و راضیه بدیعیان (۱۳۸۸). **الگوی روابط انسانی در تربیت**

دینی با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام. اندیشه دینی. پیاپی ۳۳: ۱۰۸-۹۱.

۱۸. وفایی نجار، علی. محمدی، مریم. خیابانی تنها، بهروز. و حسین ابراهیمی پور

(۱۳۹۰). **نگرش و عملکرد اعضای هیئت علمی نسبت به پیاده‌سازی**

نظام آموزش مجازی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد. آموزش در علوم

پزشکی. دوره ۱۱. شماره ۲: ۱۲۷-۱۲۰.

۱۹. یعقوبی، جعفر. ملک‌محمدی، ایرج. ایروانی، هوشنگ. و محمد عطازان (۱۳۸۷).

ویژگی‌های مطلوب دانشجویان و اعضای هیئت علمی در یادگیری

الکترونیکی در آموزش عالی ایران: دیدگاه دانشجویان دوره‌های مجازی.

پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. دوره ۱۴. شماره ۱: ۱۷۳-۱۵۹.

20. Facione P. Facion N. Giancarlo C. and S. Blohm (2002).

Teaching for Thinking. US: Insight Assessment and the California Academic Press.

21. Guiller J. Durdell A. and A. Ross (2008). **Peer**

Interaction and Critical Thinking: Face-to-Face or Online Discussion? Learning and Instruction, 18(2): 187-200.

22. - Levin, J (2009). **How Faith Heals: A Theoretical Model:**

<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/19272579>

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی

نویسندگان: زهره کشفی (ایران)^۱، رباب شفارودی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۸

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۴

چکیده

سنجش از دیدگاه علوم رسمی نیازمند تعریف مجموعه‌ای ریاضی از معیارها، روش‌هایی برای عددی‌سازی آن‌ها و مقایسه است. از طرف دیگر، فضای مجازی مجموعه‌ای از اطلاعات است که برخلاف عقیده تحمیل شده از غرب، نه آزاد است و نه دسترسی آزاد به آن وجود دارد؛ چرا که اگر از اینترنت تاریک گذشته و بحث را در فضای رسمی آن محدود نمود، دسترسی به اطلاعات آن در کنترل نظام سلطه است. در این میان، روش‌های رسمی که برای اندازه‌گیری سایت‌های دینی استفاده می‌شود، همان‌هایی است که برای سایت‌های دیگر در نظر گرفته شده، مانند شمارش تعداد مراجعه به سایت‌ها، میزان پست‌های ارسال شده، میزان ایمیل‌های رد و بدل شده و میزان کلمات مذهبی جستجو شده که این موارد از دیدگاه علوم رسمی غربی است؛ در حالی که در دین اسلام و منبع اصیل آن - قرآن کریم - مجموعه‌های اندازه‌گیری از نوع دیگری است؛ هم‌چنان که معیارهای رسمی سنجش در فضای مجازی نمی‌تواند درجه ایمان به غیب یک فرد را اندازه بگیرد. بر این اساس - در پژوهش حاضر - تلاش شده روش‌های مرسوم اندازه‌گیری در فضای مجازی تبیین و نشان داده شود که مبانی اعتقادی و دینی با معیارهای مادی، نامعین و غیر قابل اندازه‌گیری است؛ هم‌چنین، روش‌هایی برای تخمین درجه اعتقادی افراد از دیدگاه اسلامی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: امکان‌پذیری ارزیابی، سنجش، ارتقای دینی، آموزش مجازی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مدیر دبیرستان فرزنانگان، تهران، ایران، Niaz110@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، دبیر ریاضی دبیرستان فرزنانگان، تهران، ایران، shafaroudi@live.com

مقدمه

ارزیابی بر اساس اندازه‌گیری است؛ بر این اساس، در ابتدا باید مورد اندازه‌گیری مشخص شود، محدوده‌های تعریف آن مشخص شده و اگر کیفی است، کمی گردد.

قرآن کریم چنین می‌آموزد:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛

(زلزال، ۷-۸) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد

دید و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید.

این آیه چراغ راهی است برای کسانی که در زمینه فناوری سنجش به فعالیت می‌پردازند؛ این جا مسئله سنجش به دو مقوله عمیق - خیر و شر - پرداخته است.

از این آیه چنین به نظر می‌رسد که حتی این مفاهیم نیز قابلیت عددی و کمی شدن را دارد و این کمیت‌ها از نظر ریاضی در مبنای دو یعنی صفر و یک نیست؛ بلکه مقیاس خاکستری^۱ دارد و یک طیف یا دو طیف را در بر می‌گیرد، یعنی ممکن است یک طرف این طیف خیر و طرف دیگر آن شر باشد و یا دو طیف - همزمان - موجود باشد و نتیجه آن‌ها صدور عمل باشد که از دیدگاه این تحقیق، کمی شدن این کیفی‌ها مهم است. آموزش بعدی این است که این کمیت‌ها اندازه‌گیری و مشاهده می‌شود. مشاهده‌پذیری کمیت انتخاب شده از دیدگاه نظریه‌های سنجش و اندازه‌گیری و حتی کنترل اتوماتیک آن شناخته و تعریف شده است که به زیبایی در این آیات به انسان متذکر می‌گردد.

نکته دیگر این‌که - در این دو آیه - به سنجش دو کمیت با هم تأکید شده است؛ به این معنی که به عنوان مثال، اگر قرار است تعداد کار ایجاد شده در دوره‌ای را اندازه گرفت، باید مکمل آن - شغل‌های از دست رفته و بیکاران اضافه شده به جامعه - را نیز سنجید.

سنجش ارتقای دینی

همان‌طور که بیان شد، برای بررسی سنجش ارتقای دینی در یک جامعه از طریق فضای مجازی^۱ لازم است- در ابتدا- موضوع مورد سنجش به صورت دقیق تعریف شده، حدود آن مشخص و مقیاس کیفی برای کمی شدن آن تعیین شود و سپس روشی برای سنجش آن- اگر موجود است- انتخاب و اگر نیست، ابداع گردد تا سنجش انجام شده و این سنجش با ترازو و مقیاسی بررسی شود.

سنجش دین در یک جامعه به صورت کلی و وجوه آن به صورت جزئی همواره مورد بحث بوده و در دوهه اخیر با گسترش اینترنت و فضای مجازی در جوامع، سنجش آن در این فضا از دیدگاه افراد مختلف اهمیت فراوان یافته و روش‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

بسیاری از این روش‌ها بر اساس سنجش علوم انسانی استوار گردیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در اینترنت پلتفرم‌های مختلفی ایجاد شده مانند پلتفرم ای.آر.کی^۲ که بوسیله مرکز تحلیل داده‌های کاربردی اینترنتی^۳ ارائه شده است.

(Claffy, 2016)

در این‌گونه پلتفرم‌ها اطلاعات مختلف استفاده‌کننده‌ها را جمع‌آوری نموده و سپس تناظراتی را بین متغیرهای مختلف در آن‌ها برقرار می‌نمایند. به عنوان مثال؛ با استفاده از مجموعه‌ای از کلماتی که در یک مذهب خاص به کار می‌رود و درجه‌بندی جستجوی آن‌ها به وسیله کاربران و فایل‌ها و صفحات دانلود شده حاوی این کلمات و تطابق آن‌ها با آی.پی^۴ استفاده شده که بیانگر گستره جغرافیایی کاربران

-
1. Cyber Space
 2. ARK Platform
 3. Center for Applied Internet Data Analysis (CAIDA)
 4. IP

استفاده کننده بوده، نقشه‌ای از وضعیت جغرافیایی آن مذهب به دست می‌آوردند؛ البته به شرطی که این آی.پی‌ها درست بوده و کاربر از وی.پی.ان^۱ و فیلترشکن‌ها استفاده نکرده باشد.

با مقایسه تعداد مراجعات در دوره‌های زمانی مختلف می‌توان تخمینی از رشد آن مذهب به عمل آورد؛ ولی آن رشدی نیست که در دین اسلام از رشد مذهبی شناخته می‌شود؛ رشد مذهبی هر فرد امری درونی است، در حالی که روش‌های جمع‌آوری اطلاعات بر اساس برداشت‌های آماری است.

در دهه‌های اخیر محققان به بررسی گروه‌های مذهبی و حضور آن‌ها در اینترنت پرداخته‌اند که در این رابطه اصطلاح مذهب دیجیتال^۲ مطرح شده است. تأثیر متقابل این دو مقوله در چهار موج یا به تعبیر مقاله در چهار پرده یا مرحله مشاهده

شده است: (Ref: Campbell and Vitullo, 2016)

۱. توصیفی؛ بررسی می‌شود که گروه‌های مذهبی چگونه در فضای مجازی توصیف می‌شوند و یا خود را توصیف می‌کنند.
۲. طبقه بندی؛ مشخصات اصلی جامعه مذهبی که بر طبق آن در فضای مجازی عملی می‌نماید، تعیین می‌گردد. در این مرحله، عملکرد اعضای این جامعه در این فضا طبقه‌بندی می‌شود.
۳. مطالعه حضور گروه‌های سنتی مذهبی در فضای مجازی؛ این مطلب آشکار می‌شود که علاوه بر این‌که گروه‌های برخط^۳ مذهبی حضور خود را پُررنگ‌تر می‌کنند، گروه‌های سنتی نیز وارد فضای مجازی شده و از امکانات آن استفاده می‌نمایند.

1. VPN
2. Digital Religion
3. Online

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی / ۵۹

۴. بررسی تأثیر متقابل گروه‌های سنتی حضور یافته در فضای مجازی با گروه‌های مجازی مذهبی؛ با این دیدگاه، یکی از روش‌های پُرکاربرد در جهت شناسایی و درجه‌بندی ارتقای دینی یک مذهب خاص، بررسی حجم ترافیک اینترنتی مربوط به آن جامعه است؛ البته چنین برآوردی - تنها - از دیدگاه آماری ممکن است صحیح باشد، لذا باید روش‌های تصحیح برای حذف مراجعات اتفاقی افراد و یا دیدگاه‌های کنجکاوانه در نظر گرفته شود.

به طور کلی، برای کمی کردن درجه اهمیت مذهب نزد افراد معیاری به نام مرکزیت مقیاس دینی^۱ مطرح شده است. این معیار بر اساس پنج عامل که بر اساس تفکرات طراحان این معیار وجوه مذهبی را در اشخاص تعیین می‌کند، محاسبه می‌گردد که این پنج وجه به شرح زیر است:

۱. عملکرد اجتماعی؛
۲. عملکرد شخصی؛
۳. عملکردهای مذهبی؛
۴. ایدئولوژی؛
۵. عقلا نیت. (Huber and Odilo Huber, 2012)

مقایسه این پنج وجه با مجموعه تعلیمات اسلامی - هم‌چنان که شهید مطهری بیان نموده‌اند - در خور توجه است:

۱. اصول عقاید؛ چیزهایی که وظیفه هر فرد، کوشش و تلاش در تحصیل عقیده درباره آن‌هاست، کاری که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع تحقیقی و علمی است.

1. Centrality of Religiosity Scale (CRS)

۲. اخلاقیات؛ خصلت‌هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشتن را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضرار آن‌ها خویشتن را دور نگه دارد، وظیفه‌ای که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع مراقبت نفس و خودسازی است.
۳. احکام؛ دستورهایی که مربوط به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان است، اعم از فعالیت‌های معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی. (مطهری، ۱۳۵۸)

بیان این نکته نیز لازم است که این اصول پنج‌گانه با درجاتی در مجموعه تعلیمات اسلام، قابل تطبیق است.

برای سنجش مرکزیت مقیاس دینی، پرسشنامه‌هایی میان افراد توزیع شده و سؤالاتی مانند این که شما خدا را یاد می‌کنید؟ از افراد پرسیده می‌شود؛ سپس با وزن دادن به جواب‌ها، نرّم جامعه و سپس درجه اعتقادی هر فرد محاسبه می‌گردد. در این روش، می‌توان کاستی‌هایی را مشاهده کرد؛ چون وزنی که محاسب در نظر می‌گیرد بر نتیجه نهایی تأثیرگذار خواهد بود.

از طرف دیگر، درجه صحت پاسخ فرد قابل تردید است که اجرای این روش در فضای مجازی به صورت‌های مختلف می‌تواند صورت گیرد. ساده‌ترین راه، پرسش از طریق صفحات وب است که شخص باید پرسشنامه‌ها را تکمیل کند. راه دیگر، شمارش و رهگیری صفحات و مطالبی است که یک شخص خاص در فضای مجازی دنبال می‌نماید. به عنوان مثال؛ چند بار یک شخص مطالب قرآنی را جستجو نموده است و مشابه آن.

در اندازه‌گیری‌هایی که برای درجه اهمیت مذهب نزد افراد انجام می‌گیرد، باید به این امر مهم توجه داشت که فضای مجازی بر روی عملکرد افراد تأثیر می‌گذارد.

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی / ۶۱

برای مثال؛ اگر رسانه‌ها جزئی از این فضا به حساب آورده شوند، نمایش یک برنامه جذاب درباره مذهب می‌تواند سبب ارتقای بینش مذهبی مخاطب گردد که ممکن است این ارتقا، موقتی باشد؛^۱ اما اگر بعد از این نمایش نظرخواهی به عمل آید، نظرسنجی به سوی نوعی ارتقای مذهبی متمایل خواهد شد. نظام سلطه - معمولاً - از این روش برای تحت تأثیر قراردادن سنجش‌ها استفاده می‌نماید.

در یک نظر سنجی که در روسیه به عمل آمده بود، نشان داده شد که یک برنامه رادیویی توانسته بود ۷۹ درصد از زندانیان تحت بررسی را از نظر مذهبی متحول نماید. (Balaklytskyi, 2013)

این مطلب نشان می‌دهد اثر متقابل فضای مجازی بر مخاطب را باید در سنجش‌ها در نظر گرفت.

از طرف دیگر - در دهه قبل - سؤالاتی پایه‌ای در مورد مندرجات در اینترنت مطرح شد که پایه‌ای برای اندازه‌گیری مذاهب گردید؛ این سؤالات به شرح زیر است:

۱. چه چیزی بر روی اینترنت قرار گرفته است، چه کسی آن را قرار داده است و برای چه مقصودی آن را قرار داده است؟
۲. چند نفر از این منابع استفاده کرده‌اند، به چه تعدادی به آن مراجعه نموده‌اند و در چه راهی از آن استفاده کرده‌اند؟
۳. چه تأثیرات مذهبی بر روی افراد داشته است؟ (Dawson, 2000)

این سؤال‌ها می‌تواند مبنایی برای ایجاد روش‌های بررسی فعالیت‌های مذهبی قرار گیرد. به طور کلی، فضای مجازی - به عنوان یک اشکال - این شک را به همراه خود دارد که:

- آیا شخص پشت یک سایت اینترنتی همان است که ادعا می‌کند؟

به عنوان مثال؛ از دیدگاه یک نفر مسلمان، واضح است که سایت‌هایی که افراط‌گرایی را به نام اسلام تبلیغ می‌کنند به وسیله نظام سلطه ایجاد شده‌اند؛ اما برای یک غیر مسلمان این واضح نیست، لذا بسیاری جذب این سایت‌ها شده و متعاقب آن به جنایتکاران بین‌المللی مبدل شده‌اند؛ کسانی که حتی بدون آن‌که مبانی حقیقی دین را بدانند، مسلمانان دیگر را تکفیر می‌کنند.

سؤال اول در مجموعه سؤالات طرح شده، بر این مطلب تأکید دارد که برای بررسی سطح دینی یک نفر یا گروهی از نفرات که به سایت خاصی مراجعه می‌کنند، ابتدا باید ریشه آن سایت شناسایی شود.

برای مثال؛ اگر عبارت پوشش اسلامی^۱ در اینترنت جستجو شود، سایت‌های بسیاری معرفی می‌شوند- در جستجوگر گوگل^۲، ۶/۵ میلیون سایت گزارش شد- که بسیاری از این سایت‌ها نیز تجاری بوده و ممکن است شخصی که به دنبال فلسفه پوشش اسلامی است به آن‌ها هدایت شود. بنابراین، مراجعه به این سایت‌ها را نمی‌توان- به طور قطعی- یک فعالیت مذهبی به حساب آورد.

سؤال دوم بر روی کاربر تأکید دارد. اگر قرار باشد بررسی آماری صورت گیرد، شمارش مراجعه کنندگان به سایت‌هایی که وضعیت آن‌ها مطابق سؤال اول مشخص شده، تعداد مراجعه کنندگان را مشخص می‌کند؛ البته در این جا نیز خطایی ممکن است رخ دهد.

به عنوان مثال؛ اگر شخصی چند بار از طریق فیلترشکن‌ها به سایتی مراجعه کند و یا از آی.پی‌های دینامیک استفاده نماید، چند بار در آمار به عنوان شخص متفاوت وارد خواهد شد. سؤال مشکل در این مرحله این است که- کاربر- از مطلب دریافت شده چه استفاده‌ای کرده است؟

1. Islamic Clothing

2. Google

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی / ۶۳

در مقالات علمی این کار را می‌توان از رهگیری ارجاعاتی که شخصی خاص در مقاله خود داده است، پیگیری کرد؛ اما اگر - مثلاً - یک شخص دعایی را از اینترنت گرفته، نمی‌توان فهمید که این شخص آیا دعا را حفظ کرده یا نه و یا چند بار آن را قرائت نموده است که عدم ناتوانی سنجش ارتقای مذهبی افراد در همین جا است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۲۱۱) همانا اعمال و کارهای انسان به نیت‌ها وابسته است.

بر این اساس، معیار اصلی سنجش اعمال، نیت است؛ بدین معنی که عمل باید هم از نظر بعد فاعلی دارای حسن فاعلی باشد و هم از نظر فعل دارای حسن فعلی باشد و البته حسن فاعلی مهم‌تر است.

از طرف دیگر، سنجش نیت یک فرد در مواجهه حضوری با او ممکن نیست:

- پس چگونه می‌توان نیت فرد را هنگامی که در پس پرده‌های وب پنهان است، فهمید؟

البته همه چیز نزد خداوند آشکار است و این جا مراد، انسان است که از روزنه اینترنت می‌خواهد نیت افراد را آشکار کند.

سؤال سوم نیز بررسی عملکرد نهایی بر روی کاربر است. با جستجوی فعالیت‌های شخص مورد بررسی بعد از مراجعه به صفحات خاص می‌توان تصویری کلی از تأثیر آن در فعالیت‌های مذهبی شخص در فضای مجازی به دست آورد.

برای مثال؛ اگر مراجعه کاربر به صفحات مذهبی بیشتر شد، نتیجه می‌گیرند که تأثیر در افزایش فعالیت مذهبی شخص داشته است. این‌جا نیز البته شک و تردید - هم‌چنان - وجود دارد؛ چرا که اگر شخص یک عامل اطلاعاتی باشد و بخواهد

خودش را در یک گروه مذهبی خاص وارد کند، سعی می‌کند در فضای اطلاعات نیز خود را فعال در آن صفحات نشان دهد؛ لذا نتیجه‌گیری افزایش فعالیت مذهبی، درست نخواهد بود.

به صورت کلی، بررسی‌هایی که در اینترنت برای درجه‌بندی رفتارهای مذهبی و اعتقادات مذهبی انجام می‌گیرد- تنها- می‌تواند نتایج آماری به دست دهد که صحت آن‌ها نسبی است و نمی‌تواند اصل و اساس پایه‌های مذهبی اشخاص را مشخص کند.

بیان این نکته نیز لازم است که اینترنت در حال حاضر متفاوت با ده سال پیش است؛ چرا که با گسترش گوشی‌های هوشمند و رایانه‌های پُرسرعت، راه‌های بیشتری در مقابل پژوهشگران برای بررسی و اندازه‌گیری رفتار مذهبی و درجه ارتقا در افراد وجود دارد.

به عنوان مثال- معمولاً- می‌توان مکان افراد را به کمک گوشی هوشمند آن‌ها یافت و با می‌توان چهره آن‌ها را با کمک دوربین روی رایانه و یا گوشی همراه با نرم‌افزار تحلیل کرد که هر دوی این سامانه‌ها می‌تواند از رفتار فرد پرده‌برداری نماید؛ هم‌چنان که تحلیل چهره افراد می‌تواند احساسات آن‌ها را شناسایی نماید. شناسایی احساسات دیداری^۱ نیز تکنیکی برای درک احساسات افراد از روی حالات چهره و بدن است (Dawson, 2000) و یا نظام کدگذاری عمل صورت^۲ که توانایی شناسایی چهره را با ۴۴ حالت دارد و می‌تواند به عنوان مکملی برای تحلیلی وضعیت به کار رود؛ (Pelachaud, 2012) به این صورت که اگر کاربری قرآن را به صورت برخط مطالعه می‌کند، می‌توان با تحلیل چهره او تخمین زد که این قرانت، چه تأثیری بر او داشته است.

-
1. Visual Emotion Recognition (VER)
 2. Facial Action Coding System (FACS)

بنابراین، مسیری مشخص برای درک بهتر از افراد وجود دارد و آن حرکت از شخصیت مجازی به سمت شخصیت واقعی است. هنگامی که یک شخص فقط یک فرم نظرخواهی را تنظیم می‌کند، اطلاعات کمتری از او به دست می‌آید تا زمانی که در یک مصاحبه حضور داشته باشد و یا در یک اردو تحت نظر قرار بگیرد؛ در عین حال، هنگامی که نظارت چندساله نیز وجود داشته باشد، باز هم گوشه‌های پنهانی از شخصیت افراد باقی می‌ماند که حتی همسر و فرزندان او نیز به آن پی نمی‌برند و به طریق بالاتر- در یک فضای مجازی- این پنهان‌سازی گسترده‌تر خواهد بود.

معیار مهمی که قرآن کریم برای سنجش به دست می‌دهد، میزان- جمع موازین- است. میزان در لغت به وسیله سنجش اشیا گفته می‌شود و هر چیزی است که با آن وزن و سنجش انجام می‌شود؛ اعم از این که قول باشد یا فعل یا ترازوی متداول. در قرآن کریم، کلمه میزان ۹ بار و موازین ۷ بار آمده است که کاربرد واژه میزان را در سه مقوله زیر می‌توان جای داد:

۱. وسیله سنجش کالا و مبادلات مالی؛^۱

۲. هماهنگی و نظم در آفرینش؛^۲

۳. تشریح قوانین الهی.^۳

علامه طباطبایی میزان را بر اساس آیه ۱۷ سوره شوری به معنی دین گرفته و معتقد است: مراد از میزان به قرینه ذیل آیه و آیات بعد از آن، دین است که کتاب مشتمل بر آن است؛ از این جهت دین را میزان نامیده‌اند که عقاید و اعمال انسان‌ها

۱. ر. ک: هود، ۸۵.

۲. ر. ک: رحمن، ۷.

۳. ر. ک: حدید، ۲۵.

به وسیله آن سنجیده می‌شود و در نتیجه روز قیامت بر طبق آن سنجش، محاسبه و جزا داده می‌شود؛ پس میزان عبادت است از دین با اصول و فروعش و می‌توان معنای وزن اعمال در قیامت را تطبیق اعمال بر حق دانست. افکار، اقوال و اعمال در طبق سنجش گذاشته می‌شود؛ اما آن‌چه وزن آن‌ها را وزین می‌نماید، نیت است. بنا بر حدیث «إنما الأعمال بالنیات» که بیان شد و بحث خلوص، آن‌چه پذیرفتنی است اعمال و اقوال و افکاری است که مطابق با حق و با نیت رضای الهی و خلوص باشد؛ حتی اگر عملی آثار دنیایی فراوانی برای دیگران داشته باشد، ولی برای شخص عمل کننده اگر ویژگی نیت و خلوص را دارا نباشد، قابل سنجش نیست. با توجه به آیه «وَأَمَّا مَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ»^۱ (مؤمنون، ۱۰۳) به نظر می‌رسد از آنجا که جز عمل صالح و خالص به درگاه الهی راهی ندارد، در نتیجه عدم سنخیت عمل غیر صالح و خالص موجب به حساب نیامدن آن در قیامت می‌شود.

نکته مهم دیگر این‌که در بررسی و سنجش‌ها ذات نامشخص و آمیخته انسان است که به عنوان شاهد مثال در قرآن کریم آمده و به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

- «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ (شمس، ۷-۸)

سوگند به نفس و آن‌که سامانش داد و سپس فجور و تقوا را به او اعلان کرد.

- «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»؛ (عصر، ۱-۳)

سوگند به عصر که انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

۱. و اما هر که سنجیده‌هایش سبک برآید.

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی / ۶۷

- «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ * وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ * وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»؛
(عادیات، ۸-۶) همانا انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است
و او خود بر این [امر] نیک گواه است و او سخت شیفته مال است.

- «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ * يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»؛
(انفطار، ۶-۵) هر نفسی آن‌چه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته بداند،
ای انسان! چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخت.

- «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا * إِنَّا
هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ (انسان، ۳-۲) ما انسان را از
نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم، بدین جهت او را شنوا و بینا قرار
دادیم. ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.

نتیجه آن‌که، این آیات مبارکه همه دلیل بر وجود عنصری در انسان است به نام
اختیار که می‌تواند در ناامید کننده‌ترین شرایط، راه توبه و عفو را در پیش گیرد و یا
در بهترین و امیدوار کننده‌ترین حالات، انسان را به حسیض ذلت بکشاند و گوهر
دین را از دست او برباید.

بنابراین، تنها می‌توان آثار و نتایج اعمال و اقوال را در دنیا مشاهده نمود؛ چرا که
سنجش واقعی و نهایی آن‌ها با خدا است؛^۱ پروردگاری که مشاهدات او حکم می‌کند
و تنها شاهد درون انسان‌ها است.

در مجموع و با توجه به توضیحات بیان شده، هیچ روشی در فضای مجازی نمی‌تواند ارتقای دینی یک فرد را- به طور کامل- اندازه بگیرد و تنها قادر به اندازه‌گیری ظواهر دینی افراد خواهد بود.

نتیجه‌گیری

گسترش فضای مجازی واقعی است که فرصت‌ها و تهدیدهایی را مانند هر پدیده دیگر در عالم ایجاد می‌نماید؛ فضایی که حضور مبلغان دینی و گروه‌های مذهبی در آن گسترش فراوان یافته و می‌توان از این محیط و ابزار برای آموزش و ابلاغ دین استفاده کرد.

از طرف دیگر، اندازه‌گیری نفوذ دین در افراد- تنها- در ظواهر امکان‌پذیر است و سنجش واقعی درجه اعتقادات و اعمال تنها با میزان که در قرآن کریم بیان شده، امکان‌پذیر است؛ لذا هیچ وسیله مادی نمی‌تواند ارتقای دینی اشخاص را اندازه بگیرد. پلتفرم‌های موجود و روشهای موجود نیز تنها قادر به برآورد آماری از ظواهر و مراجعات به صفحات و سایت‌های مذهبی هستند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). انسان و ایمان. تهران: انتشارات صدرا.
5. Balaklytskyi, Maksym (2013). **Ways of Measuring the Influence of Religious Mass Media in the Ukraine**. Occasional Papers on Religion in Eastern Europe. 33(2): 25-51.

6. Claffy, K (2016). **The 7th Workshop on Active Internet Measurements (AIMS7) Report.** SIGCOMM Comput.Commun. Rev. 46(1): 50-57.
7. Campbell, Heidi. and Alessandra Vitullo (2016). **Assessing Changes in the Study of Religious Communities in Digital Religion Studies.** Church, Communication and Culture. 1(1): 73-89.
8. Huber Stefan. and Odilo W. Huber (2012). **The Centrality of Religiosity Scale (CRS).** Religions. 3(3): 710-724.
9. Dawson, Lorne L (2000). **Researching Religion in Cyberspace. Issues and Strategies.** In:Hadden and Cowan: 25-54.
10. Pelachaud, Catherine (2012). **Emotion-Oriented Systems.** John Wiley and Sons. Inc.

تأثیر فضای مجازی بر خانواده و جوانان (آسیب‌ها و راهکارها)

نویسنده: فاطمه زینلی‌پور (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۰

چکیده

پدیده جهانی شدن از بحث برانگیزترین مسائل جهان معاصر به شمار می‌رود. پدیده‌ای که در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و مرزهای جغرافیایی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد، منافع مردم و کشورها را بیش از پیش به هم تنیده کرده و علاوه بر کالا و خدمات، افکار و دانش بشری را آسان‌تر از گذشته مبادله می‌کند. از طرف دیگر، فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با این‌که عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته در زندگی مردم جا باز کند تا جایی که مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند. بر این اساس، امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته و پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت‌روم‌ها، وب‌پایگاه‌ها و بازی‌ها به روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ به طوری که روزانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می‌کنند که یکی از کاربردهای اصلی آن، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. به نظر می‌رسد عیب اصلی ارتباط‌های اینترنتی آن است که ارتباط در فضای مجازی بر متن استوار است؛ لذا از نشانه‌های بصری و شنیداری در تعامل دوطرفه، بی‌بهره است. امروزه خانواده ایرانی در سبب فرهنگی خود مواجه با شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و رسانه‌های مدرن است که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده را هدف گرفته‌اند.

۱. کارشناسی گروه الهیات، دانشکده علوم قرآنی، زاهدان، ایران،

بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای که به طور تخصصی تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده است. مطابق با این تبیین، در پژوهش حاضر تلاش شده به بررسی نقش و تأثیر فضای مجازی و اینترنت بر خانواده و جوانان با ارائه راهکارهای مقتضی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: خانواده، جوانان، فضای مجازی، آسیب‌ها، راهکارها

مقدمه

ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر به همراه تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده است، بسیاری از کارکردهای خانواده‌ها را دچار اختلال کرده است. در مباحث آسیب‌شناختی نهاد خانواده، یکی از محورهای مهم، بررسی آسیب‌های ناشی از تحولات خانواده است؛ تحولاتی که - خود- منشأ بروز دگرگونی‌هایی عمیق در نوع روابط و ارزش‌های خانوادگی است و البته بسیاری از این تحولات و دگرگونی‌ها از بیرون بر خانواده تحمیل می‌شود.

از زمانی که اینترنت وارد فضای زندگی انسان شده تا به امروز- علی‌رغم تمام محاسن و مزایای آن- یکسری دغدغه‌ها و نگرانی‌ها بر خانواده‌ها تحمیل شده؛ موضوعی که در تمام جوامع موضوعیت داشته و محدود به جامعه و یا اقلیتی خاص نمی‌شود. از طرف دیگر، به دلیل ویژگی‌های خاص فضای مجازی و نبودن این پدیده، بسیاری از والدین فرصت و امکان و یا توان کافی برای شناخت دقیق این فضا و کاربردهای آن را به دست نیاورده‌اند که عدم آشنایی مناسب آن‌ها با این فضا و در مقابل استفاده روزمره نوجوانان و جوانان و حتی کودکان از این فضا باعث شده فضایی محرمانه و خصوصی در داخل خانه برای فرزندان ایجاد شود و آن‌ها بدون دغدغه و بدون احساس وجود ناظر بیرونی به سایت‌های مختلف در این فضا دسترسی یافته و- بعضاً- به دلیل ویژگی‌های سنی و شخصیتی و کنجکاوی‌های خود، متأثر از فضاهای ناسالم موجود در اینترنت گردند.

پیشینه پژوهش

در این قسمت به بررسی پژوهش‌های مرتبط با این تحقیق پرداخته می‌شود:

- عاملی و حسنی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «دو فضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی»، مفهوم‌سازی را عمده‌ترین آسیب فضای مجازی معرفی می‌کنند؛ هم‌چنین با مطالعه تطبیق سیاست‌گذاری‌ها در برخی کشورها، راهبردهای اتخاذ شده دسته‌بندی شده است. نتایج این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها را می‌توان به سیاست‌های ایجابی - فرهنگی و اجتماعی، برنامه‌ها و سیاست‌هایی معطوف به تولید محتوا، مدیریت محتوا، برنامه‌های دیجیتال‌سازی اطلاعات آنالوگ و دسترس پذیر ساختن اطلاعات و محتوا در شبکه اینترنت - و سیاست‌های سلبی - سیاست‌ها و برنامه‌های حذف و کنترل و نظارت - تقسیم کرد.
- کشتی آرای و اکبری‌ان (۱۳۹۰) در پژوهش خود «عصر جدید و چالش پیش‌رو» با معرفی عصر جدید به عنوان عصر پُرشتاب ارتباطات، ورود بسیار ساده و سریع، حداقل محدودیت برای دسترسی، برقراری ارتباط با سراسر دنیا به اشکال مختلف و عدم وجود محدودیت زمانی و مکانی، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی، هنری و مذهبی را از ویژگی‌های بی‌بدیل آن بر شمرده‌اند.
- یاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که فضای مجازی می‌تواند امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد؛ زیرا اینترنت با وجود این که می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه اطلاع‌رسانی به کار گرفته شود - تا آن‌جا که گاهی از آن به عنوان انفجار اطلاعات

نام برده می‌شود- اما این فناوری مدرن با تمام فوایدی که دارد، تهدیدها و خطرهایی نیز داشته است؛ به طوری که امروزه، بخش عمده‌ای از جرایم مربوط به حوزه کامپیوتر، اینترنت و فضای مجازی است که امنیت اجتماعی را هدف قرار داده است.

- ابری (۱۳۸۷) در پژوهش «فضای مجازی عرصه خلاقیت» معتقد است فناوری دیجیتال و جامعه شبکه‌ای، افراد را به سوی نوعی زندگی سوق داده است که در آن می‌توانند با اتخاذ نقشی فعال و خلاق و به صورت فردی یا جمعی در ساختن چیزی جدید سهیم باشند، در فرایند هم‌آفرینی شرکت کنند و به خودیابی خویشتن کمک کنند. کیفیت آزادی‌بخشی اینترنت، کاربران اینترنتی را دعوت می‌کند به تفکر، تجربه، بازی، فعالیت‌های گروهی و ارتباطی بپردازند. مطابق با یافته‌های پژوهش، اینترنت همواره محیطی را خلق کرده که همگان می‌توانند با تکیه بر توانایی‌ها و استعدادها خود دست به ابداع و خلاقیت بزنند. از میان رفتن محدودیت مکان و زمان، نبود کنترل و انتقاد، ناشناس ماندن، امکان خیال‌پردازی و تنوع گوناگون محیط‌های اینترنتی فرصت مناسبی برای بروز خلاقیت فراهم می‌کند.

آسیب‌شناسی فضای مجازی و خانواده

با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع، در ایران نیز طی سال‌های اخیر به فناوری اطلاعات و ارتباطات توجه زیادی شده است؛ در عین حال آسیب‌های جدی نیز وجود دارد که لازم است به ریشه‌یابی آن پرداخت.

کشور ایران از نظر بهره‌مندی از اینترنت در بین ۱۸۷ کشور جهان رتبه ۸۷ را دارد که بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی مخابرات جزو کشورهای متوسط به شمار می‌رود.

از طرف دیگر، ۳۵ درصد استفاده کنندگان اینترنت را قشر جوان تشکیل می‌دهند و میانگین صرف شده برای اینترنت ۵۲ دقیقه در هفته است؛ (صادقیان، ۱۳۸۴) هم‌چنین شبکه‌های دوست‌یابی- در کشور- به سرعت در میان جوانان ایرانی محبوب شده و ایرانی‌ها رتبه سوم را در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند. (ستارزاده، ۱۳۸۶) به طور کلی، فرهنگ رسانه‌ای اینترنت، فضای ذهنی جوانان را اشغال کرده و از آن مهم‌تر، نمایان‌گر نقش خانواده در کنار این ابررسانه است که والدین روی فرزندان خود تا چه حد کنترل تربیتی و نظارت اخلاقی دارند.

بروز آسیب‌های نوظهور می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد؛ به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش این آسیب‌های ضروری است.

آسیب‌های نوظهور نیز آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید است که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت می‌تواند در این مجموعه قرار گیرد.

تأثیر فضای مجازی در نارضایتی‌های خانوادگی

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا هستند، ضعف بنیاد خانواده است؛ از آنجایی که مشکلات خانواده‌ها به صورت ناهنجاری‌های اجتماعی بروز می‌کند، خانواده و سلامت آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

هم‌چنین، آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی یکی از وظایف مهم خانواده‌ها به شمار می‌رود؛ لذا جوانان باید بتوانند برای زندگی‌های مشترک آماده شده و سعی نمایند روابط خود را با پیرامون- در حد متعارف و قابل قبول- تنظیم نمایند. صرف‌نظر از آمار و ارقام بالایی که در مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و سایر مسائل خانوادگی وجود دارد، سرد شدن

ارتباطات عاطفی و نارضایتی‌ها از زندگی خانوادگی نیز قابل تأمل است که باعث ناکامی و شکست‌های بزرگی در زندگی جوانان شده است.

این مسائل نشان از مشکلات عمیقی در سطح خانواده دارد که باید ریشه‌یابی و درمان شوند. یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت تأثیر تولیدات رسانه‌ای به وجود آمده و باعث آن گردیده تا سطح توقع و ارضا از زندگی‌های مشترک را به خصوص در میان نسل جوان بالا ببرد.

تحت تأثیر این فضا، آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد، تحریف می‌شود؛ از طرف دیگر، لذت و صمیمیتی که از برنامه‌ها و محتویات رسانه‌ها مانند فیلم و سریال در اذهان جوانان نقش می‌بندد تا حد زیادی در زندگی طبیعی قابل دستیابی نخواهد بود که این مسئله می‌تواند تبعات زیانباری برای آینده جوانان به همراه داشته باشد.

در ادامه به برخی از این تبعات اشاره می‌شود:

۱. اعتیاد به اینترنت

یکی از آسیب‌های اینترنت، اعتیاد به آن است؛ به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده‌کننده از آن در آمریکا، ۲ تا ۵ میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شده و با معضلات زیادی گریبانگیر هستند. (اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

نتیجه تحقیقات انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد که بیشترین استفاده‌کنندگان از اینترنت، جوانان هستند و ۳۵ درصد از آن‌ها به خاطر حضور در چت‌روم، ۲۸ درصد برای بازی‌های اینترنتی، ۳۰ درصد به منظور چک کردن پست الکترونیکی و ۲۵ درصد نیز به دلیل جستجو، در شبکه جهانی هستند.

اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را

تحمل کنند، در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند که این پدیده در میان جوانان مشاهده می‌شود؛ به طوری که برخی از آن‌ها شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند که این مسئله آغازگر آسیب‌های متعدد دیگر نیز می‌شود. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به آسیب‌های خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و اقتصادی اشاره کرد.

۲. بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت

عناصر سه‌گانه هویت- شخص، فرهنگ و جامعه- هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد، هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکل‌گیری آن متأثر از ایشان است و هویت فرهنگی نیز برگرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن- از بدو تولد تا کهنسالی- جای گرفته است.

از آن‌جا که فضای مجازی، صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که- فرد- خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، زمینه‌ای برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر است که موجب چندشخصیتی شدن کاربر خواهد شد. در فضای مجازی بیش از آن‌که هویت ظاهری فرد طرح گردد، درون‌مایه‌های افراد بروز می‌کند، هر کس در صدد بیان اندیشه‌ها و علاقه‌مندی‌های خویش است، مطرح نشدن هویت شخصی و مشخصات فردی در اینترنت موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن می‌گردد، جوانان در این محیط از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و به ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پُررنگ‌تر می‌شود.

با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند؛ چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند، یعنی اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیت‌های متنوع نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد. (اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

از نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، شکل‌گیری هویت افراد تحت تأثیر منابع گوناگونی است؛ عمده‌ترین این منابع عبارتند از: خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان. از این میان، رسانه‌های گروهی با توجه به گستره نفوذ و فراگیری آن اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند؛ هم‌چنین گسترش تلویزیون‌های ماهواره‌ای موجب شده شکل‌گیری نظام شخصی و هویت افراد تحت تأثیر عوامل متعدد و گاه متعارض قرار گیرد. (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۶)

۳. تعارض ارزش‌ها

تغییرات تکنولوژیکی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است که یکی از این چالش‌ها، برخورد با این پدیده است؛ چون ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آن‌جا که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی- ارزش‌های اسلامی و ایرانی- است، پس اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی به همراه داشته باشد.

به عنوان مثال؛ ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود. در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده جوانان از اینترنت موجب کاهش ارزش‌های خانواده شده است. (زنجان‌زاده و محمدجواد، ۱۳۸۴)

۴. گسترش ارتباطات نامتعارف میان جوانان

اینترنت به دلیل تسهیل ایجاد روابط دوستانه و عاشقانه، در زمینه‌های غیر اخلاقی مورد توجه قرار گرفته تا جایی که اینترنت موجب سهولت خیانت در روابط زناشویی و ایجاد روابط نامشروع می‌شود.

۵. شکاف نسل‌ها

اینترنت شکاف میان نسل‌ها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقمند به اینترنت نیز آشکار شده؛ به گونه‌ای که هیچ یک زبان دیگری را نمی‌فهمند. امروزه با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید به عرصه خانواده‌ها شاهد این هستیم که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. ما دیگر کمتر نشانه‌هایی از آن نوع خانواده‌هایی را داریم که والدین و فرزندان دور هم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری با هم گفتگو کرده و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گراییده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف، زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند.

نسل دیرروز- والدین- احساس دانایی و با تجربگی می‌کند و نسل امروز- فرزندان- که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است، در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطقی و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آن‌ها بر نمی‌آید، به لجبازی روی می‌آورد. (رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۹)

امروزه سرعت تکنولوژی شکاف بین نسل فرزندان و والدین را بسط داده است. بر اساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی، میزان گفتگو در میان اعضای خانواده در کشور تنها حدود ۳۰ دقیقه است که این می‌تواند آسیب‌زا باشد. فرزندان در

مقایسه با والدین با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می کنند، اطلاعات و گرایش ها و رفتارهای متفاوتی دارند؛ البته عوامل متعددی بر این پدیده تأثیرگذارند و این شکاف را بیشتر می کنند، از جمله: سرعت تحولات و بسط ارتباطات با جهان توسعه یافته، توجه بیشتر جوانان به برنامه های جهانی شدن فرهنگ، رسانه ها، گسترش روزافزون انجمن ها و کانون هایی غیر از کانون خانواده برای پیوستن و تعلق یافتن جوانان به آن ها و غیره از آن جمله است. (همان: ۱۹)

۶. سوء استفاده جنسی

در سال ۱۹۹۹ میلادی گردهمایی جهانی با عنوان «کارشناسی برای حمایت کودکان در برابر سوء استفاده جنسی از طریق اینترنت» برگزار گردید که منجر به صدور قطعنامه ای شد که در آن آمده است هر چه اینترنت بیشتر توسعه پیدا کند، کودکان بیشتر در معرض محتویات خطرناک آن قرار خواهند گرفت. بر این اساس، فعالیت های محرمانه مربوط به فحش های کودکان و پورنوگرافی که از طریق اینترنت مورد استفاده واقع می شود، اکنون از مسائل حاد به شمار می رود. (اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

۷. انزوای اجتماعی

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت ها وقت خود را در سایت های اینترنتی می گذرانند بسیاری از ارزش های اجتماعی را زیر پا می نهند؛ چرا که فعالیت های اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیت های فردی روی می آورد. نتایج پژوهش شاندرز نشان داد که استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ در نقطه مقابل، کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می کنند، به طور قابل ملاحظه ای با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند. (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۶)

بررسی محققان نشان می‌دهد- شاید- هیچ‌گاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود آگاه نباشند و در صورت آگاهی آن را تأیید نکنند؛ اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق می‌کند.

پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که دنیای اجتماعی در آینده دنیای منزوی باشد؛ چرا که اینترنت با توجه به رشدی که دارد و جذابیت‌های کاذبی که برای نوجوانان ایجاد می‌کند، آن‌ها را به خود معتاد ساخته و جانشین والدین می‌شود.

راهکارهای مواجهه با آسیب‌های فضای مجازی

به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی در فضای مجازی راهکارهایی طرح شده که در صورت اجرای به موقع و مناسب می‌توانند ثمربخش واقع شوند؛ در ادامه به برخی از این راهکارها اشاره می‌شود:

- اطلاع‌رسانی و آموزش نحوه استفاده صحیح از این فناوری؛
- استفاده از ظرفیت‌هایی هم‌چون رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها، مجلات و نشریات برای نهادینه شدن فرهنگ مجازی؛
- برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوری‌های جدید و نحوه استفاده صحیح از آن‌ها؛
- تشویق به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و تقویت این‌گونه رفتارها توسط والدین؛

- وضع قوانین سختگیرانه‌تر جهت برخورد با مجرمان جرایم اینترنتی و اجرایی نمودن این قوانین؛
- آگاهی و هوشیاری بیشتر پلیس مجازی در مورد انواع جدید جرائم رایانه‌ای و اقدام در جهت ناکارآمد کردن دسیسه‌های دشمنان در این زمینه؛
- پخش آگهی‌های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در صدا و سیما در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از اینترنت؛
- گذراندن اوقات بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه به طوری که فرزندان از نظر عاطفی، احساس خلأ نکنند و جهت جبران این کمبود به فضای مجازی پناه نبرند؛
- پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که جوانان آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند؛
- طراحی بازی‌های رایانه‌ای به گونه‌ای که در آن‌ها انواع خطرات موجود در فضای مجازی و راهکارهایی جهت آشنایی و مقابله با آن‌ها تعبیه شده است؛
- طراحی و تدوین بخشی در کتاب‌های درسی در ارتباط با آشنایی دانش آموزان با فناوری‌های جدید، اینترنت و خطرات بالقوه آن‌ها؛
- ساخت و پخش فیلم‌ها و سریال‌هایی با موضوع اینترنت و مزایا و معایب آن؛
- استفاده از آموزه‌های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی کنترل اجتماعی توسط هر شخص؛
- هنجارسازی‌های مثبت و ترویج فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی.

فهرست منابع

۱. ابری، انسیه. (۱۳۸۷). فضای مجازی عرصه ظهور خلاقیت. اولین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران. تهران: پژوهشکده علوم خلاقیت‌شناسی، نوآوری و TRIZ.
۲. اکبری، ابوالقاسم. و مینا اکبری (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۳. رحیمی، محمد. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: شهر خلخال). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز.
۴. زنجانی‌زاده اعزازی، هما. و علی محمدجوادی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳). مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶. شماره ۲: ۱۴۶-۱۲۱.
۵. ستارزاده، داوود (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن (مطالعه موردی: شهر ساری). علوم اجتماعی. دوره ۳. شماره ۳ (پیاپی ۱۴): ۱۴۲-۱۲۰.
۶. صادقیان، غفت (۱۳۸۴). تأثیر اینترنت بر کودکان و نوجوانان. مجله الکترونیکی پژوهشگاه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (نما). دوره ۴. شماره ۴.
۷. صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۶). بررسی آسیب‌های اجتماعی اینترنت. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۸. عاملی، سید سعیدرضا. و حسین حسینی (۱۳۹۱). دو فضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی. تحقیقات فرهنگی. دوره پنجم. شماره ۱۷: ۳۰-۱.

۹. کشتی آرای، نرگس. و اکرم اکبریان (۱۳۹۰). عصر مجازی و چالش‌های پیش‌رو. اولین کنفرانس بین‌المللی شهروند مسئول. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد خوراسگان.
۱۰. یاسمی‌نژاد، عرفان. آزادی، اکرم. و محمدرضا امویی (۱۳۹۰). فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها. همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد کرمانشاه.

صلح‌سازی ایمان‌محور در فضای مجازی

نویسنده: دکتر محسن قنبری آلانق (ایران)^۱

بذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۱

دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۶

چکیده

جهان معاصر عرصه‌ای آکنده از تنش، چالش، نزاع و درگیری میان انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌هاست که برای رهایی از آن راهی جز استقرار مهر و آشتی و تلاش جمعی برای صلح‌سازی نیست. روی دیگر زندگی انسان معاصر، زندگی ثانوی است که در سایه عصر ارتباطات و اتصالات و فناوری‌های نوین اطلاعاتی رخ داده و همه ویژگی‌های فضای واقعی را با پیچیدگی‌های رفتاری و ارتباطی میان کاربران دارا است. در این میان، صلح‌سازی ایمان‌محور یکی از بهترین مدل‌های صلح‌سازی است که کنشگران ایمانی تلاش می‌کنند به مدد آن، بر درگیری‌های انسان فائق آمده و صلح و ثبات و زیست ایمانی را برای جامعه بشری - چه در زندگی واقعی و چه در زیست مجازی - به ارمغان آورند. پژوهش حاضر پس از واکاوی مفردات پژوهش، به ارائه مدل صلح‌سازی ایمان‌محور در صورت‌بندی‌های چهارگانه نزاع در فضای مجازی پرداخته است.

واژگان کلیدی: صلح‌سازی، ایمان‌محوری، فضای مجازی

تبیین مفردات پژوهش

۱. ایمان

باور به آموزه‌های یک دین است و دین در لغت به معنای عادت و شأن، عبادت، طاعت، قهر، حکم، سیره، تدبیر، قضا، ورع، ملت و اکراه آمده است.^۲

۱- استادیار جامعه المصطفیٰ ص العالمیه، معاون ارتباطات و امور بین الملل، قم، ایران،

ghanbarialanagh@yahoo.com

۲- ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۳: ۱۷۰؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۰۸.

در کاربردهای قرآنی نیز - دین - به معنای جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است.^۱ دین در اصطلاح، گاهی به معنای مجموعه قوانین و آداب و احکام و شرایع به کار رفته و گاهی امور اعتقادی به آن افزوده می‌شود.^۲ به بیان دیگر، هم شامل گزاره‌های توصیفی بوده و هم مشتمل بر گزاره‌های ارزشی است.

در تعریف جامعی که از مجموع تعاریف ارائه شده از دین توسط اندیشه‌وران مسلمان اقتباس شده، می‌توان گفت دین مرکب است از مجموعه معارف نظری و عقیدتی، احکام و قوانین عملی و دستورات اخلاقی در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی و سازگار با عقل و فطرت انسانی است که از جانب خداوند و توسط پیامبران برای هدایت همه جانبه مادی و معنوی بشر فرستاده شد که در صورت پیاده شدن به طور کامل، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی انسان را تأمین می‌کند.^۳ بیان این نکته نیز لازم است که دین اسلام به مثابه دین واپسین و کامل الهی از واریسی و فهم عمیق ادله اربعه - کتاب خدا، سنت، عقل و اجماع - به دست می‌آید که اسلام‌شناسان و فقیهان زمان شناس در برهه‌های گوناگون تاریخی نقش خود را در این راستا عملیاتی کرده‌اند.

۲. صلح‌سازی^۴

صلح‌سازی - غالباً - به عنوان چتر واژه یا فراداده^۵ کاربرست دارد تا واژگان زیر را شامل شود:

-
- ۱- راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۷۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۷۷-۷۶؛ قرشی بنایی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۸۱-۳۸۰.
 - ۲- مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۶۹.
 - ۳- ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۰؛ همان، ج ۱۶: ۱۹۳؛ همان، ۱۳۸۶: ۳-۲؛ جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۸.

۴. Ref: Schirch, 2008.

5. Meta-Term

- حل نزاع^۱؛ به باور بسیاری از مردم، نهایت فرآیند را نشان می‌دهد، در حالی که منازعات به سادگی از بین نرفته و به فرجام نمی‌رسند.
 - مدیریت نزاع^۲؛ این که چطور می‌توان نزاع را در جهت حل مسئله، هدایت کرد.
 - کاهش نزاع^۳؛ این تعبیر، از سوی برخی نهادهای دولتی به کار رفته است. منتقدان بر این باورند که کاهش نزاع هر چند از درد و رنج منازعات می‌کاهد، اما علل اساسی آن را از بین نمی‌برد.
 - پیشگیری از نزاع^۴؛ به اقدامات صلح‌سازی پیش‌گسترانه جهت پیشگیری از نزاع خشونت‌بار اشاره دارد. برخی معتقدند که منازعات در شرایط خاصی ممکن است فرصت مثبتی برای تغییرات مورد نیاز تلقی شود؛ لذا آن‌چه باید پیشگیری شود، لزوماً منازعه نیست، بلکه خشونت است که در پی آن می‌آید.
 - دگرگونی نزاع^۵؛ به جای مدیریت یا حل نزاع، بر تغییر ماهوی آن اشاره دارد، اما فرآیند دقیق دگرگونی و یا این‌که چه چیزی دگرگون می‌شود، به روشنی تبیین نمی‌شود.
- البته برخی گروه‌ها نیز ترجیح می‌دهند از واژگان همزیستی^۶ یا دوست‌واری^۷ برای بهبود روابط میان‌گروهی استفاده کنند؛ هر چند برخی حکومت‌ها با کاربرد این واژگان در مورد برخی اقدامات سطحی و نپرداختن به ابعاد اصلی قضایی و اقتصادی منازعات، آن‌ها را بی‌اعتبار ساخته‌اند.

-
1. Conflict Resolution
 2. Conflict Management
 3. Conflict Mitigation
 4. Conflict Prevention
 5. Conflict Transformation
 6. Coexistence
 7. Reconciliation

به طور کلی، کسانی که می‌خواهند به جای مسئله نزاع، بر حوزه وسیع‌تر اهداف صلح و امنیت تمرکز کنند، کاربرد واژه صلح‌سازی را ترجیح می‌دهند؛ چرا که واژگان مرتبط با نزاع- همواره- بُعد منفی قضیه را با تجربیات منازعات برچسب‌گذاری کرده و کاری به ظرفیت‌های محیط برای صلح ندارند.

۳. صلح‌سازی ایمان‌محور

در حوزه سیاست دنیای معاصر، دین به موضوع پُراهمیتی تبدیل شده و خط‌مشی‌گذاران به نقش دین در حل منازعات و برقراری صلح اذعان دارند؛ هر چند در مواردی دینداران موجب بروز منازعه هستند، اما آموزه‌های دینی در رفع نزاع و کاهش تنش - همواره- نقش آفرین هستند.

بر این اساس- صلح‌سازی ایمان‌محور- مدل خاصی از حل منازعه و برقراری صلح است که نقش مثبت دین و نهادهای ایمان‌محور را در جامعه برجسته می‌کند. کنشگران صلح ایمان‌محور تلاش می‌کنند با کاربری آموزه‌های دینی و اخلاق و معنویت برگرفته شده از دین، از اجتماعات متأثر از جنگ حمایت کرده، ایشان را به صلح دعوت کرده، میان گروه‌های درگیر میانجی‌گری نموده و دوست‌واری، گفتگو، خلع سلاح، ثبات و یکپارچگی را توسعه دهند.

صلح‌سازی ایمان‌محور شامل طیف وسیعی از اقداماتی است که ریشه در منابع اصیل دینی- کتاب و سنت- دارند؛ اقداماتی هم‌چون دفاع و پشتیبانی، آموزش، گفتگوهای درون‌دینی و برون‌دینی، میانجی‌گری، نظارت و هدایت و عدالت که مسیر حرکت به سمت صلح دینی را نمایان می‌کند.

از نقاط قوت مصلحان ایمان‌محور نیز می‌توان به انگیزه قوی دینی، تعهد بالا و ریشه‌دار، حضور تاریخی در صحنه‌های منازعات و نقش در سوق دادن اطراف درگیر به سمت صلح و ثبات اشاره نمود.

۴. فضای مجازی

فضای مجازی^۱ از حیث لغوی برگرفته از سایبرنتیک^۲ بوده و ریشه‌ای یونانی دارد؛ معنای اصلی آن در این زبان، فرمانروایی و حکومت است که در آثار افلاطون^۳ نیز به همین معنا به کار رفته است. شاید بتوان معادل فارسی آن را دانش هدایت و کنترل یا خودفرمایی دانست.

امروزه، سایبرنتیک- تا حدودی- مفهوم کهن خود را حفظ کرده و نشانگر دانشی است که به انسان یا ماشین خودکار، امکان حکومت کردن و فرمان دادن می‌دهد.^۴ در کاربرد جدید نیز فضای مجازی محیطی انگاره‌ای است که در آن ارتباطات درون‌شبکه‌ای کامپیوتری رخ می‌دهد.^۵

رواج این واژه در دهه ۱۹۹۰ میلادی زمانی رخ داد که کاربرد واژگان دیگری هم‌چون اینترنت^۶، شبکه‌ای شدن^۷ و ارتباطات دیجیتال^۸ در حال گسترش بوده و اصطلاح فضای مجازی توان نمایندگی از طرف همه ایده‌های نوپدید را دارا بود.^۹ به نوشته کرامر، ۲۸ تعریف مختلف از فضای مجازی ارائه شده است^{۱۰} که آخرین تعریف آن بیان می‌شود:

-
1. Cyberspace
 2. Cybernetics
 3. Plato

۴. معتمدنژاد، کاظم ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱.

۵. http://www.oxforddictionaries.com/us/definition/american_english/cyberspace

6. Internet
7. Networking
8. Digital Communication
۹. Strate, 1999: 382-383.
۱۰. Kramer and Others, 2009.

یک قلمرو پویای جهانی متشکل از طیف‌های الکترونی و الکترومغناطیسی است که هدفش ایجاد، ذخیره، پیرایش، تبادل، اشتراک، استخراج، استخدام و امحای اطلاعات و گسست منابع فیزیکی است. این فضا مشتمل است بر:

۱. دستگاه‌های زیرساخت و ارتباطات از راه دور که امکان اتصال نظام فناوری ارتباطات و شبکه‌ای را فراهم می‌کند.
۲. سیستم‌های کامپیوتری و نرم‌افزارهای مرتبط که کارکرد عملیاتی و اتصالی پایه یک دامین را تضمین می‌کنند.
۳. شبکه‌های میان‌کامپیوتری؛
۴. شبکه شبکه‌های سازمان‌یافته کامپیوتری؛
۵. دسترسی کاربران به مسیرهای واسط شبکه‌ای؛
۶. شبکه شبکه‌ها (اینترنت).^۱

دین در فضای مجازی و فازبندی آن

بررسی و تبیین حضور دین در فضای مجازی نیاز به طراحی فازبندی مرتبط با آن دارد که در ادامه به این مراحل اشاره می‌شود:

۱. دیجیتالیزه‌سازی محتوای دینی از سوی دینداران؛
۲. وبگاه‌های مرجعیت دینی وابسته به اسلام‌شناسان و مراکز دینی؛
۳. وبگاه‌های تعاملی پرسش و پاسخ‌های مربوط به ساحت‌های گوناگون دینی؛
۴. تجربه زیست دینی واقعیت مجازی.

۱. https://www.academia.edu/7096442/How_would_you_define_Cyberspace

مدل صلح‌سازی ایمان‌محور در فضای مجازی

مدل مفهومی و شماتیک عناصر اصلی صلح‌سازی اسلامی به صورت سامانه‌ای نمود می‌یابد که تبیین‌گر دوره‌های گوناگون دیجیتالیزه شدن بوده و فضای آتی صلح‌سازی اسلامی در زیست دینی واقعیت مجازی را با نگاه به آینده و تحقق جامعه جهانی شبکه‌ای مبتنی بر صلح و ایمان را پیش‌بینی می‌کند. مدل به دست آمده متشکل است از عناصر زیر است:

۱. صلح‌سازی

در صلح‌سازی دینی، اسلام به مثابه پیام صلح معرفی شده^۱ و مسلمانان به عنوان کسانی که انسان‌های دیگر از دست و زبان ایشان در صلح و سلامت بوده و امین جان و مال مردم باشند؛^۲ چنین مسلمانانی صلح‌سازان و میانجی‌گران منازعات میان مردم در آخرالزمان خواهند بود. مخاطب چنین دعوتی نیز همه مردم هستند که پیامبر برای همگان خواهد بود.^۳ محیط صلح‌سازی ایمان‌محور برای کنشگران مسلمان در این پژوهش، فضای مجازی است که مخاطبان پرشماری در سراسر جهان زمان زیادی را در آن سپری می‌کنند.

۲. فازبندی صلح‌سازی

- ابلاغ دین؛ ارائه محتوای دینی در فضای مجازی و فراهم‌سازی دسترسی کاربران به آن.

۱. ر. ک: بقره، ۲۰۸.

۲. ر. ک: صدوق، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۳۹.

۳- ر. ک: اعراف، ۱۵۸.

دیجیتالیزه‌سازی محتوای دینی از سوی دینداران؛ در این فاز با توجه به عرفی شدن فضای مجازی، دینداران تلاش دارند پیام صلح و ایمانی خود را به واسطه بارگذاری محتوای دینی دیجیتالی در شبکه جهانی اینترنت، کاربران را متوجه آسمان و پیام حیات‌بخش الهی کرده و دل‌های آنان را به سمت ایمان و تقوا معطوف سازند. در این فضا، بدون این‌که اجباری در پذیرش دین و یا تخریب باور دیگران رخ دهد، پیام دین در کنار صداهای دیگر شنیده می‌شود.

در این میان، کاربران درگیر جهل و ناآگاهی نسبت به آموزه‌های دینی که آغازگر دشمنی علیه اسلام هستند در اثر ارائه محتوای دینی قابل دسترس در فضای مجازی، آگاه شده، پیام صلح‌آمیز اسلام را دریافت کرده و از دشمنی با اسلام توسط ایشان کاسته می‌شود؛ به درستی که انسان‌ها به آن‌چه نادانند، دشمن هستند.^۱

شاخص اصلی این فاز، غلبه متون دینی-اطلاعات ذخیره شده و به اشتراک گذاشته شده- بر دیگر گونه‌های ارتباطات دینی فضای مجازی است که برآیند آن، ظهور و بگانه‌های متن‌محور با طراحی و ظاهر گرافیکی ساده بود. این نوع استفاده از اینترنت، معطوف به کارکرد ذخیره‌سازی اطلاعات اینترنت است. فضای مجازی، فضای مناسبی برای ذخیره‌سازی متون دینی است؛ لذا نخستین تجلی ادیان در این فضا نیز متن‌محور بود. بر این اساس، نخستین سایت‌های شیعی نیز از جمله «الإسلام»، «الکوتر»، «آل‌البيت» (الشیعه) و «حوزه» حاوی کتاب‌ها و دیگر منابع معتبر شیعی بودند. مطابق با پژوهش حاضر و آمار ارائه شده در سایت

جستجوگر پایگاه‌های شیعی^۱، تاکنون بیش از ۴۰۰۰ جلد کتاب از منابع معروف شیعه روی اینترنت قرار گرفته است.

- مرجعیت دینی و معرفتی؛ اعتباربخشی به محتوای ارائه شده از سوی اشخاص حقیقی اعم از مراجع دینی و اسلام‌شناسان و اشخاص حقوقی اعم از نهادهای دینی حوزوی و دانشگاهی.

در این فاز کاربران پس از جذب به تعالیم دینی در جستجوی محتوای معتبر دینی در فضای مجازی برآمده و دینداران رسالت‌مدار تلاش می‌کنند و بگاه‌هایی را برای مرجعیت‌بخشی دینی و معرفتی ایجاد کنند تا نیاز کاربران را پاسخگو باشند. پایگاه‌های مراجع دینی، استادان حوزه و دانشگاه و نیز مراکز و نهادهای حوزوی و دینی از این نمونه هستند که تلاش می‌کنند اعتبار محتوای خود را با استناد به منابع اصیل دینی به صورت محکم و عقلانی مطرح کنند تا برای کاربر کاوشگر دین قابل پذیرش باشد. در این میان صلح‌گستری دینی مبنای استواری می‌یابد که قابل اتکا خواهد بود.

از بارزترین نمونه‌های این دوره می‌توان به آثار نرم‌افزاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی - مانند نرم‌افزارهای نور الأنوار و جامع الأحادیث - مؤسسه یاسین رایانه و مدرسه آیت الله گلپایگانی - مانند نرم‌افزار معجم فقهی و معجم عقائدی - اشاره کرد. در این دوره مراجع و عالمان سعی می‌کنند، حضور در محیط مجازی را تثبیت نموده و خدمات دینی خود را که پیش‌تر در بیت ایشان انجام می‌شد، توسط امکانات جدید گسترش دهند که بحث گسترش زبان‌ها از این

1. www.shaisearch.net

هنگام مطرح می‌شود. در این دوره، بیشتر سایت‌های دینی، مورد حمایت نهادهای دولتی، عمومی و دینی خاص قرار می‌گیرد و حضور دینی در فضای مجازی پُررنگ‌تر می‌شود. افزون بر عالمان دینی، دیگر نهادهای دینی- مانند جامعه المصطفیٰ علیه السلام العالمیه، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، مؤسسه امام خمینی علیه السلام- نیز فعالیت مجازی خویش را در این دوره آغاز یا توسعه دادند.^۱

- شبکه تعاملی ایمانی؛ گفتگوی درون‌دینی و برون‌دینی کاربران با یکدیگر از یکسو و ارتباط با مدیر دینی و بگاہ از سوی دیگر.

پرسش و پاسخ‌های مربوط به ساحت‌های گوناگون دینی؛ چالش‌های نوظهور دنیای در حال تغییر، کاربران را نیازمند پرسش و پاسخ به روز می‌کند که در هر حالی برای پرسش‌های خود پاسخی معتبر بیابند. صلح‌گستری در عرصه‌های گوناگون زندگی و چالش‌های نظری و عملی کاربران ایمانی از طریق ارائه راه برون‌رفت از موضوعات چالش‌برانگیز روزانه از ویژگی‌های این دوره است. کاربران ضمن هم‌افزایی ایمانی یکدیگر، برادری ایمانی^۲ خود را از طریق فضای مجازی- در سرتاسر عالم- به منصفه ظهور می‌رسانند.

- تجربه زیست ایمانی واقعیت مجازی؛ شکل‌گیری جوامع ایمانی مجازی و ارتباط شبکه‌ای کاربران با یکدیگر در درون یک شبکه، هم‌چنین ارتباط میان شبکه‌های دیگر ایمان به منظور نیل به فضای مجازی اخلاقی و ایمانی.

۱. جهانگیر، <http://Rasekhoon.net/article/show/875485>

۲. ر. ک: حجرات، ۱۰.

پس از شکل‌گیری شبکه‌های ایمانی در قالب وبگاه‌های تعاملی، شبکه شبکه‌ها یا ارتباط میان‌شبکه‌ای ایمانی اعم از آموزش، پژوهش، تجارت، مناسک دینی برخط و از راه دور و نیز برنامه‌های تفریحی سالم و اخلاقی تأسیس می‌شود که در آن زیست ایمانی در کنار برادران ایمانی دیگر در فضای مجازی تجربه می‌شود. در این صورت جامعه جهانی مجازی بر اساس ایمان، صورت‌بندی شده و صلح جهانی به ارمغان خواهد آمد. از قدیمی‌ترین وبگاه‌های مناسک‌محور می‌توان به سایت ادعیه^۱ اشاره کرد که حاوی ادعیه و زیارات مختلف شیعی برای مناسبات مختلف و به صورت چندرسانه‌ای است؛ هم‌چنین وبگاه‌های بسیاری در ارتباط با عزاداری و عاشورا وجود دارد که تقریباً همه اطلاعات آن‌ها با عزاداری و سوگواری مرتبط است. مناسک محوری در پایگاه‌های اسلامی سبب شد واژگان جدیدی هم‌چون عبادت آنلاین^۲ و منبر دیجیتال^۳، زیارت از راه دور^۴ و مسجد مجازی^۵ وارد حوزه ارتباطات مجازی دینی شود و نوشته‌هایی در این زمینه تحریر شود؛ البته نباید از نظر دور داشت که واژه عبادت آنلاین، خاص شیعه و اسلام نیست، چون در دیگر ادیان نیز واژگانی نظیر کلیسای مجازی^۶ و معبد مجازی^۷ توصیف‌گر مناسک دینی مجازی است.

1. <http://www.duas.org>

2. Online Worship

۳. بابایی، شماره ۴.

4. Online Pilgrimage

5. E-Masjid

6. Cyber Church

7. Cyber Temple

به طور کلی، اصطلاح کلیساها و معبدهای مجازی بیشتر به وبگاه‌هایی اشاره دارد که برای کاربست‌های مذهبی مسیحیان و بوداییان طراحی شده و تلاش می‌کنند زیست ایمان مجازی را برای کاربران خود عرضه کنند. این وبگاه‌ها شامل امکاناتی مانند ارسال دعا‌های دینی از راه پست الکترونیکی^۱ به اعضای خود، ارائه مواد و مطالب متنی و چندرسانه‌ای دینی و مانند آن‌ها است. معابد مجازی نیز- اغلب- معابد واقعی خود را در فضای مجازی شبیه‌سازی کرده و دارای بخش‌هایی است که در معابد واقعی وجود دارد و به پیروان خود امکان سیر در بخش‌های مختلف آن و انجام اعمال را به صورت مجازی فراهم می‌آورد.^۲

شکل‌گیری شبکه شبکه‌های ایمانی که جوامع دینی مجازی را مدیریت می‌کند، هر چند در شکل کلی خود مثبت تلقی می‌شود؛ اما- اگر- صلح‌سازان ایمانی از ادیان مختلف به ویژه مسلمانان تقریبی و وحدت‌گرا غفلت کنند، ممکن است باعث رویارویی با جوامع مختلف مجازی شود. در صورت ایجاد فضای رویارویی نیز دینداران افزون بر فعالیت پیشین خود، نگاهی به دیگران دارند؛ دیگرانی که از نظر اعتقادی با آن‌ها تفاوت دارند، فعال هستند و خود را در رویارویی با برخی دیگر می‌بینند. به عنوان مثال؛ شیعیان نگران سنی‌ها و سنی‌ها نگران شیعیان هستند، مسلمانان نگران اهل کتاب و اهل کتاب نگران مسلمانانند، خداپاوران نگران خداپاواران بوده و به طور کلی، فضای مجازی فضای رویارویی است. محصول رویارویی مجازی نیز ظهور موضوعاتی هم چون تکفیر اینترنتی،

1. E-Mail

2. Campbell, 2006.

تروریسم مجازی، جهاد مجازی و موضوع هک کردن متقابل وبگاه‌های دینی است که جامعه ایمان مجازی را تهدید می‌کند.

وظیفه صلح‌سازان ایمانی دعوت به وحدت ایمانی - برادری ایمانی - و وحدت انسانی - همسانی در انسانیت^۱ - است که فضای مجازی را از حالت رویارویی به گفتگو و همزیستی مجازی صلح‌آمیز در کنار یکدیگر بدل می‌کنند.

از معروف‌ترین وبگاه‌های شیعی گفتگو محور، می‌توان سایت مجمع جهانی تقریب بین مذاهب را نام برد که با رویکرد تقریب و انسجام فرقه‌های اسلامی شکل گرفته است.

۳. استراتژی صلح‌سازی

- ایمانی‌سازی کاربران؛ استراتژی صلح درونی با تأکید بر نقش ایمان و تقوا.
- ایمان شبکه‌ای؛ استراتژی هم‌افزایی ایمانی کاربران در داخل یک شبکه ایمانی با تأکید بر برادری ایمانی.
- زیست ایمانی؛ استراتژی اتصال شبکه‌های ایمانی به یکدیگر و تجربه زیست ایمانی با فضای واقعیت مجازی در مسیر تأسیس جامعه جهانی ایمانی.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۳۷۵). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
۴. بابایی، رضا. منبرهای دیجیتال. کتاب روش (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران). پیش شماره ۴.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۶. جهانگیر، عیسی. مونوگرافی فضای سایبر شیعی: <http://Rasekhoon.net/article/show/875485>
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن. بيروت: دار الشامیة.
۸. صدوق (ابن بابویه قمی)، ابی جعفر محمد بن علی (۳۶۱). معانی الأخبار. قم: انتشارات اسلامی.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۶). شیعه در اسلام. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، مکتبه المرتضویة.
۱۲. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۵۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۳. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفکر.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۵. معتمدزاد، کاظم (۱۳۹۵). وسایل ارتباط جمعی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

17. Campbell, Heidi (2006). **Internet and Cyber Environments**. Communication And Media: 177-182. In Encyclopedia Of Religion, Communication And Media. Great Barrington: Berkshire Publications/ Sage Reference.
<http://books.google.com/books?id=TN-qpt7kAK4C&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
18. Kramer, F.D. Starr, S. and L.K Wentz (2009). **Cyberpower and National Security: Policy Recommendations for a Strategic Framework**. Cyberpower and National Security. Washington: National Defense University Press.
19. Mayer, Marco. Martino, Luigi. Mazurier, Pablo. Tzvetkova, Gergana. and Draft Pisa (2014).
https://www.academia.edu/7096442/How_would_you_define_Cyberspace
20. Schirch, Lisa (2008). **Strategic Peacebuilding: State of the Field**. Pease Prints: South Asian Journal of Peacebuilding. 1(1): 4-18.
21. Strate, Lance (1999). **The Varieties of Cyberspace: Problems in Definition and Delimitation**. Western Journal of Communication. 63 (3): 382-412.
22. http://www.oxforddictionaries.com/us/definition/american_english/cyberspace
23. <http://www.duas.org>
24. www.shaisearch.net

دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل (با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی)

نویسندگان: سجاد بخشی‌نژاد (ایران)^۱، رضا اقامتی گشتی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۸

دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۵

چکیده

امروزه تعریف حیات بشر تغییر یافته و به دو بخش مجازی و حقیقی تقسیم شده است؛ به نحوی که فضای مجازی مبدل به جزء جدانشدنی زندگی مردم جهان معاصر گردیده است. در این میان، شبکه‌های اجتماعی با کارویژه گردش آزاد اطلاعات- به عنوان بستری جهت زیست مجازی آحاد ملت‌ها- مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته است که اهمیت این بستر، زمانی بهتر درک خواهد شد که بدانیم فضای مجازی در عصر معاصر، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار دیپلماسی عمومی در روابط بین‌الملل توسط حکومت‌ها جهت رسیدن به اهداف متنوع خود به کار گرفته می‌شود و از آن‌جا که فضای مجازی و به طور خاص شبکه‌های اجتماعی بستر گردش آزاد اطلاعات را فراهم نموده‌اند، استفاده از این بستر ضروری می‌نمایاند. از طرف دیگر، انقلاب اسلامی ایران به عنوان خیزشی با ابتدای فطری، بیشتر از هر حکومتی نیاز به نشر اهداف و آرمان‌های خود جهت تخاطب با مردم جهان را دارد و این در حالی است که جبهه مقابل انقلاب، حداکثر استفاده را از این عرصه جهت رسیدن به اهداف خود می‌نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش نموده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صحت این فرضیه را ارزیابی نماید که فضای مجازی و- مشخصاً- شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی مورد توجه قرار گیرد و نیز راهکارهایی را به منظور استفاده حداکثری از این بستر در جهت

۱. کارشناس ارشد گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران،

sajad.b.137@gmail.com

۲. کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران،

Reza.eghamati@gmail.com

نشر اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی با جذب مخاطبان بین‌المللی در بستر شبکه‌های اجتماعی بررسی و ارائه نماید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی مجازی، روابط بین‌الملل، شبکه‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی

مقدمه

سیاست بین‌الملل، علی‌رغم توسعه و تکامل خود، هنوز نتوانسته قدیمی‌ترین مشکل روابط بین‌الملل یا جنگ و خونریزی را به طور کامل مهار کند و صلح و امنیت را به ارمغان بیاورد؛ ازاین رو، دیپلماسی شیوه مسالمت‌آمیز حل تعارضات و اختلافات بین‌المللی - همواره - مورد پذیرش بوده است؛ به طوری که با افزایش مناسبات و تعاملات ملت‌ها و دولت‌ها از یک سو و افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی در سطح بین‌الملل و رشد افکار عمومی، کاربرد شیوه‌های دیپلماتیک، افزایش یافته است.

دیپلماسی به عنوان ابزار سیاست خارجی، فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی دولت‌هاست. این واژه در مفهوم کلاسیک خود دارای سه رکن اصلی سیاسی، اقتصادی و امنیتی است و سپس رکن چهارمی به آن اضافه گردید - رکن فرهنگی - که سابقه‌ای به مراتب کمتر از ارکان دیگر دیپلماسی دارد. (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

در حال حاضر برای دیپلماسی، این چهار رکن را در نظر گرفته‌اند و از ارکان فرعی بی‌شماری برای آن سخن می‌گویند؛ از جمله دیپلماسی دفاعی و رسانه‌ای.

تغییر شرایط و مطرح شدن مؤلفه‌های جدید و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی باعث شده تا کشورها برای پیشبرد هر چه بهتر منافع ملی خود ابزارها و سیاست‌های جدیدی به کار ببرند؛ بر این اساس، انقلاب ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی از یک طرف و فعال شدن بازیگران غیر دولتی - مانند سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای مدنی و شرکت‌ها - منجر به نقش یافتن بیش از پیش افکار عمومی به عنوان یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری‌های کشورها در حوزه‌های گوناگون شده است.

دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل / ۱۰۳

بنابراین، کشورها نمی‌توانند هم‌چون گذشته -تنها- بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند. این امر موجب شده در بسیاری از کشورها سازوکار جدیدی برای دستگاه دیپلماسی تعریف گردد که یکی از آن‌ها دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود. (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۸۷)

رشد سریع تکنولوژی‌های ارتباطی اعم از انواع تلویزیون‌های ماهواره‌ای و کابلی، فیبر نوری و ارتباطات بی‌سیم و ناتوانی دستگاه‌های رسمی دیپلماتیک در رقابت با رسانه‌ها، دولت‌ها را با این واقعیت روبه‌رو ساخته که شکل جدیدی از دیپلماسی با استفاده از فضاهاى مجازی وارد عرصه معادلات روابط بین‌الملل شده است؛ لذا فضاهاى مجازی به واسطه ماهیت غیر قابل کنترل آن، پدیده‌ای است که می‌توان از آن به عنوان عنصری استراتژیک و تعیین کننده در عرصه بین‌الملل استفاده نمود، پدیده‌ای که هر روز صفحه جدیدی به آن اضافه می‌شود و همه عرصه‌های زندگی بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ پس این نوع دیپلماسی به آینده نظر دارد. برخی متخصصین روابط بین‌الملل، فعالیت‌های مناسب و مؤثر دیپلمات‌ها در عرصه فعلی را تنها با اتخاذ سازوکارهای نو مبتنی بر فناوری‌های نوین با عنوان دیپلماسی موفق می‌دانند.

دیپلماسی مؤثر نیز اصطلاحی دیگر است که نیاز انطباق دیپلماسی با تحولات محیطی در راستای اهدافش را نمایان می‌کند؛ امری که جز با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ابزارهای ارتباطی پیشرفته کسب اطلاعات و پردازش روشمند آن در تبدیل به دانایی اثربخش، برای اقدام مؤثر و به‌هنگام -درمرزهایی فراتر از محدوده‌های سنتی و غیر کارآمد- ممکن نیست. (گنجی دوست، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

بر این اساس، درک کامل دیپلماسی نوین بدون توجه به مفهوم دیپلماسی مجازی^۱ غیر ممکن است؛ منطق این نوع دیپلماسی نیز سه وجهی است:

۱. اعتمادسازی و حرکت بر روی موج افکار عمومی جهانی در جهت تأمین

منافع ملی کشور؛

۲. استناد به مردم و تسهیل ارتباط با افکار عمومی و نخبگان جهانی؛

۳. ایجاد تسهیلاتی در راستای تأمین منافع ملی.

مطابق با این وجوه سه‌گانه، سطح تماس دیپلماسی مجازی زیاد است و حیطة نفوذ آن نیز فردفرد مردم هستند تا جامعه؛ هم‌چنین کشور طراح مجازی دیپلماسی با بهره‌گیری از ایجاد رابطه عاطفی با مخاطبان خارجی، راحت‌تر یک طرح بین‌المللی را در جهت کسب امتیازات ملی خود طراحی و اجرا نموده و پیامدهای بین‌المللی آن را برداشت می‌کند؛ (خرازی آذر، ۱۳۹۲: ۶۳) لذا دیپلماسی مجازی می‌تواند منبع و منشأ قدرت تلقی گردد.

از نظر جوزف نای^۲ قدرت به معنی توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است؛ به گونه‌ای که موجب اتفاق افتادن آن چیزی شود که می‌خواهیم؛ لذا- به طور خاص- قدرت قابلیت نفوذ در رفتار دیگران برای دستیابی به نتایج دلخواه است.

در این تعریف، قدرت به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. قدرت نرم^۳: ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست، نهادها، تنظیم اولویت‌ها و جذب مخاطب؛

۲. قدرت سخت^۴: نظامی و اقتصادی.

1. Cyber Diplomacy

2. Joseph Nye

3. Soft Power

4. Hard Power

به تعبیر نای، فضای مجازی ابزار قدرت نرم و قدرت نرم نیز مرجع تولید فضای مجازی شده است. (خانیک‌کی و بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲: ۴۹)

در تعریفی دیگر، کاستلز^۱ - بر اساس تعریف خود از قدرت - چهار شکل قدرت در شبکه‌ها را از هم متمایز می‌سازد:

۱. قدرت شبکه‌بندی؛

۲. قدرت شبکه؛

۳. قدرت شبکه‌ای؛

۴. قدرت شبکه‌سازی. (Castells, 2009: 42-47)

هم‌چنین در عصر جهانی شدن، کشورهایی که دارای فناوری‌های ارتباطی جدید و برتر باشند، بر جریان‌های جهانی اطلاعات کنترل دارند؛ پس اگر از رسانه‌های جهان‌گستر نیرومندی برخوردار باشند، می‌توانند تصویر برتر بین‌المللی خود را القا کنند؛ لذا قدرت جهانی یک کشور به توانایی دیپلماسی رسانه‌ای او ارتباط می‌یابد و به همین دلیل سیاست خارجی باید جهت موفقیت در فرایند جهانی شدن همراه با نقش دیپلماسی رسانه‌ای از فناوری‌های جدید اطلاعات ارتباطی نیز سود ببرد. (سلطانی‌فر و خانزاده، ۱۳۹۲: ۵)

بنابراین - در عصر معاصر - زندگی از عوامل فراوانی اثر می‌گیرد که یکی از آنها جهانی شدن^۲ و به تبع آن ارتباطات و رسانه‌های همه‌گیر است که به صورت روزافزون، حوزه خصوصی و عمومی را درهم تنیده است و سبب می‌شود خود و دیگری در تعامل و مواجهه چندجانبه با هم قرار بگیرند؛ در نتیجه و از سویی گستره کنش فرهنگی و هویتی سوژه‌ها وسیع‌تر می‌شود و از سوی دیگر، نوعی نظارت

1. Manuel Castells
2. Globalization

چندفرهنگی در عرصه‌های فراقلمرویی شکل می‌گیرد. به بیان ساده- در عصر جهانی شدن- شبکه‌های ارتباطی تودرتو با لایه‌های بسیار به وجود آمده که در آن سوژه‌ها با یکدیگر کنش متقابل دارند.

به نظر می‌رسد در این فضای ارتباطی جدید، فرهنگ‌های گوناگون بر اساس منطق تفاوت مقابل هم قرار می‌گیرند که گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت دین، یکی از این فرهنگ‌هاست که بُعد دیگری از قدرت را به منصف ظهور رسانیده و با درهم آمیختن جنبه‌های ربانی و معنوی به عنصری تعیین کننده در حوزه عمومی بین‌المللی بدل شده است. (توانا و علی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۸)

پیشینه تحقیق

جان تامپسون^۱ از پژوهشگران مطرح در زمینه مطالعات فرهنگی میان رشته‌ای است که در اثر «ایدئولوژی و فرهنگ مدرن» خود با سبک تحلیلی، تحولات اجتماعی را از منظر فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد.

اثر دیگر او «رسانه و مدرنیته» است که اثری جامع در زمینه رسانه‌ها و مطالعات فرهنگی است. از نظر او تحول و توسعه رسانه‌های ارتباطی، ترکیب و سرنوشت زندگی اجتماعی را تغییر شکل داده و اشکال جدیدی از تعامل و عمل را به وجود آورده است. او معتقد است تحول رسانه‌های ارتباطی از نخستین اشکال چاپ تا گونه‌های اخیر ارتباط الکترونیکی، جزئی از ظهور و تحول جوامع مدرن بوده و قوام‌بخش پدیده‌ای است که آن را مدرنیته^۲ می‌خوانیم.

آلوین تافلر^۳ به عنوان- یک پژوهشگر رسانه‌ای- نشان می‌دهد که چگونه رسانه از یک ابزار ساده به شکل پیشرفته به ابزار سیاسی قدرت تبدیل می‌شود. او رسانه‌ها را

-
1. John Thompson
 2. Modernity
 3. Alvin Toffler

دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل / ۱۰۷

کارپرداز قوی، سریع و گسترده در روابط قدرت معرفی می‌کند؛ لذا صاحبان قدرت به آن توجه دارند و برای ثبات داخلی و توسعه نفوذ خارجی از قدرت رسانه‌ها بهره می‌گیرند. (تامپسون، ۱۳۸۰: ۹۵)

ویلیامسون^۱ (۲۰۱۰-) در مقاله‌ای- سیاست خارجی انگلستان در فضای مجازی را با رویکرد حضور در مرز دیپلماسی مورد مطالعه قرار داده است. این مقاله به بررسی هشت مسئله مجازی و کلیدی پرداخته که در حال حاضر از دغدغه‌های اصلی دیپلمات‌ها محسوب می‌شود. این هشت مسئله شامل جرم و جنایت، جاسوسی، تروریسم، جنگ، حکومت، تجزیه شدن، اسناد و آزادی هستند؛ همچنین، این مقاله به بحث درباره موضوع بازیگران اصلی تنش در بین بریتانیا، چین، روسیه و اهداف سیاست خارجی ایالات متحده در فضای مجازی می‌پردازد.

خرازی آذر و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران» به بررسی تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی بر دیپلماسی پرداخت‌اند. در این تحقیق، ضمن نشان دادن تأثیر عمیق این فناوری‌ها بر دیپلماسی، بیان می‌شود که در ایران نیز رسانه‌ها بر دیپلماسی تأثیرگذارند؛ اما به دلیل این‌که دستگاه‌های دیپلماسی کشور در تصویرسازی و ارائه اطلاعات دیپلماتیک به رسانه‌ها مقاومت می‌کنند، رسانه‌ها را باور ندارند و قدرت تأثیرگذاری آن‌ها را نمی‌شناسند. علاوه بر آن، رسانه‌ها نیز از تأثیرگذاری و اعتماد لازم در میان مخاطبان خود برخوردار نیستند؛ لذا با تأخیر به این نوع دیپلماسی روی آورده و از آن در راستای تأمین و حفظ منافع ملی در روابط دیپلماتیک بهره می‌گیریم.

1. Martin Williamson

ساداتی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «دیپلماسی رسانه‌ای و نقش آن در روابط بین‌الملل» دو مدل دیپلماسی رسانه‌ای و رویکرد دیپلماسی به رسانه را بیان می‌کند. در مدل اول دیپلماسی آشکار، دیپلماسی درهای بسته و یا دیپلماسی سری به محدودیت‌های اعمالی از سوی مقامات رسمی بر پوشش رسانه‌ها و میزان قرار گرفتن مذاکرات در معرض دید رسانه‌ها و افکار عمومی می‌پردازد و در مدل دوم، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی میانجی‌گری رسانه‌ای است که به موضوع استفاده گسترده از رسانه‌ها به وسیله مقامات رسمی و گاهی به وسیله روزنامه‌نگاران برای پیشبرد مذاکرات مرتبط هستند.

در پایان نیز نشان می‌دهد دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان ساختار قدرت جهانی در سیاست خارجی یکی از کم‌خطرترین راه‌ها برای متعهد کردن مخاطبان خارجی است؛ هم‌چنین ساخت روابط قوی و پیمان‌های طولانی مدت و پایدار با بهره‌برداری از تاکتیک‌های جزئی و رسانه‌ای از ویژگی‌های دیپلماسی رسانه‌ای است.

مبانی نظری پژوهش

به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران حوزه رسانه-اینترنت-فضایی مناسب برای تحول روابط میان دولت‌ها، فرهنگ‌ها و نسل‌ها است که این تحول در چارچوب کنش‌های متقابل افراد در فضاهای مجازی، مباحث آنلاین در اتاق‌های گفتگو، گروه‌ها یا سرویس‌های خبری و وبلاگ‌ها شکل می‌گیرد و ارتباطات جمعی یک‌طرفه پایان می‌یابد.

اینترنت به دلیل تمرکززدایی و برقراری نوع خاصی از ارتباطات با حذف و سانسور کم، اسباب گمنامی فرد در فضای مجازی را فراهم نموده و از این طریق باعث ایجاد شکل جدیدی از حوزه عمومی می‌شود. این نوع رسانه به افراد امکان می‌دهد در روش‌های زندگی خود تحول ایجاد کنند و با چون و چراهای رسانه‌ها به

تجربیات مطلوبی دست یابند و با درک جدیدی از جهان با طرز نگرش و نگاه نوینی به مسائل جهان و پیرامون آن بنگرند.

بر این اساس، امکانات و خدمات اینترنتی در بخش سیاسی جوامع به طور نسبی توسعه یافته و آشکارتر از سایر بخش‌ها است؛ چرا که حضور بافت سیاسی جامعه و حضور ساخت حکومت و ارگان‌های سیاسی در همه شئون و اجزای جامعه از ضروریات اولیه حکومت است.

ارتباطات دور- از نظر سیاسی- اشراف حکومت و دولت را به مردم، تشکل‌های سیاسی، گروه‌های فشار، احزاب و انجمن‌ها تحقق می‌بخشد و از طرفی، به فرهنگ سیاسی جامعه و ارتقای سطح کیفی آن کمک شایانی می‌کند. (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵)

در ادامه به برخی از مهم‌ترین رویکردها در این حوزه اشاره می‌شود:

- مانوئل کاستلز

کاستلز در میان نویسندگان متأخر- از همه بیشتر- به برخی از ویژگی‌های سیاسی مهم فرهنگ‌های رسانه‌ای معاصر پرداخته است. او اعلام می‌دارد توسعه رسانه‌های جدید، تنوع‌بخشی به پیام‌های رسانه‌ای، انفجار درونی سیاست و رسانه‌ها و ترویج اقتضاحات سیاسی- همگی- آثار دامنه‌دار بر حوزه عمومی داشته‌اند. (استیونسن، ۱۳۸۴: ۸۸)

بررسی ساختارهای اجتماعی نوظهور در حوزه‌های مختلف فعالیت و تجربه انسانی، بشر را به نتیجه‌ای فراگیر رهنمون می‌سازد. به عنوان روندی تاریخی، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات هر روز- بیش از پیش- پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابند. شبکه‌ها، چهره اجتماعی جدید جوامع را تشکیل می‌دهند و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کنند؛ در حالی که شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته است و پارادیم نوین تکنولوژی اطلاعات

بنیان مادی، گسترش فراگیر آن را در سرتاسر ساختار اجتماعی فراهم می‌آورد؛ علاوه بر این، منطق شبکه‌ای فعلی، عزمی اجتماعی ایجاد می‌کند که مرتبه آن از سطح منافع اجتماعی به خصوصی که از طریق شبکه بیان شده، فراتر است؛ لذا قدرت جریان‌ها از جریان‌های قدرت پیشی می‌گیرد. غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها نیز منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه هستند؛ لذا جامعه‌ای را می‌توان شبکه‌ای نامید که ویژگی آن برتری ریخت اجتماعی بر کنش اجتماعی است. (کاستلز، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۹۵)

شبکه‌ها ساختارهایی باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را در درون خود پذیرا شوند تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند؛ یعنی مادامی که از کدهای ارتباطی مشترک مثل ارزش‌ها یا اهداف کارکردی استفاده می‌کنند.

یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم باز و پویایی است که بدون این‌که توازن آن با تهدیدی روبرو شود، توانایی نوآوری دارد. شبکه‌ها ابزار مناسبی برای فعالیت‌های مختلف هستند؛ از جمله برای اقتصاد سرمایه‌داری که مبتنی بر نوآوری، جهانی شدن و تراکم غیر متمرکز است، برای کار و کارگران و شرکت‌های متکی به انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق، برای فرهنگ متکی به ساخت‌شکنی و تجدید ساختار بی‌پایان برای حکومتی که با پردازش فوری ارزش‌ها و حالات عمومی جدید سازگار شده و برای سازمانی اجتماعی که در پی الغای مکان و نابودی زمان است. (کاستلز، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۱۰۰)

نظریات کاستلز در آخرین کتابش با عنوان «قدرت ارتباطات»، چارچوب مفهومی رویکرد او را تشکیل می‌دهد. کاستلز در این کتاب بر نقش شبکه‌های ارتباطی در قدرت‌سازی در جامعه و به ویژه قدرت سیاسی تأکید می‌کند. او قدرت را این‌طور تعریف کرده است:

ظرفیتی رابطه‌ای است که یک کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد به گونه‌ای ناهم‌سنگ و از راه‌هایی که خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های کنشگران صاحب قدرت را برآورده سازد، بر تصمیمات سایر بازیگران یا کنشگران اجتماعی تأثیر گذارد. قدرت، یا با اجبار و تحمیل - و یا امکان بروز آن - معنا می‌یابد و یا از طریق مفهوم‌سازی بر مبنای گفتمان‌هایی که کنشگران اجتماعی عملکردشان را با توجه به آن گفتمان‌ها هدایت می‌کنند. روابط قدرت بر مبنای حاکمیت شکل می‌گیرد و این همان قدرتی است که درون نهادهای جامعه تعیبه شده است. ظرفیت رابطه‌ای قدرت، مشروط به ظرفیت ساختاری حاکمیت است؛ اما به واسطه آن تعیین نمی‌شود. (خانیکی و بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲: ۵۵)

- مارشال مک‌لوهان^۱

یکی از این ظرفیت‌های نوظهور در فضای مجازی که امکان تشکیل اجتماع‌های مجازی را فراهم می‌کند، شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که از نیروی پیشرونده در تغییرات اجتماعی و سیاسی جوامع محسوب می‌شوند. در دهه‌های پایانی قرن بیستم و با وقوع انقلاب اطلاعات و گسترش روزافزون دسترسی جوامع مختلف به اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، کوشش‌های نظری بسیاری صرف یافتن الگوی مناسب برای مطالعه اینترنت، ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن شد.

مک‌لوهان استدلال می‌کند که رسانه‌های هر عصر، ماهیت جامعه آن عصر را تعیین می‌کنند. از نظر او پیشرفت هر جامعه‌ای هم‌زمان با رشد فناوری بوده است.

1. Marshal McLuhan

جوامع انسانی از رسانه‌ها و فناوری- از حروف الفبای اینترنت- اثر پذیرفته و بر آن‌ها اثر نهاده‌اند. وی رسانه‌های ارتباطی را عصاره می‌داند و معتقد است که تاریخ از طریق رسانه‌های غالب در هر عصر و زمانی هدایت می‌شود. رسانه‌ها آن‌چه را در یک دوره تاریخی اتفاق می‌افتد و با اهمیت به نظر می‌رسد، تعیین می‌کنند؛ هم‌چنین فناوری ارتباطات، جهان را به صورت یک دهکده جهانی در آورده است. امروز اینترنت تعداد زیادی از دهکده‌های جهانی با اجتماعات مجازی را به وجود آورده است که فاقد محدودیت زمان و مکان هستند. (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱)

- اروینگ گافمن^۱

نظریه گافمن درباره خودهای کنشگر در صحنه نمایشی عمومی با سوژه‌های کنشگر در عرصه مجازی فراقلمرویی قابل مقایسه است. او در کتاب «زندگی روزانه»- خود- را حاصل کنش نمایشی می‌داند که در تعامل با دیگری تصویری از خود ارائه می‌دهد که با خود واقعی وی متفاوت است. (ریتزر^۲، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

به بیان ساده، گافمن هویت سوژه را حاصل وضعیت نمایشی می‌داند که در آن، خود و دیگری به تصویرسازی از یکدیگر می‌پردازند؛ لذا خود تولید شده، محصولی از کنش متقابل نمادین است. (همان: ۲۹۵) بر این اساس، فرد می‌کوشد آن جنبه از شخصیت خود را به نمایش بگذارد که مورد اقبال دیگران واقع می‌شود. از دیدگاه گافمن افراد بشری در هاله‌ای از نقاب‌های اجتماعی زیست می‌نمایند تا متناسب با محیط و موقعیتی که در آن قرار می‌گیرند نقاب مربوط به کنش خاص محیطی را بپوشند؛ یعنی فرد در واکنش به موقعیت و محیطی که در آن قرار می‌گیرد، خود را به نمایش می‌گذارد.

1. Erving Goffman

2. Ritzer

دییلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل / ۱۱۳

به اعتقاد گافمن فشارهای ساختار حاکم و شرایط و بسترهای غیر منعطف اجتماعی باعث می‌شود تا فرد، حامل این نقاب‌های اجتماعی باشد. (ایمان و مرادی، ۱۳۹۰: ۶۵)

- یورگن هابرماس^۱

هابرماس در کتاب «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی» به تبیین پیدایش تاریخی اجتماعی افکار عمومی طبقه متوسط و بورژوا و استقلال نسبی آن از سلطنت مطلقه در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم می‌پردازد. از دیدگاه وی، حوزه عمومی - بورژوایی - در وهله اول قلمرویی بود که در آن افراد خصوصی گرد هم می‌آمدند و عموم را شکل می‌دادند تا این‌که به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیر سیطره خود درآورند و اقتدار آن را به چالش بکشند.

به عبارت دیگر، رسالت رسانه ذهنیت‌سازی، انگاره‌پردازی، گفت‌وگو سازی و تولید قدرت است. در جهانی که به طور فزاینده پیچیده می‌شود و در جایی که پیشامدها و رخداد‌های دوردست پر اهمیت می‌شوند، انسان سیاسی برای معنا کردن جهان به رسانه‌ها وابسته می‌شود.

بر این پایه، رسانه‌ها به عنوان بخشی از ارتباطات جدید اجتماعات، هویت جوامع را شکل می‌دهند؛ (محسنیان راد، ۱۳۸۲: ۱۳) هم‌چنین رسانه‌ها از رهگذر انتقال ارزش‌ها و به چالش کشاندن ایدئولوژی حاکم، گسترش و انتقال اخبار و اطلاعات در جامعه و ارائه واقعیت‌ها به اشکال خاص، در شکل‌دهی به آگاهی عمومی نقش می‌آفرینند. (علیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶)

نانسی فریزر^۲، مفهوم حوزه عمومی هابرماس را این‌گونه تعریف کرده است:

-
1. Jürgen Habermas
 2. Nancy Fraser

این مفهوم، تناتری را در جوامع مدرن مشخص می‌کند که در آن مشارکت سیاسی از طریق گفتگو اجرا می‌شود. حوزه عمومی فضایی است که در آن، شهروندان درخصوص امور مشترک خود گفتگو می‌کنند و از این رو، عرصه نهادینه کنش متقابل گفتگویی است. (کیویستو، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

هابرماس معتقد است برای رهایی از وضعیت سلطه و فضای اقتدار- نخست- باید حوزه عمومی دوباره بازسازی شود و این امر مستلزم تفکیک نقش‌های دولت و بخش‌های خصوصی است که در حال حاضر به نحو پیچیده‌ای در هم گره خورده‌اند؛ سپس توصیه می‌کند روابط قدرت از فضای حوزه عمومی که می‌بایست فضای رقابت آزاد و غیر جبری انسان‌ها باشد، برچیده شود؛ چرا که شرم مقدور شدن گفتگوی آزادانه که محرک رسیدن به آزادی است، حذف عناصر اقتدار و اجبار از عرصه گفتگو می‌باشد.

با شکل‌گیری چنین محیطی، عقلانیت ارتباطی با کنار زدن عقلانیت ابزاری و راندن آن به حاشیه، فرصت گستراندن خصوصیات خود را در سطح جامعه پیدا کرده و گروه‌ها و افراد را در موقعیت ترویج ایده‌ها و آرای خود قرار می‌دهد. این همان چیزی است که هابرماس از آن به عنوان دموکراسی رایزنانه یا گفتگویی یاد می‌کند. (ریتزر، ۱۳۸۸: ۲۱۳)

دموکراسی رایزنانه هابرماس، بر اساس عقلانیت ارتباطی بنا شده است. به اعتقاد او، مباحثه آزاد در حوزه عمومی از انحرافات عقلانیت ابزاری باززدایی شده و شناخت آن، بر علایق فنی قرار داده شده است. بالندگی، تعاملات و کنش‌های بازیگران اجتماعی در وضعیت آرمانی گفتار، راه نجاتی برای انسان فراهم می‌سازد. (حاجی‌زاده و هرسیچ، ۱۳۸۹: ۸۱)

رسانه و امکانات ارتباطی که چنین بستری را برای این نیروها شکل داده‌اند، از وجوه عقلانیت ارتباطی محسوب می‌شوند؛ چرا که بر پایه گفتگو و تعامل مسالمت‌آمیز قرار دارند. به این ترتیب، نیروهای مخالف دولت در حوزه عمومی مجازی، سازمان می‌یابند و مبارزات خود علیه اقتدار و سلطه را در فضای مجازی دنبال می‌کنند. هابرماس گفتاری را مطلوب می‌داند که ضمن مفهوم بودن و داشتن قضایای منطقی، مبتنی بر صداقت باشد.

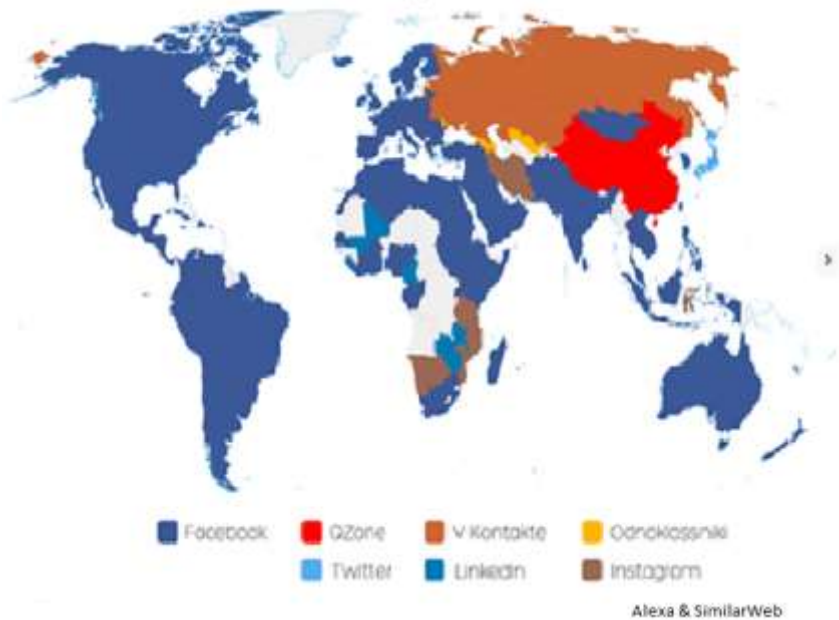
در نظام دموکراسی - بویژه دموکراسی گفتگویی هابرماس - ارتباطات سیاسی، اهمیت تعیین کننده‌ای در عملکرد آن دارند؛ چرا که سازوکار ارتباطات، اطلاعات مناسب را به لحاظ سیاسی، از یک بخش نظام سیاسی به بخش‌ها و قسمت‌های دیگر انتقال می‌دهند و هر چند ارتباطات سیاسی، میان نظام‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند؛ اما از طرق مختلفی باعث منسجم شدن عملکرد آن‌ها می‌شوند. (راش، ۱۳۸۸: ۱)

شبکه‌های اجتماعی

از آغاز قرن اخیر، رسانه‌های اجتماعی مجازی که گونه‌ای از وب محسوب می‌شوند - در رتبه‌بندی پایگاه ال‌کسا^۱ - همواره جزو جذاب‌ترین و پرمخاطب‌ترین گونه‌های رسانه‌ها اینترنت پایه بوده‌اند؛ این محبوبیت به گونه‌ای است که در سال ۲۰۱۳ میلادی نیز از ده وبسایت برتر جهان - در فهرست ال‌کسا - هفت مورد جزو وبسایت‌های شبکه اجتماعی هستند. (خانیک‌کی و بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲: ۴۶)

نقشه پراکندگی شبکه‌های اجتماعی در جهان

January 2017



اخبار زیادی از ژانویه ۲۰۱۷ میلادی وجود دارد که فیسبوک^۱ - هم‌چنان - شبکه اجتماعی پیشرو در ۱۱۹ کشور از ۱۴۹ کشور مورد تجزیه و تحلیل است؛ اما در ۹ منطقه توسط ادنوکلاسنیکی^۲، وی‌کی^۳ و لینکدین^۴ و نیز در ژاپن و چین متوقف شده است.

-
1. Facebook
 2. Odnoklassniki
 3. Vkontakte
 4. LinkedIn

در ژاپن، تویتر^۱ به طور عمده شبکه اجتماعی غالب است؛ چون استاندارهای حریم خصوصی را فراهم نموده است؛ اما فیسبوک از لحاظ حفظ حریم خصوصی مورد اعتماد مردم ژاپن نیست.

کیوزون^۲ چینی، بزرگترین شبکه اجتماعی در آسیا است که امروزه بیش از ۶۵۳ میلیون کاربر دارد و- احتمالاً- این روند را برای مدت طولانی ادامه خواهد داد؛ چون فیسبوک در چین ممنوع است.^۳

در بعضی کشورها نیز- مانند بوتوانا، موزامبیک، نامیبیا، ایران و اندونزی- اینستاگرام^۴ پیشتاز است و برخی از مناطق آفریقایی لینکدین را ترجیح می‌دهند. به طور کلی ۹ کشور لینکدین را دنبال می‌کنند، ۷ کشور اینستاگرام را و در کشوری مثل روسیه، وی‌کی و ادنوکلانسیکی فعال هستند.

بنا به بررسی انجام شده در ۱ جولای ۲۰۱۷ میلادی و بر اساس آمار مربوط به چهار وب‌سایت رتبه‌بندی الکسا، کامپیت^۵، کوانتاکست^۶ و ای‌بیز ام.بی.آی^۷، فهرست محبوب‌ترین و پرمخاطب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در دنیا عبارت هستند از: ۱. فیسبوک؛ ۱'۵۰۰'۰۰۰'۰۰۰ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۳ در ای‌بیز ام.بی.آی، رتبه ۲ در سیمیلار وب^۸، رتبه ۵ در کوانتاکست و رتبه ۳ در الکسا.

-
1. Twitter
 2. QZone
 3. <https://www.dreamgrow.com/world-map-of-social-networks/>
 4. Instagram
 5. Compete
 6. Quantactast
 7. eBizMBA
 8. Similar Web

۲. یوتیوب^۱؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۳ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۳ در سیمیلار وب، رتبه ۲ در کوانتاکست ورتبه ۴ در الکسا.
۳. توئیتر؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۱۱ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۷ در سیمیلار وب، رتبه ۱۱ در کوانتاکست ورتبه ۱۶ در الکسا.
۴. اینستاگرام؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۲۶ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۱۵ در سیمیلار وب، رتبه ۴۵ در کوانتاکست ورتبه ۱۸ در الکسا.
۵. لینکدین؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۲۶ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۳۸ در سیمیلار وب، رتبه ۱۷ در کوانتاکست ورتبه ۲۲ در الکسا.
۶. ردیت^۲؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۳۰ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۲۸ در سیمیلار وب، رتبه ۴۵ در کوانتاکست ورتبه ۱۷ در الکسا.
۷. وی کی؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۳۲ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۵ در سیمیلار وب، رتبه ۷۵ در کوانتاکست ورتبه ۱۵ در الکسا.
۸. تامبلر^۳؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۳۹ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۴۰ در سیمیلار وب، رتبه ۳۰ در کوانتاکست ورتبه ۴۸ در الکسا.
۹. پینترست^۴؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۴۰ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۳۹ در سیمیلار وب، رتبه ۱۳ در کوانتاکست ورتبه ۶۷ در الکسا.
۱۰. گوگل پلاس^۵؛ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۴۲ در ای بیز ام بی.آی، رتبه ۵۰ در سیمیلار وب، رتبه ۳۰ در کوانتاکست ورتبه ۴۵ در الکسا.

-
1. YouTube
 2. Reddit
 3. Tumblr
 4. Pinterest
 5. Google Plus

۱۱. فلیکرا؛ ۸۰،۰۰۰،۰۰۰ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۲۱۹ در ای‌بیز ام.بی.آی، رتبه ۱۴۴ در سیمیلاروب، رتبه ۱۴۷ در کواتاکست ورتبه ۳۶۷ در الکسا.
۱۲. میت‌آپ؛ ۴۲،۰۰۰،۰۰۰ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۵۷۹ در ای‌بیز ام.بی.آی، رتبه ۷۶۰ در سیمیلاروب، رتبه ۳۱۲ در کواتاکست ورتبه ۶۶۶ در الکسا.
۱۳. اسک.اف.ام؛ ۴۰،۰۰۰،۰۰۰ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۵۸۵ در ای‌بیز ام.بی.آی، رتبه ۲۸۲ در سیمیلاروب، رتبه ۹۱۹ در کواتاکست ورتبه ۵۵۵ در الکسا.
۱۴. لیوژورنال؛ ۳۷،۰۰۰،۰۰۰ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۶۴۸ در ای‌بیز ام.بی.آی، رتبه ۲۷۷ در سیمیلاروب، رتبه ۱۴۱۵ در کواتاکست ورتبه ۲۵۲ در الکسا.
۱۵. مای اسپیس؛ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ تخمین بازدیدکنندگان ماهیانه، رتبه ۲۵۳۱ در ای‌بیز ام.بی.آی، رتبه ۲۶۶۸ در سیمیلاروب، رتبه ۱۷۲۸ در کواتاکست ورتبه ۳۱۹۷ در الکسا.

با توجه به آمار ارائه شده، بررسی این پرسش ضروری است که:

- کاربران ایرانی تا چه اندازه از این شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و یا کدامیک از شبکه‌های اجتماعی با کارکرد فرامرزی- در کشور- استفاده می‌شود؟

در داخل کشور، شبکه اجتماعی تلگرام^۶ با ۱۷ میلیون نصب فعال رتبه اول و بعد از آن اینستاگرام با ۱۵ میلیون نصب فعال در رتبه دوم قرار دارد.

بر این اساس، غالب مردم ایران در حباب شبکه اجتماعی تلگرام مشغول به تبادل پیام بوده و در جزیره و حباب تلگرام فقط با مخاطبین ایرانی مواجه‌اند؛

-
1. Flickr
 2. MeetUp
 3. Ask.fm
 4. LiveJournal
 5. Myspace
 6. Telegram

در حالی که برای تأثیرگذاری بر مخاطبین غیر ایرانی، نیاز به شناسایی و برقراری ارتباط در سایر شبکه‌های اجتماعی که مورد استفاده جامعه هدف انقلاب اسلامی است، می‌باشد. شاید به همین دلیل است که -عموماً- شناخت درستی از ایران و به ویژه انقلاب اسلامی در اذهان جوامع غیر ایرانی مشاهده نمی‌شود.

کارکرد شبکه‌های اجتماعی

به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران حوزه رسانه، اینترنت به عنوان یکی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، فضایی مناسب برای تحول روابط میان دولت‌ها، فرهنگ‌ها و نسل‌ها است که این تحول در چارچوب کنش‌های متقابل افراد در فضاهای مجازی، مباحث آنلاین در اتاق‌های گفتگو، گروه‌ها یا سرویس‌های خبری و وبلاگ‌ها شکل می‌گیرد و ارتباطات جمعی یک‌طرفه پایان می‌یابد. (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴)

فناوری‌های نوین اطلاعاتی از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، آسیب‌پذیری‌های دولت را افزایش داده‌اند. گزارش دولت سوئد به نام گزارش تنگلاین تأکید می‌کند که خطرات عمده جامعه‌ای شبکه‌ای می‌تواند حیات کشورها را تهدید کند؛ چرا که اینترنت، افراد و گروه‌ها را از اقصی نقاط دنیا به هم متصل می‌سازد و اطلاعات ارتباطی را مبادله می‌سازد که این اطلاعات نیز می‌تواند حاکمیت و امنیت نظام سیاسی را تهدید کند؛ البته -تنها- اینترنت پدیده خطرناکی برای دولت‌ها نیست، هم‌چنان که تجربه‌های پیشین نشان دهنده حساسیت کشورها و دولت‌ها به عملکرد رادیو و تلویزیون است. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۱۳)

جامعه اطلاعاتی جهانی تا حد زیادی مفهوم امنیت را تغییر داده و این تغییر، همان ایجاد نوعی فضای مجازی تهدید برای اغلب کشورهاست. (Eriksson

and Giacomelli, 2007:3

در همین زمینه جوزف نای در تازه‌ترین اثر خود با عنوان «آینده قدرت»، این استدلال را مطرح می‌کند که در دنیای اطلاعات که مبتنی بر عدم امنیت در فضای مجازی است، توزیع قدرت در قیاس با انتقال قدرت می‌تواند تهدید بزرگتری برای دولت‌ها باشد. (Nye, 2011: 113)

بنابراین، می‌توان کارکرد شبکه‌های اجتماعی را تا برپایی انقلاب و تهدید حاکمیت دولت‌ها متصور شد که نمونه‌های تاریخی متعددی شاهد این مدعا است. به عنوان مثال؛ در انقلاب‌های عربی شاهد بودیم که جوانان پست‌مدرن و شبکه‌ای عرب، چگونه خیابان‌های کشورهای عربی را به تسخیر خود درآوردند. جنبش انقلابی ۱۷ فوریه جوانان لیبی و بنغازی، انقلاب تغییر یمن، جنبش اصلاح‌گرایانه ۲۰ فوریه مغرب و حتی جنبش اعتراضی در اردن هاشمی نیز همگی متأثر از شبکه‌های اجتماعی مجازی و کانال‌های عرب زبان هستند. هم‌چنین، انقلاب ۲۵ ژانویه مصر نیز نتیجه خلاقیت در استفاده از منابع قدرت جدید از طریق کاربرد شبکه‌های اجتماعی - هم‌چون فیسبوک و توئیتر و نظایر آن - بود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۲۳). در انقلاب تونس نیز لملوم^۱ معتقد است مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عنصری که بر خلاف اعتصاب عمومی ۱۹۷۸ و قیام نان ۱۹۸۴ در پیروزی انقلاب ۲۰۱۱ میلادی تونس دخیل بود، نقش مستقیم و قابل توجه رسانه‌های جدید مانند فیسبوک و کانال‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره است.

بر این اساس، نقش مستقیم رسانه‌های جدید مانند فیسبوک قدرتی تولید می‌کند که با کاربست آن و ظرفیتی که حاصل می‌شود، به تعبیر کاستلز یک کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد به گونه‌ای ناهم‌سنگ و از راه‌هایی که خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های کنشگران صاحب قدرت را برآورده سازد، بر تصمیمات سایر بازیگران یا کنشگران اجتماعی تأثیر گذارد.

بنا به اعتقاد فعالان سیاسی، سهمیه بروز کنشگری در شبکه اجتماعی فیسبوک تا جایی بود که پس از پیروزی مردم در مصر و سرنگونی حکومت وقت، وائل غنیم^۱ از فعالان سیاسی این کشور و یکی از کاندیداهای دریافت جایزه صلح نوبل، خواستار ملاقات با بنیانگذار فی بوک شد. (خانیک و بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲: ۶۸) به طور کلی، جایگاه‌های کنشگری شبکه‌های اجتماعی دارای وجوه گوناگونی به شرح زیر است که حاکی از قدرت دیپلماسی مجازی در جهان معاصر است:

۱. کنشگری در جایگاه زمینه‌ساز یک انقلاب سیاسی

به عنوان نمونه؛ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی - روز تاریخی مصر - رئیس جمهور وقت، پس از مدت‌ها توسط اعتراضات سازماندهی شده جوانان در میدان تحریر مورد هدف قرار گرفت و تضعیف شد که این یکی از جلوه‌های انعکاس قدرت مجازی در فضای واقعی بود: از فی بوک به میدان تحریر و از میدان تحریر به فیسبوک؛ حتی می‌توان گفت برکناری محمد مرسی - رئیس جمهور منتخب مصر پس از عصر دیکتاتوری - در ۳ ژوئیه ۲۰۱۳ میلادی نیز به یک اعتبار سازماندهی گردید.

۲. کنشگری در مقام یک چالش اقتصادی بین‌المللی

۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی، برخی از جوانان آمریکایی در خیابان وال استریت - مقر بورس نیویورک - در اعتراض به اوضاع وخیم اقتصادی و اختلاف طبقاتی آمریکا و سیاست کنونی این کشور، دست به تظاهرات گسترده زدند. مخالفان این جنبش بر این باور بودند که ۹۹ درصد امکانات اقتصادی در اختیار یک درصد افراد جامعه قرار گرفته و سایرین از آن بی‌بهره مانده‌اند؛ اما نکته‌ای که در پیوند با این جنبش ضد سرمایه‌داری مطرح شده این است که در پی اوج‌گیری این جنبش اعتراضی، کاربران اینترنتی

طرفدار این جنبش در هنگام استفاده از سرویس پست الکترونیکی یاهو^۱ و شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر، فیسبوک که تنها در صفحه طرفداران نیویورکی خود ۴۸ هزار عضو داشت و موتور جستجوی گوگل^۲ با محدودیت‌های زیادی مواجه شده‌اند؛ حتی برخی از وبسایت‌های متعلق به طرفداران این جنبش نیز مسدود شده بود.

۳. کنشگری در جایگاه یک کارناوال شهری

این نوع کنشگری، شکلی از رفتار اجتماعی در فضای مجازی و واقعی است که قرار فیسبوکی آب‌پاشی در پارک آب و آتش و خبزبازی در پارک پردیسان تهران از این شمار است.

این قرارها از آنجا آغاز شد که گروهی از جوانان عضو شبکه با برنامه‌ریزی قبلی تصمیم گرفتند روز جمعه، ۷ مرداد ۱۳۹۰ برای برپایی جشن آب‌پاشی در پارک آب و آتش حضور یابند و به نوعی تشکیل کمپین دهند. آن‌ها در ساعتی مقرر به پارک رفتند و حرکتی کارناوالی را آغاز کردند، به این صورت که تعدادی از جوانان - پسر و دختر - با تفنگ‌های آب‌پاش به شکل جمعی شروع به خیس کردن همدیگر نمودند، تا آن‌که با برخورد پلیس و مأموران انتظامات و قطع کردن آب و برق پارک در ساعات پایانی شب متفرق گردیدند.

در همین روز و پس از این قرار فیسبوکی، گروهی دیگر از اعضای این شبکه برای برپایی کارناوالی دیگر با عنوان خبزبازی در پارک پردیسان خود را آماده کردند. آن‌ها با پوشیدن لباس‌هایی که مطابق مد روز و عرف متداول جامعه نبوده و با به تمسخر گرفتن سنت‌های جاری، این تجمع تفریحی و هنجارشکنانه را ترتیب دادند. (خانیک‌کی و بصیریان جهرمی، ۱۳۹۲: ۷۲-۶۷)

1. Yahoo Mail
2. Google Search

دیپلماسی عمومی انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران هنگامی که در سال ۱۹۷۹ میلادی به پیروزی رسید، گفتمان جدیدی بر پایه تشکیل نظام اسلامی مطرح نمود. این گفتمان واجد ویژگی‌هایی بود که این انقلاب را از سایر انقلاب‌های تاریخ متمایز می‌ساخت؛ از جمله این که با پیام استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، این پیام را به دنیا صادر نمود که خواستار استقلال از بلوک شرق و غرب و نیز آزادی ملت‌ها از بند ابرقدرت‌ها و حکومت مردم بر مردم تحت قالب نظام اسلامی است.

انقلاب اسلامی ایران با ابتدای بر گزاره‌های مبتنی بر فطرت بشریت و آزادی بشریت از ظلم و جور اعلام موجودیت نمود؛ اما آن‌طور که درخور این پیام بود، نتوانست خود را به خوبی به جهانیان معرفی نماید؛ در چنین شرایطی قدرت‌های بزرگ که منافع خود را در خطر می‌بینند، سعی در وارونه جلوه دادن اهداف انقلاب اسلامی ایران می‌نمایند و علیه آن تخاطب‌زدایی می‌نمایند.

از طرف دیگر، این انقلاب به عنوان خیزشی با ابتدای فطری، بیشتر از هر حکومتی نیاز به نشر اهداف و آرمانهای خود جهت تخاطب با مردم جهان را دارد و این در حالی است که جبهه مقابل انقلاب، حداکثر استفاده را از این عرصه جهت رسیدن به اهداف خود می‌نماید. در چنین شرایطی ضروری است صدور راستین پیام انقلاب به افکار عمومی در سراسر دنیا، سرعت بگیرد. در همین راستا شبکه‌های اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار هستند و با توجه به سهولت دسترسی به مخاطب و هزینه پایین و عدم کنترل دولت‌ها و گردش سریع و آزاد اطلاعات یکی از مبرزترین وسایل جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی در دنیا جهت معرفی صحیح انقلاب است.

با افزایش اهمیت افکار عمومی در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها، اصطلاح دیپلماسی عمومی از دهه ۱۹۶۰ میلادی، رایج شد و در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۹۵ میلادی چنین تعریف شد:

دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل / ۱۲۵

برنامه‌های تحت حمایت دولت که هدف از آن‌ها اطلاع‌رسانی یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است. (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۰)

پیشرفت فناوری و ایجاد اینترنت، منجر به شکل‌گیری شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی موسوم به سایبر دیپلماسی گردید که از ویژگی‌های آن انتشار اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های برخط است.

این امر روابط بین دولت‌ها را که پیش‌تر توسط دیپلمات‌ها انجام می‌گرفت به روابطی چندجانبه تبدیل کرده است. نتیجه این وضعیت آن است که بیشترین تلاش دستگاه دیپلماسی هر کشور معطوف به برقراری روابط با ملت‌ها از طریق رسانه‌ها و در فضای مجازی گردیده است.

از سوی دیگر، کارکنان رسانه‌ها و بازیگران غیر دولتی بانفوذ، به افشاگری می‌پردازند و با انگیزه جلب افکار عمومی در مسائل دخالت می‌کنند؛ بنابراین با توجه به جدول زیر، دیپلماسی مجازی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:

پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی با محوریت دولت‌ها و با استفاده از امکانات موجود در فضای مجازی اعم از اینترنت و دیگر شبکه‌های ارتباطی دیجیتال. (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

جدول ۱: دیپلماسی و ابعاد آن

دیپلماسی سنتی	دیپلماسی عمومی	دیپلماسی سایبری	
دولت ملت‌ها	دولت ملت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، غیر دولتی، شرکت‌های تجاری و چندملیتی و افراد	دولت، ملت‌ها، سازمان، سازمان‌های بین‌المللی، غیر دولتی، شرکت‌های تجاری و چندملیتی و افراد	بازیگران

تعاملات رسمی دیپلماتیک و تبادل اطلاعات با به کارگیری امکانات فضای مجازی و فناوری اطلاعات به ویژه اینترنت	تعاملات رسمی دیپلماتیک، تبادلات رسانه‌ای از طریق شبکه‌های صدا و سیما و روزنامه‌ها و سایر نشریات، برنامه‌های آموزشی و تبادل دانشجو	تعاملات رسمی دیپلماتیک	مجاری اجرا
مذاکرات و ترغیب از طریق اینترنت	مذاکرات و ترغیب از طریق رسانه‌های مختلف چاپی، صدا و سیما، آموزش‌های عمومی و برنامه‌های فرهنگی	مذاکرات و ترغیب چهره به چهره (رودرو)	روش‌های اجرا
حفاظت از منافع ملی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی، بهبود وجهه کشور و تأثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی	حفاظت از منافع ملی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی، بهبود وجهه کشور و تأثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی	حفاظت از منافع ملی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی	اهداف

همان‌گونه که می‌شود، بازیگران و مخاطبان دیپلماسی مجازی شمولیت داشته و شامل دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌ها می‌شود؛ ضمن این‌که در روش‌های اجرا بر مذاکره و ترغیب و تشویق تکیه شده است؛ از این رو گفتمان اسلام سیاسی-انقلابی باید نطق متفاوتش را بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی پی‌ریزی نماید.

از طرف دیگر، چنین منطقی باید با مقتضیات روز متناسب باشد و در عین حال با ویژگی‌های اساسی بستر کلی کن‌ورزی در عرصه مجازی- مثل عدم تحکم، فقدان خشونت‌ورزی، شناسایی و احترام به غیر و تنظیم پیام‌هایی در قالب گزاره‌های صادقانه و فهم‌پذیر- سازگار باشد.

برای مثال؛ قرآن کریم در بیشتر موارد مخاطب «یا ایها الناس» را به کار می‌برد که مفهومی همه‌شمول است؛ یعنی هیچ گروه، نژاد، قومیت، مذهب و جنسیتی را نادیده نمی‌گیرد. در این زمینه کنش گفتاری مسالمت‌جویانه امکان شنیده شدن را افزایش می‌دهد. (توانا و علی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۳)

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با توجه به اهمیت روزافزون کارکرد شبکه‌های اجتماعی در تعیین معادله قدرت در جهان امروز و نیز با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی که بشریت را مخاطب قرار می‌دهد، بیش از هر گفتمانی نیاز به مخاطب قرار دادن ملت‌ها در نظام بین‌الملل دارد و از آن‌جا که پیام انقلاب اسلامی ایران برای بشریت مبتنی بر فطرت است، می‌تواند به تأثیرگذاری حداکثری در مخاطبین منجر گردد. این مهم با کاربست شبکه‌های اجتماعی در جهت صدور صحیح و هنرمندانه پیام انقلاب اسلامی ایران به دنیا در قالب دیپلماسی عمومی و زیرشاخه دیپلماسی مجازی محقق می‌گردد.

شبکه‌های اجتماعی ابزاری قدرتمند جهت موفقیت دیپلماسی مجازی در دهکده جهانی جهت تأثیرگذاری بر مخاطب خواهد بود؛ حال آن‌که این بستر توسط رقبا یا دشمنان انقلاب اسلامی ایران طراحی و به‌کار گرفته می‌شود؛ اما می‌توان از بستر آزاد گردش اطلاعات و عدم کنترل دولت‌ها جهت مخاطب قرار دادن فطرت ملت‌ها که تحت تأثیر فعالیت‌های مداوم علیه انقلاب اسلامی ایران است، بهره جست. بهره‌برداری حداکثری در این فضا به میزان توانایی انقلاب اسلامی در ذهنیت‌سازی، انگاره‌پردازی، گفتمان‌سازی و تولید قدرت است؛ قدرتی که بر پایه هدایت کنشگران شبکه‌های اجتماعی در جهت اهداف انقلاب اسلامی و شنیده شدن پیام انقلاب باشد. مدیریت کنشگری در این فضا می‌تواند علی‌رغم خواست صاحبان قدرت از طریق مفهوم‌سازی بر مبنای گفتمان‌هایی که کنشگران اجتماعی به آن گفتمان‌ها هدایت می‌شوند، به دست آید.

به طور کلی و به علت سیالیت فضای مجازی، هر چه حضور و پویایی مؤثر در دیپلماسی مجازی خودی کمتر باشد، می‌توان استنباط نمود که رقبا و دشمنان در حال یارگیری و تأثیرگذاری بیشتر در جهت منافع خود می‌باشند.

بر این اساس، شرکت‌های بزرگ دنیا مدیریتی با عنوان مدیریت شبکه‌های اجتماعی دارند؛ حال آن‌که انقلاب اسلامی که صاحب‌گفتمان مبتنی بر فطرت بشری است، از این فضا-آن‌طور که شایسته است- استفاده نمی‌کند. در همین زمینه جمهوری اسلامی ایران واجد ظرفیت‌های متنوع و گوناگونی است که یا به‌کار گرفته نشده و یا بروزرسانی نشده‌اند؛ ظرفیت‌هایی از جمله:

1. نهادهای فرامرزی دینی مانند مراکز اسلامی جمهوری اسلامی ایران مستقر در کشورهای آمریکا، آلمان، اتریش، اسپانیا، روسیه، کانادا و انگلیس؛
2. سازمان‌های بین‌المللی وابسته به جمهوری اسلامی ایران مانند سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان تقریب مذاهب، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
3. مؤسسه‌های پژوهشی بین‌المللی مانند مؤسسه غدیر و مؤسسه تحقیقات اسلامی؛
4. مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها مانند جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية و شعبه‌های آن در سراسر دنیا و سایر دانشگاه‌های بورس‌کننده در سراسر کشور؛
5. وزارتخانه‌های مرتبط مانند وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تمامی ظرفیت‌های بیان شده می‌توانند با کاربست مراحل زیر به نحو مطلوبی از شبکه‌های اجتماعی و در راستای اهداف انقلاب اسلامی بهره‌ببرند؛ مراحلی که هر کدام نیازمند کار کارشناسی و انتخاب صحیح و هنرمندانه شیوه انتقال پیام است:

1. شناخت شبکه اجتماعی محبوب منطقه مأموریتی و نیز شناخت علائق و

سلائق مردم آن سامان؛

دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل / ۱۲۹

۲. تولید محتوای مبتنی بر انتقال معارف انقلاب اسلامی ایران و منطبق بر علائق و سلائق کشف شده؛
۳. اقدام به شبکه‌سازی جهت نشر حداکثری محتوای تولیدی و بازخوردگیری از فعالیت‌های انجام شده؛
۴. اصلاح این چرخه در صورت نیاز.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰). تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی. مطالعات راهبردی. دوره ۱۴. شماره ۲. ۱۱۱-۱۳۴.
۲. استیونس، نیک (۱۳۸۴). رسانه‌های جدید و جامعه اطلاعاتی: شیلر، کاستلز، ویریلیو و فمینیسم سایبر. ترجمه پیروز ایزدی. رسانه. شماره ۶۲: ۸۷-۱۲۰.
۳. ایمان، محمد تقی. و گلمراد مرادی (۱۳۹۰). روش‌شناسی نظریه اجتماعی گافمن. جامعه‌شناسی زنان. سال ۲. شماره ۲: ۷۸-۵۹.
۴. توانا، محمد علی. و محمود علی‌پور (۱۳۹۴). اسلام سیاسی انقلاب ایران در فضای مجازی چندلایه و متکثر: رخ‌نمایی بر اساس تفاوت. پژوهش‌های سیاست اسلامی. شماره ۷: ۶۲-۳۷.
۵. تامپسون، جان (۱۳۸۰). رسانه‌ها و مدرنیته. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش.
۶. حاجی‌زاده، جلال. و حسین هرسیج (۱۳۸۹). تبیین دموکراسی رایزنانه در اندیشه‌های فلسفی هابرماس. حکمت و فلسفه. سال ۶. شماره ۳: ۹۴-۷۵.
۷. حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها. دانش سیاسی. دوره ۱، شماره ۲: ۱۴۸-۱۳۵.

۸. خانیکی، هادی. و حسین بصیریان جهرمی (۱۳۹۲). کنشگری و قدرت در شبکه‌های اجتماعی مجازی: مطالعه کارکردهای فیسبوک در فضای واقعی. علوم اجتماعی. شماره ۶۱: ۸۰-۴۶.
۹. خرازی آذر، رها. عاملی. سید حامد. و افسانه مظفری (۱۳۹۶). نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۶. شماره ۲۲: ۱۷۶-۱۵۳.
۱۰. خرازی آذر، رها (۱۳۹۲). سایبر دیپلماسی در محیط هوشمند نوین رسانه‌ای. رسانه. سال ۲۴. شماره ۱: ۷۴-۶۱.
۱۱. راش، مایکل (۱۳۸۸). جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۱۳. ساداتی، سید نصرالله (۱۳۹۳). دیپلماسی رسانه‌ای و نقش آن در روابط بین‌الملل. رسانه. سال ۲۵، شماره ۳: ۱۳۰-۱۱۳.
۱۴. سلطانی‌فر، محمد. و لیلا خان‌زاده (۱۳۹۲). دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌شناسی و راهبردها). مطالعات فرهنگ و ارتباطات. دوره ۱۴. شماره ۲۲: ۲۰۵-۱۸۱.
۱۵. طباطبایی، سید محمد. سلیمی، حسین. و احسان موحدیان (۱۳۹۵). تأثیر سایبر دیپلماسی آمریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی (مورد مطالعه: سایت صدای آمریکا). مطالعات رسانه‌های نوین. سال ۲. شماره ۶: ۱۶۳-۱۲۳.
۱۶. عدلی‌پور، صمد. قاسمی، وحید. و سید احمد میرمحمدتبار (۱۳۹۳). تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی فیسبوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی جوانان. مطالعات فرهنگ و ارتباطات. دوره ۷. شماره ۱: ۲۸-۱.
۱۷. علیمی، محمود رضا. التیامی‌نیا، رضا. و علی حسینی (۱۳۹۲). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در تحولات سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. دانش سیاسی و بین‌الملل. سال ۲. شماره ۲. ۹۸-۷۵.

دیپلماسی مجازی انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل / ۱۳۱

۱۸. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت**. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۹. کیویستو، پیتر (۱۳۸۰). **اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۲۰. گنجی‌دوست، محمد (۱۳۸۷). **تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات**. سیاست. دوره ۳۸. شماره ۱: ۲۱۲-۱۸۵.
۲۱. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۲). **ارتباط‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت.
۲۲. نصرالهی، اکبر. حقیقی، محمد رضا. و فرزانه شریفی (۱۳۹۳). **تأثیر فضای مجازی بر تحولات ارتباط سیاسی**. مطالعات رسانه‌ای. دوره ۹. شماره ۳: ۱۱۸-۱۱۱.
۲۳. هادیان، ناصر. و افسانه احدی (۱۳۸۸). **جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی**. روابط خارجی. سال ۱. شماره ۳: ۱۱۷-۸۵.

24. Castells, Manue (2009). **Communcation Power**. UK: Oxford University.
25. Eriksson, Johan. and Giampieiero Giacomoll (2006). **International Relation and Security inthe Digital Age**. New York: Routledge.
26. Nye, Joseph (2011). **The Future of Power**. US: Public Affairs.
27. Williamson, Martin (2010). **British Foreign Policy in Cyberspace: At the Frontier of Diplomacy**. UK: British international studies association.
28. <https://www.dreamgrow.com/world-map-of-social-networks/>



دورية علمية متخصصة متعددة اللغات

PURE LIFE

العدد الخامس بمونان: ﴿ المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني ﴾ (٨)

العدد السابع عشر - السنة السادسة، شوال ١٤٤٠ / ١٣٩٨ ش / ٢٠١٩ م

صاحب الامتياز: جامعة المصطفى العالمية

جامعة المصطفى المفتوحة، عمادة البحث والإنتاج العلمي

المشرف العام: الدكتور محسن قنبري

رئيس التحرير: الدكتور عابدين سياحت اسفندياري

السكرتير العلمي: الدكتور توفيق أسدوف

المدير التنفيذي: سماحة الشيخ محمد جواد نجفلي

أعضاء هيئة التحرير

محسن قنبري	معاون التعليم في جامعة المصطفى العالمية (إيران)
عابدين سياحت اسفندياري	عميد البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى المفتوحة (إيران)
توفيق أسدوف	مدير الدراسات الإسلامية في جامعة المصطفى المفتوحة (أذربايجان)
غلام جابر محمدي	مدير الدراسات القرآنية في جامعة المصطفى المفتوحة (باكستان)
سيد محمد علي عون نقوي	عضو في اللجان العلمية في جامعة المصطفى المفتوحة (الهند)
يحيى عبدالحسن الدوخي	عضو في اللجان العلمية في جامعة آل البيت (العراق)
بيلديز قدرلي	أستاذ في جامعة المصطفى المفتوحة (تركيا)

العنوان: قم، شارع ساحلي جنوبي، غربي مصلى القدس، ما بين الزقابين ٤-٦

ص ب: ٣٧١٣٩١٣٥٥٤ **العاتف / الفاكس:** ٢٢١١١٤١٧٥ - ٢٢٦١٣٨٧٥

عدد الصفحات: ١٩٦ ص نوع الطبع: إلكتروني

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir

موضوع القرار:

حسب القرار المنبثق من الإجتماع الثاني والعشرين لمجلس إدارة منشورات المصطفى عليه السلام (بتاريخ: ١٣٩٢/١٢/١٩)،
لقد تمت المصادقة على إصدار هذه المجلة المصنفة ضمن المنشورات العلمية المتخصصة، رقم ترخيص ٧٤٣٢٧ الصادر من الجهاز الشامل لوسائل الإعلام الرسمية (وزارة الثقافة والأرشاد الإسلامي)
(بتاريخ: ١٣٩٣/١٢/١١)

هذه المجلة متاحة بشكل إلكتروني، ويمكن تحميلها على العنوان التالي:

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html

شروط كتابة المقال

١. يجب أن يتضمن المقال ما يلي: العنوان والملخص والمفردات الرئيسة والمقدمة والعرض والنتيجة والمصادر.
٢. تخضع المقالات المستلمة للتحكيم العلمي شريطة أن لم تنشر سابقاً، ويتعين على الكاتب التعهد بعدم قيامه بإرسال مقاله إلى مؤسسات أخرى.
٣. يتحمل «الكاتب المراسل» مسؤولية صحة المعلومات الواردة في المقال من الناحيتين العلمية والحقوقية.
٤. تحتفظ المجلة لنفسها بحق رفض المقالات أو قبولها كما تتعهد أمانة المجلة بتقديم تقرير عن نتيجة التحكيم العلمي للكاتب المراسل خلال فترة لا تتجاوز شهر - 30 يوماً - على الأكثر.
٥. لا يتم القبول النهائي لطبع المقال في المجلة إلا بعد موافقة هيئة التحكيم وهيئة التحرير عليه.
٦. يجب عدم تجاوز حجم المقال 8 صفحات كحد أدنى و25 صفحة كحد أقصى وكل صفحة عبارة عن 250 كلمة.
٧. يجوز النقل والإقتباس من المقالات المنشورة الأخرى شرط ذكر المصدر.
٨. يستخدم نوع الخط (IRLotus) وحجم الخط (١٣) في طباعة المقال بالفارسية والعربية، ويستخدم نوع الخط (Alvi Nastaleeq) وحجم الخط (١٤) في طباعة المقال بالأردية، ويستخدم نوع الخط (Times New Roman) وحجم الخط (١٤) في طباعة المقال بالإنجليزية ولغات أخرى.
٩. يتضمن قائمة المصادر المرتبة وفق الحروف الأبجدية ما يلي:
✓ فيما يتعلق بالكتاب والمقالة: لقب واسم الكاتب، (تاريخ النشر)، عنوان (بخط غامق)، اسم المترجم، الطبعة، مكان النشر: اسم الناشر.
١٠. تدرج التوثيق المرجعية في النص الأصلي على النحو الآتي (اسم المؤلف، تاريخ النشر: الصفحة).
١١. تدرج التوثيق التوضيحية في هامش الصفحة نفسها ككتابة المفردة باللاتينية وشرح المصطلحات وغيرها.
١٢. على كاتب أو كاتب المقال إرسال أبحاثهم إلى معاونة البحث والإنتاج العلمي في جامعة المصطفى عليه السلام المفتوحة عبر هذا العنوان: "research@mou.ir" مزودة بالمعلومات: الإسم واللقب والمستوى العلمي والعنوان المقالة.
١٣. نظراً لتنوع لغات المجلة يمكن للباحثين الأجراء إرسال مقالاتهم إلى مكتب المجلة بإحدى اللغات التالية: الفارسية والعربية والأردية والإنجليزية والفرنسية والتركية والأردية ...
١٤. يتعين على أمانة سر المجلة إرسال نسخة من المجلة الإلكترونية - بعد نشرها - إلى كاتب أو كاتب المقال عبر البريد الإلكتروني.

كلمة المشرف العام

مجلة "PURE LIFE" سوف تظل نافذة إلى حياة الإنسان الأبدية، تهدف جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة بوصفها داعية الإنسان الأرضي إلى معرفة التعاليم الإلهية لبناء حياة جديدة من خلال ما أودعه الله فيه من علم ولتجلب له السكينة الدنيوية والسعادة الأخروية معا.

"PURE LIFE" هي فرصة للباحثين وخريجي الجامعات لبسط معلوماتهم العلمية المعرفية عبر الفضاء الإلكتروني على نطاق واسع وإسقاط المعارف الدينية على مختلف شؤون الحياة البشرية.

على أمل أن تسطع أنوار هذه النافذة أكثر فأكثر في ظل جهود الباحثين عن نور المعرفة.

كلمة رئيس التحرير

البحث العلمي هو بمثابة شريان الحياة في مجال المعرفة والبصيرة والذي يمكن أن يُحفَّزَ - في ديناميتها- النمو والتوسُّع لحدود العلم والمعرفة ويؤدي إهمال هذا المجال إلى ركود المعرفة بل موتها في نهاية المطاف، فإن الجهل هو أول آثار التخلي عن البحث كما نشهد اليوم كارثة الجهل العصرية التي ظهرت جراء فقدان البحث القويم في مختلف المجالات.

ثم يتمُّ توسيع حدود المعرفة من خلال البحوث بوصفها حائزة على مكانة مرموقة ضمن الأنشطة البشرية اليوم، فإن التحقيق في مجال العلوم الإنسانية والإسلامية يمكن الباحث من فهم المشكلات والقضايا الإنسانية كما يوفر لها حلولاً عملية.

والتطور المتزايد في المجال المعرفي يفرض علينا الدخول في المجالات العلمية أكثر فأكثر، فالآن العديد من مجالات المعرفة الإسلامية هي بحاجة إلى الشرح والعرض على نطاق عالمي.

"PURE LIFE" هي مجلة طلابية تحاول إعداد أرضية لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وتحسين مستوى البحوث الطلابية المتعلقة بالعلوم الإسلامية كما هي تعد أرضية مناسبة لتطوير العلاقات بين الباحثين في مجال العلوم الإسلامية-الإنسانية.

"PURE LIFE" هي مجلة فصلية، متعددة اللغات، إلكترونية-تخصصية، أما عنوان هذا العدد فهو: «المؤتمر الدولي الأول مدى قدرة واستيعاب الفضاء الإلكتروني في تعزيز التعليم الديني (٨)»، وهو يتكون من تسع مقالات باللغات الثالثة (الفارسية والعربية والإنجليزية) حيث قامت بها معاونة البحوث في جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة.

يتمُّ إصدار مجلة "PURE LIFE" برعاية لجنة نشر الكتب في جامعة المصطفى ﷺ العالمية ووزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي في إيران بصفتها أول مجلة علمية في جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وهي مستعدة لنشر مقالات طلاب جامعة المصطفى ﷺ العالمية.

الجامعة الافتراضية أحد الأنماط الجديدة في التعليم الديني

الكاتب: الدكتور. ماجد كماش ديوان الضياع (عراق)^١

قبول: ١٤٣٨/١١/١٤

استلام: ١٤٣٨/١٠/٢٤

المستخلص

عظم الله العلم وشرفه فكانت أول كلمة أوحاها الله لنبيه «اقرأ» ورفع حامله درجات فقال عز وجل: (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)؛ (المجادلة، ١١) وفرضه على كل مسلم فقال خاتم أنبيائه ﷺ: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ (الشهيد الثاني، 1041: ١١) وايضاً بين العلم والعبادة فقال: «باب من العلم تتعلمه أحب إلينا من ألف ركعة تطوعاً»؛ (المصدر نفسه: ١٢١) وقرن أمير المؤمنين ﷺ بين العلم والمال قائلاً لصاحبه: «يَا كُمَيْلُ! الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ التَّفَقُّهُ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَصَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ»؛ (المصدر نفسه: ١١٤) وبين أهل بيت العصمة ﷺ ثواباً كبيراً لسالك طريق العلم فأخبرنا نبينا الأعظم ﷺ وأهل بيته ﷺ حيث قال: «من غدا في طلب العلم أظلت عليه الملائكة وبورك له في معيشته ولم ينقص من رزقه»؛ (المصدر نفسه: ١٤٦) كما نبه أهل العصمة ﷺ على الإهتمام بنوع العلم وصفته حتى لا تملأ نفس الإنسان بما يضرها أو على الأقل بما لا ينفعها ففي احد الأيام دخل رسول الله ﷺ المسجد فإذا جماعة قد طافوا برجل.

فقال: ما هذا؟

فقيل: علامة.

فقال، وما العلامة؟

فقالوا: أعلم الناس بأنساب العرب ووقائعها وأيام الجاهلية والأشعار العربية. فقال: «ذَلِكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جِهَلَهُ وَلَا يَنْفَعُ مَنْ عَلِمَهُ»، ثم قال: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ». (الكليني، ١٤٠٧، ج ١: ٦٢)

١. محاضر في كلية الكوت، جامعة واسط، الكوت، عراق، majalaboudi@gmail.com

هذا كله وباختصار يشير لنا على الباعث الديني الذي يحثنا على طلب العلم ونشره وحيث تشهد المجتمعات المعاصرة تحديات عديدة فرضت نفسها على طبيعة الحياة فيها وأسلوب عملها وعمل منظماتها المختلفة من أبرز هذه التحديات ما تشهده تلك المجتمعات من تقدم في تقنيات المعلوماتية والاتصالات الحديثة. فلم يشهد عصر من عصور التقدم التقني الذي شهده هذا العصر في مناح متعددة من أهمها الثورة الهائلة التي حدثت في تقنيات الاتصالات والمعلومات والتي توجت أخيراً بشبكة المعلومات الدولية (الإنترنت). فالثورة التكنولوجية المتمثلة في تكنولوجيا المعلومات والاتصالات أسهمت في تغيير طبيعة الحياة وشكل المؤسسات... ومن بينها المؤسسات التعليمية على نحو جذري خاصة في الدول المتقدمة. هذه التغيرات جعلت الحاجة ماسة إلى تعليم من نوع جديد يستوعب تكنولوجيا المعلومات والاتصالات ويستفيد منها في تقديم تعليم يزود تلاميذه بعقلية ناقدة وواعية قادرة على التعامل مع طوفان المعلومات والإفادة منها، ويراعي ظروف المتعلمين ويتجاوز حدود الزمان والمكان، ولا يشترط التواجد المتزامن للمتعلمين مع المعلم في المكان نفسه، وتمثل ذلك في التعليم عن بعد. والواقع أنه لم تستطع تقنية من تقنيات الإتصال أن تستحوذ على اهتمام رجال التربية والباحثين التربويين على المستوى الدولي، مثلما فعل الإنترنت وشبكة العالمية ففي حالة المذياع مثلاً استغرق الوقت أربعين سنة ليصل عدد مستخدميه خمسين مليون شخص، واحتاج التلفزيون إلى ثلاثة عشر عاماً ليصل إلى مثل هذا العدد من الناس، ولكن الأمر مع الإنترنت لم يستغرق سوى أربع سنوات، حيث استطاعت تلك التقنية أن تتيح لكل فرد من أفراد المجتمع - ومن بينهم الطلاب - إمكانية الدراسة والتعلم بطريقة تسمح له بالتحكم في ذلك وفق حاجاته وإمكاناته بغض النظر عن موقع وجوده الجغرافي، ومكنت من الاستفادة من المكتبات الإلكترونية، والكتب الإلكترونية، وقواعد البيانات عند الطلب، والمحادثات ذات الإتصال المباشر وخدمات المعلومات الأخرى والبرامج الثقافية المختلفة من خلال قيام العديد من معاهد التعليم الإلكترونية والجامعات الافتراضية (الإلكترونية) بتوفير برامج عديدة على الشبكة الإلكترونية (الإنترنت) يمكن للدارسين من جميع أنحاء العالم الإلتحاق بها وما على الدارس منهم إلا أن يفتح موقعاً معيناً ويدخل رقمه السري فيحصل على نص المحاضرة والأسئلة التي يجب عليها كما يمكن إجراء الإختبارات والمشاركة في الحوار مع الدارسين الآخرين والمحاضر أو المشرف الأكاديمي.

الكلمات المفتاحية: الفضاء الافتراضي، التعليم الديني، الأنماط الجديدة

مفهوم الفضاء الافتراضي وتعريفه

١. التعليم الافتراضي

التعليم الافتراضي نوع من التعليم الإلكتروني يتيح للمتعلم الاستفادة من جميع عناصر العملية التعليمية من مادة تعليمية وكتب وخدمات طلابية وتفاعل مع المعلم بالإضافة إلى ما تتيحه شبكات المعلومات على الإنترنت حيث يتمكن المتعلم من الوصول إلى المعلومة المطلوبة بجهد قليل ووقت قصير.

شبيه بالتعليم التقليدي إلا أنه يعتمد الوسائط الإلكترونية لتقديم المادة التعليمية- صوت وصورة- إلى المتعلم من خلال فصول افتراضية عبر الإنترنت، فالتعليم الافتراضي هو تعليم حقيقي في بيئة الكترونية تفاعلية- من خلال برمجيات معينة- وليس افتراضي كما يشير المصطلح.

وبعبارة أخرى هو نمط من أنماط التعليم الإلكتروني عبر الإنترنت اعتمدت فيه تقنيات الوسائط المتعددة التي مكنت المتعلم والمعلم من التعامل مع المادة العلمية باشكال تفاعلية. (العبيدي، ٢٠١٣: ٥١)

٢. بيئة التعليم الافتراضية (العزي، ٢٠١٣)

كلمة «افتراضي» هي ترجمة للمصطلح الأجنبي^١ وتعني أن المؤسسة التعليمية بما فيها من محتوى وصفوف ومكتبات وأساتذة وطلاب وتجمعات، جميعهم يشكلون قيمة حقيقية موجودة فعلا لكن التواصل بينهم يكون من خلال شبكة الإنترنت، حيث يمكن أن يتألف الصف الافتراضي من طلاب موزعين ما بين استراليا والسعودية ومصر والأردن والعراق وسوريا ويحضرون لأستاذ ما- في الجمهورية الإسلامية الإيرانية مثلاً- ويتفاعلون معه افتراضياً إما مباشرة أو من خلال الخادم التقني الخاص بالمؤسسة، متحررين من حاجزي المكان والزمان.

مصطلح افتراضية بأنها تعني محاكاة بيئة تعلم حقيقية يكون الفرد فيها مستغرقاً ومتفاعلاً^٢ معها بشكل يحدث تغييراً في خبراته أي يحدث التعلم المستهدف من قبل المتعلم أي إنه نمط خاص من الخبرة تتيح للمتعلم الإحساس ببيئة التعلم وليس مجرد التعامل مع الأجهزة. (الحصري، ٢٠٠٢)

٣. الجامعة الافتراضية

هي مؤسسة أكاديمية تهدف الى تأمين أعلى مستويات التعليم للطلاب في أماكن إقامتهم من خلال بيئة تعليمية إلكترونية متكاملة تعتمد على مفاهيم الواقع الافتراضي في التعامل مع المادة التعليمية والتواصل بين عناصر المنظومة التعليمية. الجامعة الافتراضية لا تحتاج إلى صفوف دراسية داخل جدران أو تجمع الطلبة في قاعات امتحانية أو قدوم الطالب الى الجامعة للتسجيل - كما هو الحال في الجامعات التقليدية - وإنما يتم تجميع الطلاب في صفوف افتراضية يتم التواصل فيما بينهم وبين الأساتذة عن طريق موقع الجامعة على الأنترنت. (العبيدي، ٢٠١٣: ٥٢)

والواقع أن كلمة افتراضية تعني أن الجامعة بما فيها من محتوى و صفوف ومكتبات وأساتذة وطلاب وتجمعات ومرشدين، جميعهم يشكلون قيمة حقيقية موجودة فعلاً ولكن تواصلهم يكون من خلال شبكة الأنترنت حيث يتألف الصف الافتراضي من طلاب موزعين ما بين استراليا واليابان والهند وسوريا والولايات المتحدة يحضرون محاضرة لأستاذ في بريطانيا معه افتراضياً إما مباشرة من خلال التقديم المتزامن^٣ أو غير مباشرة من خلال التقديم غير المتزامن^٤ متحررين من حاجزي الزمان والمكان.

فالتعليم المقدم من خلال هذه الجامعة تعليماً حقيقياً وليس افتراضياً كما يدل على ذلك مصطلح افتراضياً فالمتعلم في هذه الجامعة متعلم حقيقي ولكنه يتعلم في بيئة إلكترونية، فهذا النوع من التعليم شبيه بالتعليم التقليدي إلا أنه يعتمد على الوسائل الإلكترونية،

-
1. Immersive
 2. Interactive
 3. Delivery Synchronous
 4. Delivery Asynchronous

والتعليم باستخدام التقنيات الإلكترونية تعليماً حقيقياً وليس افتراضياً وهو ما يجعل البعض يفضل استخدام مصطلح جامعة الكترونية بدلا من جامعة افتراضية، فالطالب أو المتعلم لم ولن يتغير نوعه بتغير التقنية أو الأداة التي يستخدمها المتعلم وإنما الذي تغير كيفية أو طريقة تعلمه. (الدهشان، ٢٠٠٧)

تأريخ ظهور الفضاء الافتراضي ومراحل تطوره (الحصري، ٢٠٠٢)

جاء التطور العلمي والتقني السريع لتوفير أشكالاً أخرى من التعليم أو بمعنى أصح تقديم الخدمة بأسلوب مختلف وجديد، فحيث يمثل التعليم بوجه عام وظيفي أساسية في المجتمعات البشرية كان طبيعياً أن تتغير أشكال التعليم بوجه عام وتتطور مع تصاعد التطور التقني وحيث يعتمد التعليم عن بعد بوجه خاص على تقنيات الإتصال، فإن التطور في هذه التقنية يسهم في تطوير أشكال التعليم عن بعد بشكل أو بآخر.

لذا فإن تطور شبكات البريد أنتج التعليم بالمراسلة عبر المواد المطبوعة والمكتوبة وأدى البث الإذاعي إلى استخدام الراديو في التعليم ومن خلال تقدم الصناعات الكهربائية والإفتراضية ازداد دور الصوتيات بشكل عام في التعليم من خلال أجهزة التسجيل، ثم ظهر التليفزيون وتلاه الفيديو وازدادت أهمية أشكال البث التعليمي، سمعا ورؤية مع شيوع استعمال الأقمار الصناعية وابتشار الحاسبات خاصة تلك القائمة على التفاعل من أهم وسائل التعليم عن بعد وأكثرها فعالية وعلى وجه الخصوص في ميدان التعلم الذاتي.

ومن حيث المبدأ يقوم التعليم عن بعد على عدم اشتراط الوجود المتزامن للمتعلم مع المعلم في الموقع نفسه أي يتم التغلب على عنصري الزمان والمكان وبهذا يفقد كل من المعلم والمتعلم خبرة التعامل المباشر مع الطرف الآخر وعليه تنشأ الضرورة لأن يقوم بين المعلم والمتعلم وسيط وللوساطة هذه جوانب تقنية وبشرية وتنظيمية.

كما يمكن التعليم عن بعد المتعلم من اختيار وقت التعلم بما يتناسب مع ظروفه دون التقييد بجداول منتظمة ومحددة سلفا للقاء المعلمين باستثناء اشتراطات التقييم. الأمر الذي يعني حضور «المدرسة» للمتعلم بدلا من ذهابه للمدرسة في التعليم التقليدي.

- تأريخ ظهور الجامعة الافتراضية

وتشير بعض الدراسات إلى أن بداية ظهور الجامعات الافتراضية كان في العقد الأخير من القرن العشرين، نتيجة تطور تقنيات عديدة كالمحادثات المباشرة والمؤتمرات المسموعة والمرئية وإنشاء محاور افتراضية وشبكات الإتصال الحديثة والإنترنت وغيرها حيث بدأ ظهور هذا النوع من الجامعات عام ١٩٩٩ في جامعة نيويورك بكلية افتراضية واحدة من كليات الجامعة وكانت تجربة مشجعة جداً مما حدا بالعديد من مؤسسات التعليم العالي إلى خوض التجربة نفسها. (الدهشان، ٢٠٠٧)

أشار أحد الباحثين إلى أن بداية الجامعات الافتراضية بدأ في جامعة نيويورك بشمال شرق أسبانيا بكلية افتراضية واحدة من كليات الجامعة وكانت تجربة مشجعة جداً مما حدا بالعديد من مؤسسات التعليم العالي إلى خوض التجربة نفسها وبين أولسن^١ (٢٠٠٠) أنه في أوائل عام ٢٠٠٠ صدر تقرير يوضح أن هناك أكثر من ٣٠٠ مؤسسة متخصصة مكرسة للتدريب عبر الإتصال المباشر في الولايات المتحدة وحدها^٢ ونمو الجامعات الافتراضية ليس ظاهرة مقتصره على الولايات المتحدة الأمريكية ففي عام ١٩٩٨ تأسست جامعة كوريا الافتراضية^٣ كصيغة من صيغ إصلاح التعليم العالي.

وبعد ثلاث سنوات بلغ عدد البرامج التي تقدمها نحو (٦٦) برنامجاً تعليمياً لنيل شهادة بكالوريوس، يستفيد منها زهاء ١٤٥٥٠ طالب كما قدمت جامعة سول الافتراضية^٤ حوالي عشرين مقرراً إلكترونياً كذلك قدمت جامعة مونتييري الافتراضية^٥ في المكسيك برامج تمنح بموجبها ١٥ شهادة ماجستير باستخدام الاجتماعات الهاتفية^٦ والإنترنت كي تصل إلى ٥٠٠٠٠٠ طالب في ١٤٠٥ مركز تعليمي في أنحاء المكسيك، فضلاً عن ١١٦ موزعا على بقية بلدان أمريكا اللاتينية و هذا ما أشار إليه البنك الدولي كما أنشأت كندا الحرم الجامعي

-
1. Olsen
 2. Online Training
 3. Korean Virtual University (KVU)
 4. Seoul National University (SNU)
 5. Monterrey Virtual University (MVU)
 6. Teleconferencing

الجامعة الافتراضية أحد الأنماط الجديدة في التعليم الديني / ١٤٥

افتراضي المكون من جامعة يُقدم فيها ما يزيد على ٣٥٠ درجة علمية و ٢٥٠٠ مقررًا إلكترونيًا يُخدم ما يزيد عن ١٠٠٠٠٠٠ طالبٍ كذلك الجامعة الافتراضية الأفريقية^١ والجامعة الافتراضية السورية^٢ والجامعة الافتراضية التونسية^٣ والجامعة الافتراضية المغربية^٤.
الجامعة الافتراضية والتعليم الإلكتروني عن بُعد فريضةً غائبةً عن مجال تعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى، ورقة لمؤتمر التعليم الإلكتروني الدولي الثاني ٢٠١١، إعداد: أسامة زكي، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية. (الدهشان، ٢٠٠٧)

أبرز العوامل أو الأسباب التي أدت إلى ظهور وانتشار الفضاء الافتراضي

يبدو أن التعليم الجامعي والعالي على أعتاب مرحلة جديدة، ب تتحول فيها جامعات التعليم عن بعد التقليدية إلى جامعات افتراضية، ب وتتحول الجامعات التقليدية إلى نموذج ثنائي^٥ يقدم برامج دراسية افتراضية من خلال جامعة تابعة لها على الشبكة العنكبوتية كما تؤسس جامعات افتراضية جديدة ومستقلة.

تمثل هذه الظاهرة- التعليم العالي بلا حدود- حيث يتفاعل الطلاب مع المدرسين والمواد التعليمية ومع طلاب آخرين في أقطار مختلفة من خلال بيئات تعلم افتراضية، معلماً لمرحلة مختلفة في مسيرة هذا التعليم وهي ظاهرة آخذة في الانتشار كما أنها ليست مقصورة على دول متقدمة في أمريكا الشمالية أو أوروبا الغربية وإنما تنتشر في العالم أجمع تقريباً فما الذي حفّز نشوء هذه الظاهرة؟

تشير الأدبيات إلى أن العديد من الجامعات بدأت تعاني ضغوطاً متزايدة في السنوات الأخيرة وتشعر بحاجة ماسة لتقليل التكاليف وبناء شراكة مع القطاع الخاص وضخ دم جديد في التعليم الجامعي وتوسيع فرص هذا التعليم. تنطبق هذه الإتجاهات وغيرها على مجموعة من الجامعات، فعلى سبيل المثال:

1. African Virtual University (AVU)
2. Syrian Virtual University (SVU)
3. Virtual University of Tunis (VUT)
4. Marocain Virtual University (MVU)
5. Bimodel

الجامعتان الافتراضيتان السورية والتونسية تهدفان إلى توفير فرص التعليم الجامعي إضافة إلى تنمية الإقتصاد الوطني وتهدف جامعات جونز ويونيتار وفونيكس وجنوب كوينزلاند والكنديّة وكولمز إلى خدمة المتعلمين الكبار بتكلفة معقولة بينما تهدف جامعة حكام الولايات الغربية إلى ربط التعليم الجامعي باحتياجات القطاع الخاص.

- عوامل نشوء ظاهرة الجامعة الافتراضية فيما يأتي (سمير علي،
<http://www.khayma.com/education technology/newl>)

١. التفكير الجديد حول رسالة الجامعة ووظائفها الجوهرية والتوجه نحو مزيد من نماذج التعلم المرتكزة حول المتعلم وهو توجه يعطي أهمية أكبر لدور أكثر نشاطاً من قبل المتعلم.
٢. القدرة على إتاحة التعليم الديني لأكبر قدر ممكن من الراغبين بتعلم العلوم الدينية في أي مجال وفي أي بلد خصوصاً إذا ما عرفنا ان هناك دول وحكومات- بدافع طائفي او غيره- لا تتيح لمواطنيها دراسة العلوم الدينية أو لا تسمح لمواطنيها بالسفر إلى دول معينة لدراسة مثل هكذا علوم.
٣. ازدياد إمكانات تقنية المعلومات والاتصال ومرونتها وملاءمتها لتطبيقات تربوية متنوعة، مصحوباً ذلك بتناقص مستمر في تكلفتها وازدياد توافرها على نطاق واسع، وقد أدى ذلك إلى - رقمنة- المعرفة وعولمة المعلومات وزيادة فرص الوصول إليها.
٤. تقليل تكلفة التعليم الجامعي من خلال التوسع في تطبيقات تقنية المعلومات والاتصال في ظل مصادر محدودة وتناقص التمويل الحكومي.
٥. ازدياد الحاجة إلى التعليم المستمر وتزايد قبول مفهوم التعلم مدى الحياة نظراً للتغيرات التي تشهدها المجتمعات المتمثلة بنمو المعرفة والضغط المتزايد على أنماط التعليم التقليدية والتحول من الوظائف التقليدية الدائمة إلى الوظائف المؤقتة مما يتطلب أساليب تعليم وتدريب جديدة ومصادر سهلة للتعلم المرن لاكتساب المهارات التي تتطلبها هذه التغيرات.

٦. خدمة المجتمعات التي لم تحصل على كفايتها من التعليم الديني ومقابلة الحاجة المتزايدة لتوفير فرص هذا النوع من التعليم وزيادة طاقة الإستيعاب.
٧. الجدوى الاقتصادية من استخدام تقنية التعليم الافتراضي التي تساهم في تخفيض تكاليف التعليم والتدريب للموظفين أو الدارسين المنتشرين حول العالم.
٨. خفض شديد في جميع النفقات الأخرى غير المباشرة مثل طباعة الكتب وتكاليف السفر ومصاريف ونفقات الإقامة التي تترتب على السفر وما شابه.
٩. التخلص من عقبة الزمان وتحرير المستفيدين من الاختيار بين الدراسة والعمل كذلك بالنسبة للمعلمين إذ يمكن لكل منهم أن يمارس أعمالاً أخرى.
١٠. دعم القدرة التنافسية للجامعة في حقبة انفتاح الحدود التربوية للتعليم الجامعي إلى ما وراء النطاق المحلي ومواجهة احتمالية تخلف الجامعة في بيئات تعلم افتراضية شديدة التنافس وزيادة الفرص التجارية والتسويقية لمؤسسات التعليم العالي وتحقيق مردود مالي يمكن أن يساهم بتوفير تعليم يتميز بالجودة.
١١. تحسين جودة خبرات التعلم من خلال استخدام تطبيقات تقنية المعلومات والإتصال لإثراء التعلم وتحسين برامج التعليم عن بعد من خلال التقليل من عزلة المتعلمين ودعم العمل التعاوني بينهم والتفاعلات النشطة التي تتطلبها العملية التعليمية.
١٢. التخلص من الكثير من المشاكل الاجتماعية التي تنجم عن التعليم التقليدي، مثل الفروقات بين الطلبة (المظهر والملابس واقتناء السيارات).

خصائص الفضاء الافتراضي ومزايا التعليم الديني به

في التعليم الافتراضي تعتبر رحلة الطالب سهلة ومضمونة دون تعقيدات القبول والتسجيل تقدم الجامعة الافتراضية تقدم خدمات القبول والتسجيل ووسائل الدفع المادي والدعم الأكاديمي من خلال مرشدين للطلاب يوجهونهم نحو الأفضل. ومن ميزات التعليم الافتراضي العامة هي جعل الطالب قادراً على التعلم والعمل في وقت واحد ومن أي مكان وفي أي وقت، بل وأيضاً تؤمن طيفاً واسعاً من الاختصاصات العلمية (وهذه الاختصاصات وغيرها مطروحة على مستويات عدة: دبلوم، بكالوريوس،

ماجستير، دكتوراه) غير الموجودة في الجامعات المحلية والإقليمية وتؤهل الإنسان المسلم بما يتناسب ومتطلبات المعرفة.

تتسم الجامعة الافتراضية بعدة خصائص منها:

1. الجامعة الافتراضية تتبع الفرد حيثما يذهب وهذه أحد أهم خصائص الجامعات الافتراضية إضافة إلى التخطيط السليم ووقوفها الدائم عند تطور الطالب خلال رحلة الدراسة وحتى التخرج فإنها تتبعه حيث ذهب، فجميعنا نعلم أن الظروف القاهرة قد تفرض على الإنسان الانتقال من بلاده لأسباب متعددة، لكن هذا لا يؤثر إطلاقاً على الطالب في الجامعة الافتراضية حيث يستطيع متابعة تحصيله العلمي من أي مكان وفي أي زمان دون ما انقطاع عن الدروس أو الإرشاد وبالتالي فلن يفقد بانتقاله أية ميزة أو خدمة تقدمها الجامعة ليست الجامعة الافتراضية بديلاً عن الجامعات التقليدية بل إنها مكملتها لها.
2. مواكبة لمفاهيم النظام العالمي الجديد في تبادل الثقافات وإلغاء الحواجز بين الدول وعالمية الشهادات وتحقيق مبدأ الصيغة العالمية والخروج عن الأطر الإقليمية والمحلية.
3. ترسخ مفهوم التعليم مدى الحياة والتعليم للجميع من خلال تلبية حاجات الطلاب غير القادرين على الالتحاق بالتعليم الرسمي النظامي.
4. مرونة جدولة أوقات الدراسة ومكانها حيث يمكن التعليم بها المتعلم من اختيار وقت التعلم بما يتناسب مع ظروفه دون التقييد بجدول منتظمة ومحددة سلفاً للقاء أعضاء هيئة التدريس والزملاء، إضافة إلى عدم اشتراط الوجود المتزامن للمتعلم مع المعلم في الموقع نفسه- باستثناء اشتراطات التقييم- أي يتم التغلب على عنصري الزمان والمكان.
5. تتواصل مع التطور العالم التكنولوجي المقدم من خلال الدخول في شراكة المعلومات مع الجامعات التقليدية وتضمين متحدثين آخرين غير أعضاء هيئة التدريس يصعب تواجدهم بالطرق التقليدية.

الجامعة الافتراضية أحد الأنماط الجديدة في التعليم الديني / ١٤٩

٦. تتجاوز الروتين والإجراءات الورقية المملة خاصة في نظم القبول والتسجيل والامتحانات ومنح الشهادات، فالجامعة الافتراضية تقدم خدمات القبول والتسجيل ووسائل الدفع المادي والدعم الأكاديمي من خلال مرشدين للطلاب يوجهونهم نحو الأفضل كما توفر لهم سبل الإنخراط في حلقات تفاعل وحوار لتجمعات أكاديمية واسعة.
٧. سرعة ومرونة عملية تطور المناهج والحصول الفوري على أحدث التعديلات المدخلة عليها وتجاوز حدود التقليد الأعمى إلى الابتكار والإبداع من خلال الندوات العلمية والمؤتمرات العالمية في التواصل مع الآخر لتقديم عملية التعليم.
٨. تواصل الطلاب ذوى الخلفيات الإجتماعية والثقافية والإقتصادية المختلفة معا وصولاً للتماسك والترابط والمساواة الإجتماعية وتحقيق تكافؤ الفرص التعليمية.

المتطلبات ومقومات الفضاء الافتراضي

الجامعة الافتراضية في الأساس مؤسسة تعليمية مبنية على شبكة الإنترنت ولذلك فكل ما هو مطلوب لها شبكة كمبيوتر مع أجهزة كمبيوتر مزودة بوصول كامل بالإنترنت كما يجب أن تتوفر للجامعة بيئة متكاملة تشمل على: (الدهشان، ٢٠٠٧)

١. بوابة الكترونية آمنة قادرة على التعامل مع عدة لغات قومية على أن تشمل كحد أدنى اللغتين العربية والإنجليزية بالإضافة الى اللغة الرسمية للبلد الذي تنشئ فيه الجامعة يتم من خلالها نشر الإرشادات والتعليمات ومتابعة الإستفسارات المتعلقة بشتى الأمور الأكاديمية من خلال موقع للبيانات والمعلومات العامة والخاصة.
٢. مواقع الكترونية^٢ بحيث يخصص موقع لكل قسم أكاديمي يحتوى بيانات مبوبة حول بنية القسم الأكاديمية وأسماء أعضاء هيئة التدريس وتخصصاتهم العلمية وأعداد الطلبة والمناهج والمقررات الدراسية.

٣. مجتمع افتراضي الكتروني يتضمن الأطراف أو الفئات المرتبطة بالتعليم الافتراضي والتي تشمل الطلاب أو المتعلمين أعضاء هيئة التدريس، الفنيين والأخصائيين المساندون لهذا النوع من التعليم، والإداريون المسؤولون عن التأكد من توافر وإتاحة المواد التكنولوجية، إضافة إلى المساعدين الذين يقومون بدور الجسر أو الوسيط بين الطلاب وأعضاء هيئة التدريس.

هؤلاء جميعاً لا بد أن يكون بينهم تواصل وتراسل دائم وهو ما يتطلب توفير العديد من قنوات الإتصال والتراسل مثل:

- البريد الإلكتروني،^١
- خدمات التخاطب،^٢
- لوحة الإعلانات الإلكترونية،^٣
- خدمة الندوات والمناقشات،^٤
- الاجتماعات والمؤتمرات،^٥
- قواعد بيانات الأسئلة والأجوبة التي تتعلق بالمواد والأسئلة التي تطرح بصورة متكررة،^٦
- تحريك بث ثنائي اللغة في المواقع،^٧
- خدمة التسجيل الإلكتروني،
- خدمة تسديد الرسوم إلكترونياً.

-
1. E-Mail
 2. Chat Voice, Chat
 3. Board Bull
 4. Groups Discussion, Forms
 5. Conferencing Video Meeting Net
 6. Questions Asked Frequently
 7. Engine Search

نظام إدارة إلكترونية^١ ويتم من خلاله تسجيل ومتابعة وإيصال كافة البيانات المطلوبة للطلبة وتزويد الجهات المعنية بالتقارير الدورية عن مدى تحصيل الطلبة وتنتائج الإمتحانات وتحديد نقاط ضعف تحصيل الطلاب.

- متطلبات التعليم الافتراضي

يعكس مفهوم النظام ضرورة وجود عناصر لهذا النظام تتفاعل مع بعضها في عدة عمليات تستهدف تحقيق اهدافه، ويعتبر ثالوث المعلم والمحتوى التعليمي والمتعلم، الحد الأدنى لعناصر العملية التعليمية في اي مستوى من المستويات أو مرحلة من المراحل التعليمية، وتضاف اليها عناصر اخرى مع تطور العملية التعليمية وأهدافها مثل تقنيات التعليم والتنظيم والإدارة واقتصاديات التعليم وغيرها من العناصر التي تعكس بيئة التعليم والتعلم بجانب التصميم التعليمي بعمليات متعددة كعنصر اساسي في تنظيم العملية التعليمية وتحقيق أهدافها.

وكل من هذه العناصر قد يختلف وجودها أو غيابها بدرجة ما في نظام تعليمي عن اخر كما قد يتطلب نظام تعليمي تطوير عناصر اخرى تلبي حاجات جديدة في نظام لاحق، وهذا ما يفسر تباين المتطلبات الخاصة بكل نظام تبعاً لتباين العناصر والحاجات- الأهداف- التي يليها النظام وفي نظام التعليم عبر الإنترنت يمكن تحديد متطلبات النظام في اطار العناصر الأساسية التي تسهم من خلال التفاعل بينها في تحقيق أهداف النظام، وهو اتاحة المواد التعليمية وتوصيلها الى المتعلم في المكان والوقت الذي يناسبه.

واهم هذه العناصر ومتطلباتها هي:

١. المعلم

تغيير دور المعلم والتركيز على المتعلم بدلاً من المعلم الذي تغيرت ادواره من المعلم أو المدرس الى مسيطر للمحتوى^٢ وميسر للعمليات التعليمية ومرشد أو موجه^٣ وباحث ثم مصمم للعمليات التعليمية ومدير لها، وحذا يتطلب من المعلم اكتساب المعارف والمهارات والخبرات الخاصة الآتية:

1. System Management Electric (SME)
2. Facilitator Content
3. Divisor A

- تصميم العمليات التعليمية حتى يتمكن من المتابعة والقيام بالتيشير والنص والإرشاد والتوجيه والتقويم لهذه العمليات.
- اعداد المقررات والمحتوى العلمي بما يتفق مع خصائص البيئة الافتراضية ومتطلباتها.
- تصميم البرامج التعليمية ومحتواها وبصغ=فة خاصة تصميم الوسائل المتعددة واستخداماتها في اعداد المادة التعليمية.
- طرق التعليم والتعلم ومتطلباتها التي تسهم في احساس المتعلم فرديته مثل التعلم التعاوني والتفكير الناقد والحث الفكري او العصف الذهني وحل المشكلات وغيرها.
- الجوانب الفنية الخاصة بالبيئة الافتراضية مثل واجهات التفاعل والواصلات وادوات التعليم وادوات التفاعل والاتصال.
- الجوانب الخاصة بالإتاحة والتوصيل أو النشر والتوزيع.
- وغيرها من المتطلبات الخاصة بالعلاقة بين المعلم والمحتوى والبيئة الإلكترونية. (الأحمري، ٢٠١٥: ٢٠)

٢. المتعلم

لا تتوقف حدود الاستفادة من التعليم الافتراضي عند التحصيل الدراسي والإنجاز في هذا المجال ولكن يمتد الى اكتساب الخبرات والمهارات الخاصة بالعمل في البيئة الإلكترونية والافتراضية والتي يصدرها اكتساب المعارف الخاصة بالجوانب الأخلاقية والدينية والمعرفية والاجتماعية:

٣. مصادر التعليم والتعلم

تمثل مصادر التعليم والتعلم المتاحة على شبكات الإنترنت العنصر التكميلي في بناء المقررات وتظهر أهميتها في تحقيق الأهداف الخاصة باثراء محتوى هذه المقررات وزيادة دافعية المتعلم للتعليم واكساب المتعلم مهارات البحث والتجول والإرتفاع بمستوى الأنجاز والأداء.

وكذلك تأهيل وتدريب المدرسين على استخدامات التقنية والتعرف على مستجدات العصر في مجال التعليم وبناء أنظمة معلومات قادرة على إدارة عملية التعليم بشكلها الجديد.

المعلم والمتعلم في ظل الفضاء الافتراضي

في الجامعة الافتراضية لا يتبادل الطلاب الأفكار مع جهاز الكمبيوتر، بل يحاورون الناس من كل أنحاء العالم عبر الكمبيوتر والدور الرئيسي للطالب أو المتعلم في هذه الجامعة هو أن يتعلم تحت أحسن الظروف المناسبة لعملية التعلم مع توافر عناصر الدافعية والتخطيط والقدرة على تحليل وتطبيق المعلومات المحصلة على المواقف الحياتية المختلفة حيث يكون التعليم متمحورا حول الطالب الذي يستطيع الذهاب إلى الكمبيوتر في الوقت المناسب ويبدأ حوارا مع زملائه في الصف الافتراضي ومع معلمه دون أن يترك منزله أو موقع عمله كما يستطيع رجال الأعمال أو ربات البيوت الإستمرار في منازلهم أو أماكنهم التي يعملون بها إذ ليس عليهم أن يعيشوا في نفس المدينة أو حتى البلاد حيث توجد الجامعة الافتراضية لان الكمبيوتر مع المودم هو وساطة الإتصال المباشر بالإنترنت وهو الأداة الرئيسة لجميع النشاطات التي تعطى داخل حجرة الصف والحصول على التعليم المناسب.

والواقع أن الطلاب المستهدفين للتعلم بالجامعة الافتراضية يتسمون في الغالب بعدة

سمات منها: (الدهشان، ٢٠٠٧)

١. الغالبية العظمى من هؤلاء الطلاب أكبر سناً من الطلاب في الجامعة التقليدية ولهم وظائف يباشرونها وعائلات يرعونها بالفعل، وهؤلاء المتعلمين يجب عليهم تنسيق مجالات حياتهم المختلفة المؤثرة بعضها على بعض وخاصة فيما يتصل بمسئولياتهم الوظيفية والعائلية من حيث تنظيم وقت الدراسة والفراغ لدى كل منهم.
٢. تنوع أسباب وتوقعات الطلاب من التحاقهم بتلك الجامعة فقد هتمت البعض في الحصول على درجات وشهادات علمية تؤهلهم لتبوء مناصب أعلى أو وظائف أحسن بينما يسعى البعض الأخر إلى الإلتحاق بهذه البرامج لإكتساب معارف جديدة أو مهارات متقدمة تساعد على تحسين الأداء والتواصل في مجتمع يتسم بالتغيير المتواصل.

٣. الطلاب- في إطار تلك الجامعة- منعزلون ومستقلون في العادة عن بعضهم البعض كما قد تغيب بعض العوامل الأساسية المهمة في التعلم مثل الدافعية النابعة من الإتصال والتنافس مع الآخرين كما قد يفتقر الطالب الدعم والمساندة المباشرة من المدرس القادر على إسباغ الدافعية وإعطاء الإهتمام بحاجات الطلاب والتعرف على الصعوبات التي تواجههم أثناء التعلم، وهو ما يتطلب ضرورة توافر معلومات عن الطلاب تتصل بخلفياتهم وخبراتهم وتوجهاتهم الحياتية حتى يمكن تلبية حاجاتهم التعليمية، فالطلاب يعتبرون منفصلين بعضهم عن بعض ويختلفون في خلفياتهم وإهتماماتهم وخبراتهم كما قد يمتلكون فرصاً قليلة للتفاعل مع مدرسيهم خارج الفصل الافتراضي ويعتمدون غالباً على توافر وصلات فنية تعمل للتغلب على الفجوات أو عوامل القصور والتي تفصل الطلاب المشتركين سواء في الفصول الدراسية التقليدية أو الافتراضية على حد سواء.
٤. أن الطلاب في تلك الجامعة يتعلمون بطريقة أكثر عمقاً وتفهماً ويمكنهم ربط المعلومات الجديدة بالأمثلة والتمارين المفهومة والمألوفة لدهتم والرجوع إلى مصادر المعرفة وتقويم ما سبق تعلمه بعكس الطالب الذي يتعلم تقليدياً فيميل- في الغالب- إلى التركيز على الحفظ وتذكر الحقائق والتفاصيل لأداء الواجبات المدرسية حتى يجتاز الإختبارات والإمتحانات فقط، مما يجعله مبتعداً عن الفهم والتأقلم في الحياة الواقعية التي يحياها حيث أن الحفظ والتذكر تعتبر مداخل سطحية وسلبية للتعلم الجيد والتعلم مدى الحياة.
٥. أن التعلم في تلك الجامعة يعتمد بصورة أساسية على تكنولوجيا التعليم المتقدمة، وهو ما يتطلب ضرورة أن يكون لدى الطالب الذي يريد الإلتحاق بتلك الجامعة المعلومات والمهارات الأساسية اللازمة لحسن استخدامها والإستفادة منها حتى يستطيع تحديد أنسب البرامج المتاحة والمتوفرة له وكيفية التفاعل مع زملائه وأساتذته والتواصل السريع معهم وتقويم ما تم تعلمه وغيرها من الأمور التي لا يحتاج إليها الطالب الذي يتعلم تقليدياً ولذلك فتصميم التعليم في تلك الجامعة لا بد أن يلبي احتياجات ومتطلبات الطلاب المتنوعة.

التعليم الديني في الفضاء الافتراضي وأهدافه

١. الأهداف

- نشر الإسلام المحمدي الأصيل المبتني على التعاليم الإسلامية الأصيلة،
- إشاعة الأخلاق الإسلامية ونشر الفضيلة والتقوى في المجتمع،
- ترويض الثقافة القرآنية ونشر النظريات الإسلامية وإيجاد بيئة مناسبة لتقوية الأسس المعرفية والإيمانية لدى المجتمعات الإسلامية في العالم الإسلامي.
- تربية وتنشئة متخصصين وباحثين إسلاميين وعلماء دينيين أتقياء في مختلف مجالات العلوم الإسلامية والعلوم الإنسانية الإسلامية بالتركيز على الهوية الحوزوية الجامعية.
- السعي لتبوء مكانة مرموقة في مجال إنتاج الفكر الديني ونشره في الفضاء الافتراضي والتشرف بحمل لوائه.
- الوصول إلى مرحلة تؤهل الجامعة للمرجعية العلمية والتعليمية في العالم الإسلامي في الفضاء الافتراضي على المستوى العالمي.
- تقوية أواصر الوحدة في العالم الإسلامي من خلال التعاون الاستراتيجي مع الجامعات الافتراضية وتركيز حضورها المؤثر والفعال في جميع البلدان وفي الفضاء الافتراضي للتعليم.

٢. معوقات التعليم في الفضاء الافتراضي

- هناك مجموعة من المعوقات التي تحول دون بلوغ التعليم الافتراضي لأهدافه من أبرزها ما يلي:
- ضعف البنية التحتية لغالبية الدول النامية،
 - ضعف أو عدم انتشار استخدام الحاسوب في كثير من الدول الإسلامية والذي يعد من أهم مقومات التعليم الافتراضي (الدهشان، ٢٠٠٧): ويرجع ضعف انتشار أجهزة الحاسوب في معظم الدول العربية إلى ارتفاع أسعارها واعتبارها من أجهزة الرفاهية حيث تفرض كثير من الدول ضرائب على هذه الأجهزة عند شرائها محلياً ورسوم جمارك عند استيرادها مما يحد من امتلاكها واستخدامها

من قبل فئات كبيرة من المجتمع وكذلك صعوبة الإتصال بالإنترنت ورسومه المرتفعة وعدم إمام المتعلمين بتقنيات الحاسوب تصفح الإنترنت. (العبيدي، ٢٠١٣: ٥٠)

- عدم اعتراف بعض الجهات الرسمية بالشهادات التي تمنحها الجامعات الإلكترونية.
- عدم وضوح أسلوب وأهداف هذا النوع من التعليم للمسؤولين عن العملية التربوية بسبب سيادة العقلية التلقينية والقائمة على الإجتراح والتكرار في مؤسسات التعليم العربية والذي يعد سبباً مهماً في عدم تنامي الدخول في مجتمع المعرفة أو التعليم عبر الوسائل التقنية أو الإلكترونية والتي تشجع في المقابل الحوار والإبداع والتعلم الذاتي وثقافة السؤال، إضافة إلى ضعف الوعي التكنولوجي لدى الدارس وعدم اهتمامه باستخدام التكنولوجيا المتقدمة وإهتمامه بنيل الشهادة فقط بلا جهد. (الدهشان، ٢٠٠٧)
- التكلفة العالية في تصميم وإنتاج البرمجيات التعليمية.
- الرفض والمقاومة من جانب المجتمع: فإستخدام الإنترنت في التعليم مثله مثل كل فكرة جديدة في الحياة يواجه بالفعل رفضاً اجتماعياً كبيراً خاصة في العالم العربي حيث تمثل قضية استخدام الطالبات للإنترنت- مثلاً- تحدياً حقيقياً لاسيما عندما يتعلق الأمر بمحاولة إقناع أولياء أمورهن أو ذواتهم بسبب الإتجاهات غير الصحيحة عن الإنترنت والنظر إليه من زاوية الجوانب المضرة له على القيم والأخلاق والأمان والمصدقية. (فياض عبد الله مع مجموعة من الباحثين، ٢٠٠٩)
- رؤية بعض المعلمين الذين لا تتوافر لديهم مهارات تقنية على أنها بيئة معقدة مما يستبعدا البعض.

٣. مبررات ادخال التعليم الديني

- إحداث نقلة نوعية في مسيرة التعليم من خلال الإستفادة القصوى من المعلوماتية ونظم التعليم الإلكتروني في المدارس وجعلها أكثر قدرة وكفاءة على التعامل مع المستجدات وأكثر استجابة لمتطلبات العلوم الدينية.

- أهمية التعليم الديني وفضل العلم، فإن تحصيل العلم مقدم على العبادة وعبادة الفرد متوقفة على المعرفة، فإن من لم يعرف المعبود ولا صيغة العبادة ولا آثارها كيف وأنى تأت له العبادة الصحيحة؟ وكيف يكون عمله صائباً؟ فثمره العلم الطاعة والعبادة وإن العلم أمام العمل والعمل تابعه.
- استثمار القدرات الكبيرة التي تتيحها تكنولوجيا المعلومات والاتصال لتحقيق جودة التعليم الديني ورفع كفاءته وتحقيق كفايات مناهج المواد الدراسية في جميع مراحل التعليم.
- المساهمة في نشر الوعي بين اوساط الأمة ومواجهة التحديات التي تتعرض لها الأمة الإسلامية.
- تحسين مهارة الاتصال والكتابة وتمكين الطلبة من تعلم مختلف المواضيع التي يحتاجونها في مسيرتهم التعليمية.
- دخول الإنترنت إلى البيوت ووصول العلوم الدينية إلى الجميع يساهم بتلبية حاجات المؤمنين ممن يريدون الإرتقاء بمستواهم المعرفي وكذلك يساهم بالتمهيد وتهئية الأرضية الصالحة ويسارع عوامل الظهور لمولانا الامام المهدي عليه السلام.
- الإنترنت وسيلة تعلم مناسبة لجميع فئات الطلاب (الموهوبين، العاديين، بطيئين التعلم، المعوقين) في الفضاء الافتراضي.
- الدراسة عبر الانترنت تساعد على توفير أكثر من طريقة في التدريس ذلك أن الإنترنت هي بمثابة مكتبة كبيرة تتوفر فيها جميع الكتب سواء كانت سهلة أو صعبة كما أنه يوجد في الإنترنت بعض البرامج التعليمية باختلاف المستويات.
- تعتبر الإنترنت مثال واقعي للقدره على الحصول على المعلومات من مختلف أنحاء العالم.
- تكون الإنترنت مصدراً إثرائياً للمعلم في مادته كما أنها توفر بيئة للتواصل متعددة الطبقات مع (المعلمين، الطلاب، المختصين، المجتمع).

٤. مجالات استخدام الفضاء الافتراضي في التعليم الديني

ما حدث من انفجار معلوماتي بعد ظهور شبكة المعلومات - الإنترنت - أغرى الكثيرين في الاستفادة من الإنترنت في مختلف المجالات الصناعية والعسكرية والاقتصادية ومن بين هؤلاء التربويين حيث تم توظيف الإنترنت في مجال التعليم الديني، إذ تم استخدام هذه الشبكة في التعليم في المجالات التالية.

- الحصول على المعلومات التي يحتاجها المتعلم كذلك الإطلاع على الكثير من الكتب الإلكترونية والدوريات وقواعد البيانات مما يقدم له كما من المعلومات التي يحتاجها في التعلم.
- الإتصال المباشر حيث يتم التخاطب مع الآخرين بواسطة التخاطب الكتابي حيث يقوم الشخص بكتابة ما يريد قوله باستخدام لوحة المفاتيح والشخص المقابل يرى ما يكتبه في اللحظة نفسها فيرد عليه بنفس الطريقة مباشرةً كذلك هناك التخاطب الصوتي ويتم التخاطب صوتياً في اللحظة نفسها عن طريق الإنترنت وهناك أيضاً التخاطب بالصوت والصورة ويتم فيه التخاطب على الهواء.
- يمكن استخدام شبكة المعلومات كوسيلة تعليمية لنشر العلوم الدينية و تلخص أهميتها في النقاط التالية:

- تساعد في توسع حدود التعلم حيث يمكن في أي مكان تتوافر فيه شبكة المعلومات وعن طريق استخدام الوسائط المتعددة التي تسهل التعلم وتجعله ممتعاً للمتعلم وفي جميع المراحل الدراسية فهي لا ترتبط بفصل دراسي في مكان محدد، بل تتجاوزه لتسمح للطلاب بمواصلة التعلم وتشجيعه على زيادة معرفته العلمية.
- تسمح للمتعلم بنشر نتائج بحثه من خلال المشاركة في أحد المواقع المتوفرة على الإنترنت، فهي تعمل كدار نشر مجانية.
- عرض المحتوى على هيئة نصوص متشعبة مثل شبكة النسيج العالمية، وهي بذلك تساعد المتعلم على متابعة تسلسل وتفرع محتوى المواضيع التي يبحثها وبالأسلوب الذي يريده في حين أن الفصول الدراسية التقليدية تفتقر لهذه الخاصية.

- تدعم شبكة الإنترنت التعلم عن بعد حيث يوجد العديد من المقررات بمرونة المحتوى والوقت للدراسة كما أن المعلم يحصل على تقييم لأدائه وتمكن الإنترنت كلاً من المعلم والتلميذ بالإتصال المتزامن وغير المتزامن بشكل جماعي أو فردي، وهذا يضيفي بعداً جديداً على أساليب التعلم.
- قدرة الإنترنت على تفريد التعليم، فالمتعلم يختار المحتوى والوقت الذي يناسبه كما أنه يختار الوسائط والوسائل التعليمية ومصادر التعلم ووسائل التقييم التي يرى أنها تساعده في تحقيق تعلم أفضل وعرض المحتوى في الإنترنت على هيئة وسائط متعددة يستخدم فيها الصوت والصورة والحركة والنص بحيث يتم مراعاة الفروق الفردية بين التلاميذ والتقييم في الإنترنت لا يقتصر على المعلم، فهناك تقييم الأقران والزملاء والمتواجدين في أماكن جغرافية مختلفة، وذوي الخبرات المختلفة أيضاً.

- نقل وتبادل المعلومات والخبرات بين المدارس والمؤسسات التعليمية.

٥. إيجابيات وسلبيات الفضاء الافتراضي في التعليم الديني

- إمكانية الوصول لعدد أكبر من الطلاب والمتابعين في مختلف دول العالم.
- سهولة تطوير محتوى المناهج الموجودة عبر الإنترنت.
- تغيير نظم وطرق التدريس التقليدية يساعد على إيجاد فصل مليء بالحيوية والنشاط.
- عدم التقيد بالساعات الدراسية حيث يمكن وضع المادة العلمية عبر الإنترنت، ثم يحصل عليها الطالب في أي مكان وأي وقت.
- يمكن استخدام الإنترنت في عملية التعلم بالحصول على خطط دراسية في التخصصات المختلفة والقدرة على التواصل بين المعلم وطلابه والمعلمين وبعضهم البعض.

- يمكن الإنترنت المعلمين من الإتصال بزملائهم في مواقع جغرافية متباعدة لتبادل الخبرات في مجالات تخصصهم.
- للإنترنت دور كبير وهام في التقليل من العزلة الإجتماعية لذوي الإحتياجات الخاصة.
- الحصول على آراء العلماء والمفكرين والباحثين المتخصصين في مختلف المجالات في أي قضية علمية.
- المرونة في الوقت والمكان.
- إيجاد فصل دراسي بدون حائط.

٦. سلبيات استخدام الإنترنت في عمليتي التعليم والتعلم

- عدم وجود الرابط بين المناهج وتقنية المعلومات لحدثة الأخيرة.
- قد لا يستطيع بعض الطلبة التعبير عما في نفسه باستخدام الإنترنت كما في التعليم التقليدي مما قد يسبب لهم بعض الإحباط عدم استقرار وثبات المواقع والروابط التي تصل بين المواقع المختلفة على شبكة الإنترنت فقد نجد الموقع أو المعلومة اليوم ولا نجدها غداً.
- وجود الممانعة وعدم التقبل للتقنيات الحديثة في مجال التعليم لدى بعض المعلمين ورجال التعليم.
- ضعف البنية التحتية للإتصالات في بعض الدول مما يؤثر سلباً عليالإتصال بشبكة الإنترنت.
- الحاجة لتعلم كيفية التعامل مع هذه التقنيات الحديثة.
- فقد الحس الإجتماعي وسط الأسر وسيطرة التساؤم تخوفاً من تحطم العلاقات الإجتماعية وانهارها.
- الإدمان من قبل الشباب على استخدام الإنترنت.
- صعوبة مواكبة التطور السريع لتقنيات الحاسوب.

الخاتمة والتوصيات

١. الإشادة بجهود جامعة المصطفى ﷺ المفتوحة الإسلامية لمساهمتها في خدمة الثقافة الإسلامية وفي العمل على الإسهام في بناء مجتمع واعي في العالم الإسلامي ودعوتها إلى تعزيز جهودها في هذا الشأن.
٢. دعوة وسائل الإعلام ومؤسسات الإتصال الجماهيري المختلفة إلى التعريف بجامعة المصطفى ﷺ المفتوحة وإبراز دورها في مسيرة الحضارة الإنسانية والإسلامية.
٣. التأكيد على ضرورة تظافر الجهود من أجل مواجهة التحديات التي تفرضها العولمة ووسائلها التعبيرية على الثقافة الإسلامية من خلال تعزيز العمل الثقافي الإسلامي المشترك وإيلاء مزيد من الاهتمام بالسياسات الثقافية في البلدان الإسلامية، تحصيننا للذات الإسلامية للأمة وضمانا لأمنها الثقافي والروحي في ضوء جهود نشر الفكر المحمدي الاصيل.
٤. الدعوة إلى الإرتقاء بالخطاب الإسلامي وآلياته إلى مستوى مواجهة التحديات المعاصرة والعمل على الإستفادة من الخبرات والطاقات المسلمة في مجال الفضاء الافتراضي في إبراز الوجه الحضاري للثقافة الإسلامية.
٥. التأكيد على ضرورة استثمار شبكة المعلومات الدولية في التمكين لانتشار الثقافة الإسلامية باللغات العالمية الأكثر استعمالا تحت إشراف مختصين في مجال العلوم الإسلامية والتقنيات المعلوماتية.
٦. الدعوة إلى استثمار الفضاء الافتراضي في تعريف شباب الأقليات المسلمة بالدول الغربية بالقيم والمبادئ الإسلامية تنفيذا لمقتضيات إستراتيجية العمل الثقافي الإسلامي خارج العالم الإسلامي والعمل على الإستفادة من رصيد الكفاءات العلمية.
٧. الإهتمام بالاعلانات والتعريف بجامعة المصطفى ﷺ المفتوحة.
٨. التأكيد على ضرورة إعداد الأطر والكفاءات الإعلامية المسلمة القادرة على استثمار الإمكانيات التي يتيحها عصر الفضاءات المفتوحة في الإنفتاح على الشعوب والثقافات الأخرى والتفاعل الإيجابي معها.

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧). الكافي. تحقيق على أكبر المختاري. تهران: دار الكتب الإسلامية.
٣. الشهيد الثاني، زين الدين بن علي (١٤٠١). منية المرید في أدب المفيد والمستفيد. تحقيق على أكبر المختاري. قم: مكتب الأعلام الإسلامي.
٤. الأحمری، سعدية (٢٠١٥). التعليم الإلكتروني. محاضرة في تقنيات التعليم القيت في وزار التربية. قاهره: وزارة التربية والتعليم.
٥. الحصري، أحمد كامل (٢٠٠٢). أنماط الواقع الافتراضي وخصائصه وآراء الطلاب في برامجه. مجلة تكنولوجيا التعليم. الجمعية المصرية لتكنولوجيا التعليم. المجلد الثاني، الكتاب الأول: ٤٦-٣.
٦. الدهشان، احمد علي (٢٠٠٧). الجامعة الافتراضية أحد الأنماط الجديدة في التعليم الجامعي. ورقة عمل مقدمة إلى المؤتمر القومي الرابع عشر لمركز تطوير التعليم الجامعي. بجامعة عين شمس.
٧. سمير علي. التعليم الافتراضي التعليم الخليط. موقع تكنولوجيا التعليم: <http://www.khayma.com/education-technology/newl>
٨. العبيدي، قاسم (٢٠١٣). التعليم الافتراضي: الواقع والطموح. مجلة علوم وتكنولوجيا. الأردن: جامعة فلادلفيا. العدد ١٠.
٩. العزي، وفاء رفعت (٢٠١٣). التعليم الافتراضي في العراق واقع لم يتحقق بعد. مؤسسة النور للثقافة والأعلام.
١٠. علي، فياض عبدالله. حسون، رجاء كاظم. و حيدر عبود نعمة (٢٠٠٩). التعليم الإلكتروني والتعليم التقليدي: دراسة تحليلية مقارنة. كلية بغداد للعلوم الاقتصادية الجامعة. العدد ١١: ٢٩٤-٢٦٩.

دور الفضاء الإلكتروني في الحوار بين الأديان

الكاتبة: الدكتورة. نزيهة صالح (لبنان)^١

قبول: ١٤٣٨/١١/١٦

استلام: ١٤٣٨/١٠/٢٤

المستخلص

أرسل الله سبحانه وتعالى الأنبياء بهدف الدعوة الى التوحيد وعبادة الله الواحد الأحد وكان آخرهم رسول الله محمد ﷺ الذي جاء بخاتمة الرسالات ودعا كافة اتباع الديانات السماوية لاتباعه ولكن بالتالي هي أحسن، فدعا الى الله كما امره الله سبحانه وتعالى بالحكمة والموعظة الحسنة انطلاقاً. ان مسألة الحوار بين الأديان قديم قدم الأديان ولكن بطرق وأساليب مختلفة وتسمية حوار الأديان هو من المصطلحات الحديثة الإستخدام يهدف الى التعايش والتواصل والتفاهم بين الأديان المختلفة في ظل التطور الحديث للتواصل والإتصالات والثورة المعلوماتية والتي احتلت الفضاء الإلكتروني، ساهم كثيراً في توعية الاجيال لمسألة تقبل الآخرين من الديانات المختلفة وقد حاول الغرب ان يضع الحوار في مصلحته لتحقيق استعمار الا ان التقريبيين نجحوا في التغلب على الإستعمار بالحوار بين بني الأديان. فكان التبادل في المعارف والخبرات والتعرف على قيم الآخرين وزادت مفاهيم الحوار والأخوة الإيمانية وحسن الظن بالآخر وعدم تكفير المسلم وتجنب الإساءة للمقدسات والرموز وغيرها من العناوين بفضل صمود التقريبيين في وجه الإستعمار، مستخدمين اللغة التي تقرب البشر والتي نجد لها أصولاً قرآنية مباشرة كما ان للأديان المختلفة أصل واحد بارتكاز الأديان السماوية على المبادئ المشتركة كعامل إيجابي لسير الحوار والإنطلاق من أرضية مشتركة مما يوفر قدراً كبيراً من الشعور بالتفاهم والتفهم، فيكون الإنطلاق من المشتركات عامل اولي للتقريب. فشكل أصل الإيمان برسالات الأنبياء السابقين في صورتها الحقيقية البعيدة عن التحريف والتبديل نقطة الإنطلاق لدى المسلم في نظرتة للآخر غير المسلم من أهل الكتاب وغيرهم وبدأ التحوار معهم على أساس المبادئ التي جاءت بها الديانات السماوية من الحق والخير.

١. محاضر في الجامعة الأمريكية في بيروت، بيروت، لبنان، nazahasaleh@googlemail.com

وقد كان رسول الله ﷺ أسوة حسنة في الحوار والدعوة الى الله حين أرسل رسائله الى ملوك وحكام العالم ودعاهم الى الله برسائله المشهورة التي اثبت التاريخ كيف كان لها تأثير مباشر وغير مباشر على البشرية عبر الزمن.

الكلمات المفتاحية: الدعوة الى الله، رسائل الرسول ﷺ، حوار الأديان، التقريب، الفضاء الإلكتروني

المقدمة

بدأت الشعوب منذ بدء الخلق تتبادل المعارف والخبرات وأنماط الحياة من قيم وسلوك وتقاليد عن طريق التفاعل العفوي الطبيعي بحيث أصبحت مع الزمن بمجملها جزءاً من مفردات نسيجها الاجتماعي وازداد التفاعل بفعل التواصل الحضاري والتطور في وسائل الإتصال والتواصل.

وكان الحوار الديني في الإسلام عبر التاريخ قوة في السجل الثقافي ووسيلة ناجعة من وسائل الدفاع عن كيان الأمة وعقيدتها ومنهجها لغرض تبليغ رسالتها واطهار حقيقتها واسماع صوتها وكان المساعد لكسب الأنصار وفق المنهج الذي يأمر به القرآن.

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» . (آل عمران، ٦٤)

حوار الأديان مصطلح يستخدم للتعبير عن اللقاء مع الآخر المختلف عنا بفكره وقناعاته و يتنوع بحسب أهدافه وأغراضه، وله عدة معاني واغراض منها:

- حوار الدعوة الى الدين،
- حوار التعايش أو التسامح،
- حوار التقريب و الوحدة.

وقد اراد الغرب ان يحول الحوار بين الأديان الى وسيلة استعمارية ومناورة سياسية لوقف القتال بعد تحقيقهم لبعض المكاسب.

دور الفضاء الإلكتروني في الحوار بين الأديان / ١٦٥

والهدف من الحوار برأى الغرب هو إقناع الآخرين باتخاذ قرارات معينة، فإن بدر منهم ذلك فدعهم يسمونه ما يشاؤون. (القاسم، لاسنة)
وفي هذا يذكر هيوكيتسكل زعيم حزب العمال البريطاني في كتابه «التعايش السلمي والخطر الذي ينتابه» تعريف التعايش بأنه:

مناورة خالصة وهي ظاهرة مؤقتة قد تقتضي تحوير السياسة بوقف القتال وتخفيف الضغط. (المؤتمر التشيرى في الولايات المتحدة الأميركية، ١٩٧٨)

أما بالنسبة للتعايش والتسامح فالحوار يحل المعضلة فيما يتعلق بالعلاقة المعيشية البحتة بين معتنقي الأديان. (فروخ، ١٩٨٩: ٢٥٧)

والإسلام يرحب بالأقليات الدينية ويدعو إلى أفضل تعايش معها من خلال الإحسان والبر والقسط، (الحسين، ١٤١٩: ٢٧) هذا لا يتنافى مع النصوص التي تتحدث عن غير المسلمين بالنسبة للإيمان والكفر. (القاضي، ١٤٢٢: ٣٤٩)
قال تعالى:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (الممتحنة، ٨)

والمطلوب من الحوار مع أصحاب الديانات الأخرى هو دعوتهم للدين الإسلامي الخاتم والناسخ لجميع الأديان السابقة كما جاءت رسالة الرسول محمد ﷺ وايضاح محاسن الإسلام و استنقاذهم من ظلمات الشرك والجهل وبالتالي فهذا النوع من الحوار مطلوب شرعاً «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ».

نذكر من دعاة الحوار في العصر الحديث المفكر روجيه جارودي الذي دعا للتحاور بين الأديان على أساس إقامة وحدة فيدرالية للطوائف الدينية ورأى أن الرابط بين الأديان هو الإيمان بمعناه الأرحب والأوسع ورأى أن أفضل دين فيه سعة ورحابة هو الإسلام بمدلوله العام والذي يعني الإستسلام لله.

ان الفكرة الأولى لعلاقات المسلمين مع بقية الطوائف الدينية في فكر ورأي النبي ﷺ كانت إقامة وحدة ما بين الطوائف الدينية، ذلك أن الإسلام هو أكثر الديانات جمعاً وتوحيداً للإنسان وهو بمثابة عصارة وزبدة الأديان. (العقل، ٢٠٠١: ٤١٢)

ويشير جارودي في كتابه «الإسلام دين المستقبل» إلى فكرة أخرى دفعته لإعتناق الإسلام وهي شمولية هذا الدين الحنيف وقدرته على استيعاب سائر أتباع الهديانات الأخرى والتفاعل مع الشعوب غير المسلمة.

ويضيف جارودي أن الإسلام انفتح على هذه الهديانات وأتباعها وثقافتهم وأخذ من حضنا ارتهم وأعطاهما كما أنه- أي الإسلام- أظهر قدرةً مدهشةً على إمكانية التعايش بين مختلف هذه الحضارات وقال إن هذا ما أعطى المسلمين زخماً كبيراً في الإنطلاق شرقاً وغرباً والإنتشار حتى في أماكن لم تدخلها ديانات سماوية من قبل مثل أفريقيا وجنوب الصحراء.

ومن قوله في شمولية الإسلام: أظهر الإسلام شمولية كبرى في استيعابه لسائر الشعوب ذات الديانات المختلفة، فقد كان أكثر الأديان شمولية في استقباله للناس الذين يؤمنون بالتوحيد وكان في قبوله لأتباع هذه الديانات في داره منفتحة على ثقافتهم وفي إطار توجهات الإسلام استطاع المسلمون آنذاك ليس فقط إعطاء إمكانية تعايش لهذه الحضارات، بل أيضاً إعطاء زخم قوي للإيمان الجديد.

وتمكن المسلمون في ذلك الوقت من تقبل معظم الحضارات والثقافات الكبرى في الشرق وأفريقيا والغرب وكانت هذه قوة كبيرة وعظيمة لهم وأعتقد ان هذا الإنفتاح هو الذي جعل الإسلام قوياً ومنيعاً. (غارودي، ١٩٨٣)

الحوار لغة واصطلاحاً

أصل كلمة حوار في اللغة العربية هو الحاء- الواو- الراء، وقد بين ابن فارس في «معجم المقاييس في اللغة» أن:

الحاء والواو والراء ثلاثة أصول: أحدها لون والآخر الرجوع والثالث أن يدور

الشيء دوار. (ابن فارس، ١٤١٨: ٢٨٧)

دور الفضاء الإلكتروني في الحوار بين الأديان / ١٦٧

وتعود أصل كلمة الحوار إلى الحور وهو الرجوع عن الشيء وإلى الشيء، يقال: حار بعدما كار والحور نقصان بعد الزيادة لأنه رجوع من حال إلى حال وفي الحديث الشريف: «نعوذ بالله من الحور بعد الكور». (حجاج النيسابوري، ١٤٠٧، باب ٧٥، ح ٣٣٤٠) ومعناه نقصان بعد الزيادة.

والتحاور يعني التجاوب كأن تقول: كلمته فما حار إليّ جواباً أي ما رد جواباً. (ابن منظور، ١٤١٢، ج ٥: ٢٩٧) وفي قوله تعالى: «إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ»؛ (الإنشقاق، ١٤) أي أنه لن يرجع (الشوكاني، ١٤١٨، ج ٥: ٥١٥) وقول هم يتحاورون أي يتراجعون الكلام والمحاورة مراجعة المنطق والكلام في المخاطبة (ابن منظور، ١٤١٢، ج ٥: ٢١٨) وفي «أساس البلاغة» حاورته أي راجعته الكلام وهو حسن الحوار وكلمته فما رد على محورة (الزمخشري، ١٤١٩: ٩٨) وفي «القاموس المحيط» تحاوروا أي تراجعوا الكلام بينهم (الفيروزآبادي، ١٤٢٦: ٤٨٧) وقد ورد ذلك أيضاً في «المعجم الوسيط» (إبراهيم أنيس وآخرون، ٢٠٠٤: ٢٠٥) أما في «تاج العروس» فيقصد بالمحاورة أنها المجاورة ومراجعة النطق والكلام في المخاطبة (الزبيدي، ١٤١٤، ج ٦: ٣١٧) وقد ذهب آخرون إلى أن الحوار هو لغة المجاورة والمجادلة والمراجعة. (زمزمي، ١٤٢٢: ٣٢)

أما في الاصطلاح فالحوار هو نوع من الحديث بين شخصين أو فريقين يتم فيه تداول الكلام بينهما بطريقة متكافئة وهو أيضاً أن يتناول الحديث طرفان أو أكثر عن طريق السؤال والجواب بشرط وحدة الموضوع أو الهدف، فيتبادلان النقاش حول أمر معين وقد يصلان إلى نتيجة وقد لا يفتن أحدهما الآخر ولكن السامع يأخذ العبرة ويكهون لنفسه موقفاً. (النحلاوي، ١٩٩٥: ٢٠)

وكذلك الحوار هو محادثة بين شخصين أو فريقين حول موضوع محدد لكل منهما وجهة نظر خاصة به، بهدف الوصول إلى الحقيقة أو إلى أكبر قدر ممكن من تطابق وجهات النظر (عجك، ١٤١٨: ٢٠) وبتعريف آخر الحوار هو أدب تجاذب الحديث بشكل عام بين طرفين بأسلوب علمي. (أشحروري، لا سنة: ٤٨)

بدء الحوار

بدأ تاريخ الحوار في الإسلام أيام الرسول ﷺ حين أدرك أهمية الحوار من أجل الرسالة، فقام بداية بدعوة الناس الى الهدى ثم بدأ الحوار مع مشركي قريش وقد ذكر لنا القرآن الكريم الكثير من هذه الحوارات ومنها هجرة أصحاب الرسول ﷺ الى الحبشة وحوارهم مع النجاشي واقناعه بعدم تسليمهم الى موفد قريش، ثم كان الحوار مع اهل الكتاب بعد الهجرة في المدينة المنورة، فحاور اليهود والنصارى وكان يبدأ كل محاورته بوحى من الرحمن بقوله: «يا اهل الكتاب» المذكورة في عدة سور قرآنية منها^١.

ضرورة الحوار

كما اسلفنا فإن الشعوب تتبادل المعارف والخبرات وأنماط الحياة من قيم وسلوك وتقاليد عن طريق التفاعل العفوي الطبيعي، فأصبحت جزءاً من مفردات نسيجها الاجتماعي بفعل التواصل الحضاري على مدى الأزمان المتعاقبة وكما أشار القرآن الكريم بقوله تعالى:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (الحجرات، ١٣)

وربما تكون الحكمة في أن الله خلق البشر متفاوتين ومختلفين وأن يظلوا كذلك ربما من أجل تحقيق التعارف والتبادل والحوار بين بني البشر.

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ». (هود، ١١٨)

واستمرت العلاقات بين الأمم والشعوب باختلاف أو باتفاق بين البشر وبقي السعي لإقامة علاقات حسنة تقوم على أساس التفاهم والإحترام المتبادل.

ونتيجة لهذا الإحساس بضرورة التلاقي والتواصل والتحاور بين شعوب العالم المختلفة عقدت العديد من اللقاءات والمؤتمرات والندوات العلمية والثقافية من أجل تحقيق أرضية مشتركة للتعاون والحوار بين الأديان والحضارات باعتبار ذلك يمثل أرقى صيغ الحوار مع الآخر في عصر المدنية والتحضّر.

١. الرجوع إلى: آل عمران: ٦٤، ٩٨، ٩٩/النساء: ١٧١/المائدة: ١٥، ١٩، ٥٩، ٦٨، ٧٧.

أثبت الحوار عبر العصور انه قوة في السجال الثقافي و وسيلة ناجعة من وسائل الدفاع عن كيان الأمة وعقيدتها ومنهجها لغرض تبليغ رسالتها واطهار حقيقتها واسماع صوتها كما سجل عبر الزمن انه العامل المساعد لكسب الأنصار وفق المنهج الذي يأمر به القرآن:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ». (النحل، ١٢٥)

وتأسيسا على ما تقدم، فإن الحوار الذي يدعو إليه الإسلام لابد أن يستند إلى الأسس والمنطلقات التالية:

١. الإحترام المتبادل،
٢. الإنصاف والعدل،
٣. نبذ التعصب والكراهية.

ومن هنا فإن الإحترام المتبادل بين الأطراف المتحاورة هو المنطلق الأول الذي يجب أن يرتكز عليه الحوار وفقا للتوجيهات القرآنية التي سوف نتحقق عبرها النتائج الإيجابية من الحوار:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (الأنعام، ١٠٨)

وبذلك نضمن ألا يكون الحوار ساحة للجاج العقيم وتطاولا على كرامات الناس والمس بمكانتهم وتبادل الإساءة فيما بينهم حتى لا يفقد الحوار صيغته ومعناه وهدفه ولا شك أن هذا التوجيه القرآني يرقى من مستوى نبذ التعصب والكراهية إلى مقام أرفع وهو البر بالناس الذي يعني الإحسان بكل دلالاته الأخلاقية ومعاملتهم بالقسط الذي يعني العدل في الطرح والتوجيه:

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ». (البقرة، ٨٣)

فالحسن هنا ليس معناه مجرد التلطف بالقول والمجاملة بالخطاب الحسن النافع في الدين والدنيا.

الحوار والدعوة في عصر الفضائيات

بعد كل ما تقدم نرى ان الحوار هو تبادل المعلومات والأفكار والآراء سواء كانت تبادلاً واضحاً أم غير واضح مكتوباً أم شفوياً وينعقد الحوار بمجرد التعرف على وجهات نظر الآخرين وتأملها وتقويمها والتعليق عليها. (التركستاني، لا سنة: ١٠)

وثمة مصطلحات يضعها الباحثون لها نفس المعنى من الحوار مثل «الجدل» و«المناظرة» و«المحاججة» و«المناقشة» و«المباحثة» وقد تستخدم بعض هذه المصطلحات مكان الحوار أو في معناه الإصطلاحي وقد حث القرآن الكريم في آيات كثيرة على الحوار الهادف البناء مع غير المسلمين خاصة أهل الكتاب لبيان الحق وإزالة الإبهام والغموض حول القضايا المختلفة فيها.

ومن يتدبر الآيات القرآنية المتعلقة بالحوار يجد بكل وضوح أن القرآن الكريم قد تناول القضايا الأساسية في الحوار مثل أسباب الحوار ودوافعه وأغراضه وأنواعه وكذلك أصناف المحاورين وأخلاقيات الحوار ودائرته وأصوله وضوابطه وما إلى ذلك.

ومن يتأمل تلك الآيات يخرج برؤية قرآنية واضحة حول الحوار وأصوله وضوابطه التي تضبط مسار الحوار وتوجهه نحو الوصول إلى الهدف المنشود ولا بد ان يكون كل محاور على معرفة بها حين دخوله في الحوار مع الآخر وإلا فالحوار سيتحول الى جدل بينظي^١ لا نتيجة مرتجاة منه كما هو حاصل في الحوارات والنقاشات التي تحصل أحيانا في بعض الفضائيات التي تعتبر نفسها انها وسيلة إعلامية تربوية أو دعوية أو انها لصالح

١. يعود أصول هذا التعبير إلى القرن السابع الميلادي، عندما شُغف مواطنو الإمبراطورية البيزنطية بالجدل اللاهوتي ودرج البيزنطيون في مجالسهم على الجدل حول الثالوث وطبيعة الأب والابن وكانت هذه الجدليات تلهب الأجواء بين البيزنطيين بمختلف طبقاتهم الاجتماعية والفكرية كما كانت تهز كنائس الشرق بأكملها إلى ان أوقف قسطنطين الثاني هذا الجدل عام ٦٤٨ ميلادية.

بني البشر ولكن بالنتيجة نرى عبرها ان النقاش يتحول فضائياً إلى إهانة وسباب وشتائم ضد الطرف الآخر الذي من المفترض اننا نحاوره فتزداد بذلك البغضاء والنفور من الدين.

ان الإيمان بجميع الأنبياء ﷺ من مستلزمات العقيدة الإسلامية، ولا شك أن هذا الإيمان يشكل أساساً لتعامله مع الآخرين من أهل الكتاب، بقوله تعالى:

«وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». (البقرة، ١٣٥)

فأصل الإيمان برسالات الأنبياء السابقين في صورتها الحقيقية البعيدة عن التحريف والتبديل يشكل نقطة الإنطلاق لدى المسلم في نظرته للآخر غير المسلم من أهل الكتاب وغيرهم والتحاور معهم على أساس المبادئ التي جاءت بها الديانات السماوية من الحق والخير والعدم.

قال تعالى:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ». (الشورى، ١٣)

أن فهم المتحاورين من الأديان المختلفة أصل وحدة الأديان السماوية وارتكاز تلك الأديان على المبادئ المشتركة عامل إيجابي ينبغي على الفضاء الإلكتروني ان يركز عليه في الحوار منذ البداية حيث أن الجميع ينطلقون من أرضية مشتركة توفر لهم قدراً كبيراً من الشعور بالتفاهم والتفهم، فيكون الإنطلاق من المشتركات عامل اولي مساعد كي يخوض المتحاورين في التقريب انطلاقاً من النقاط المشتركة التي عبر عنها التنزيل ب «كلمة سواء».

ولا شك أن تحديد النقاط المشتركة بين المتحاورين منذ البداية والبدء بها يساعد على تشخيص نقاط الخلاف وتحرير محل النزاع ومن ثم محاولة معالجتها بحكمة وتروي.

وتقليل الفجوة قدر الإمكان يزيد من فرصة التلاقي في نقاط كثيرة ولمرات عديدة يمكن ان توصل الى نتيجة إيجابية في وضوح الرؤية بعد ان يكون الهدوء الذهني قد ساهم في القضاء على التوتر النفسي من بداية الحوار.

ولا بد ان يكون المتحاورين متسلحين بالعلم وقد جعل القرآن الكريم العلم من الأمور الضرورية التي يجب توفرها في المحاور وعاب على من يجادلون في الأمور بغير علم.

قال تعالى:

- «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُبِينٍ». (الحج، ٨)
- «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ». (يوسف، ١٠٨)

حوار الرسول ﷺ مع أعتى الحكام

بعد معركة أحد وقعت في العام السادس للهجرة وقعت أحداث صلح الحديبية بين المسلمين وقريش بعد ان منعت قريش المسلمين من الحج في ذلك العام، فأجرى النبي ﷺ صلحا وفق بنود عشرة مستفيدا من فرصة الأمن لعشر سنوات للتفرغ للرسالة والدعوة الى الله سبحانه وتعالى.

ومن ضمن ما قام به الرسول ﷺ كتابة رسائل الى ملوك ورؤساء العالم آنذاك ليرمي عليهم الحججة ويدعوهم للإسلام، ومن أهم الحكام الذين كتب لهم الرسول ﷺ :

١. المقوقس حاكم مصر،
٢. هرقل عظيم الروم،
٣. كسرى ملك فارس،
٤. هوزة الحنفي أمير اليمامة،
٥. النجاشي ملك الحبشة،
٦. الحارث الحميري حاكم اليمن،
٧. الحاكم الغساني ملك الغساسنة.

- كتاب الرسول ﷺ إلى هرقل:

«بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله إلى هرقل، عظيم الروم

سلام على من اتبع الهدى

أما بعد فإني أدعوك بدعوة الإسلام، أسلم تسلم وأسلم يؤتك الله أجرك مرتين»^١.

- كتاب الرسول ﷺ إلى كسرى فارس:

«بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله إلى كسرى، عظيم فارس

سلام على من اتبع الهدى

وآمن بالله ورسوله وشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده

ورسوله وأدعوك بدعاية الله، فإني أنا رسول الله إلى الناس كافة لينذر من كان حيا

ويحقق القول على الكافرين فأسلم تسلم، فإن أبيت فإن إثم المجوس عليك».

- كتاب الرسول ﷺ إلى المقوقس:

«بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله إلى المقوقس، عظيم القبط

سلام على من اتبع الهدى

أما بعد فإني أدعوك بدعوة الإسلام، أسلم تسلم يؤتك الله أجرك مرتين»^٢.

- كتاب الرسول ﷺ إلى النجاشي:

«بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله إلى النجاشي، ملك الحبشة

١. الرجوع إلى: آل عمران، ٦٤.

٢. المصدر نفسه.

سلام عليك اني أحمد الله إليك، الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن، وأشهد أن عيسى بن مريم روح الله وكلمته ألقاها إلى مريم البتول الطيبة الحسنة، فحملت بعيسى فخلقه الله من روحه كما خلق آدم بيده واني أدعوك وجنودك إلى الله عز وجل وقد بلغت ونصحت فاقبلوا نصحي. والسلام على من اتبع الهدى».

- كتاب الرسول ﷺ إلى المنذر بن ساوى:

«بسم الله الرحمن الرحيم

من محمد رسول الله إلى المنذر بن ساوى

سلام عليك

فإني أحمد إليك الله الذي لا إله إلا هو وأشهد أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله. أما بعد فإني أذكرك الله عز وجل، فإنه من ينصح فإنما ينصح لنفسه ومن يطع رسلي ويتبع أمرهم فقد أطاعني، ومن ينصح لهم فقد نصح لي، وان رسلي قد أثنوا عليك خيراً واني قد شفعتك في قومك، فاترك للمسلمين ما أسلموا عليه وعفوت عن أهل الذنوب فاقبل منهم وانك مهما تصلح، فلن نزلك عن عملك ومن أقام على يهودية أو مجوسية فعليه الجزية».

الخاتمة

في العصر الحديث ومع التطور التكنولوجي ونجاح تجربة تقنية التواصل والاتصال التي جمعت العالم بصورة سريعة تزايد الاهتمام بالحوار وتعمق الإقتناع به وبدوره في تحقيق وفاق ثابت بين أبناء الأمة الواحدة وتفاهم مشترك بين الشعوب المختلفة على أساس قاعدة الكرامة والعدالة والمساواة حتى شاع استخدام الحوار على مختلف الصعد وفي شتى الميادين الثقافية والفكرية والحضارية، فأصبح أحد الظواهر الهامة للعصر الحالي الذي كما اسلفنا أكثر ما تميز به ثورة المعلوماتية والاتصال التي هي إحدى ثمرات العلم الحديث وبات التواصل اسرع واقوى بين بني البشر واتسعت دائرة الحوار وتنوعت موضوعاته بصورة لم تعرفها الإنسانية من قبل بسبب سهولة وصول المعلومة عبر تطور تقنيتي المعلوماتية والاتصال.

ولا بد من الإشارة إلى تنوع أشكال الحوار وتعدد موضوعاته بتنوع مقاصده وأغراضه فمنه ما يعنى بالجوانب التربوية التعليمية، ومنه ما يعنى بالجوانب الثقافية المعرفية، ومنه ما يعنى بتحديد العلاقة بين الأمم والشعوب، ومنه ما يعنى بالصيغ والمناهج الدعوية، وهنا على مناهج التعليم ان تستفيد من ايجابيات الفضاء الإلكتروني لما لهذا الفضاء من تسهيلات في سرعة إيصال المعلومة الى العالم كله وبذلك يحقق التعليم الفضائي المجازي هدفه في نشر فلسفته التربوية في أرجاء المعمورة بنوعية جيدة و بكلفة أقل.

إن مما لاشك فيه أن المجتمعات الإسلامية اليوم بأمس الحاجة إلى أن ينفث فيها الحوار بشكل يتفق مع معطيات العصر وآفاقه الواسعة وان تكون تلك الحوارات بمثابة نقطة تحول وانطلاق إلى آفاق جديدة في واقعنا الاجتماعي والسياسي وفي ميادين الحياة كافة.

نجاح الحوار وفاعليته تكمن في شموليته واستيعابه لحاجة الناس ذلك أن الحوار على هذا النحو الراقى يعد ضرورة من الضرورات التي تقتضيها عملية انتظام الحياة وتفرضها طبيعة التواصل البشري، فالحوار حركة مطردة وقوة دافعة وطاقة للإبداع يجب أن تعتمد على أسس متينة لضمان استمرارها.

قائمة المصادر

١. القرآن الكريم.
٢. التركستاني، أحمد بن سيف الدين (لا سنة). الحوار مع أصحاب الأديان مشروعيتها وشروطه وآدابه. نسخة الكترونية ضمن برنامج المكتبة الشاملة.
٣. أشحوري، أحمد (لا سنة). كيف نرسخ أدب الحوار والنقد. الكويت: مجلة المجتمع. العدد ١٦٣٤.
٤. أعمال المؤتمر التبشيري في الولايات المتحدة الأمريكية (١٩٧٨). التنصير: ٧٨٣-٧٦٧.
٥. أنيس، إبراهيم. منتصر، عبدالحليم. الصوالحي، عطية. و محمد خلف الله أحمد (٢٠٠٤). المعجم الوسيط. القاهرة: مجمع اللغة العربية.
٦. ابن فارس، أبو الحسين أحمد، (١٤١٨). معجم المقاييس في اللغة. بيروت: دار الفكر.
٧. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٢). لسان العرب. بيروت: دار صادر.

٨. حجاج النيسابوري. أبوالحسن مسلم (١٤٠٧). صحيح مسلم (الحج). بيروت: مؤسسة عزالدين.
٩. الحسين، عبداللطيف بن إبراهيم (١٤١٩). التسامح مع الغرب. الدمام: دار ابن الجوزي.
١٠. الزمخشري، جار الله (١٤١٩). أساس البلاغة. بيروت: دار المعرفة.
١١. زمزمي، يحيى بن محمد (١٤٢٢). الحوار، آدابه وضوابطه. ط٢، عمان: دار المعالي.
١٢. الزبيدي، محمد مرتضى (١٤١٤). تاج العروس. بيروت: دار الفكر.
١٣. الشوكاني، محمد بن علي (١٤١٨). فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير. بيروت: المكتبة العصرية.
١٤. عجك، بسام، (١٤١٨). الحوار الإسلامي المسيحي. دمشق: دار قتيبة.
١٥. العقل، ناصر (٢٠٠١). الإتجاهات العقلانية الحديثة. الرياض: دار الفضيلة.
١٦. غارودي، روجيه (١٩٨٣). الإسلام دين المستقبل. ترجمة عبدالمجيد بارودي. بيروت: دار الإيمان للطباعة والنشر.
١٧. فروخ، عمر (١٩٨٩). التبشير والاستعمار. بيروت: منشورات المكتبة العصرية.
١٨. الفيروزآبادي، مجدالدين محمد (١٤٢٦). القاموس المحيط. بيروت: مؤسسة الرسالة.
١٩. القاسم، خالد بن عبدالله (لا سنة). الحوار مع أهل الكتاب: أسسه ومناهجه. الرياض: دار المسلم للنشر والتوزيع: ١٤٤-١١٢.
٢٠. القاضي، أحمد بن عبدالرحمن (١٤٢٢). دعوة التقريب. الدمام: دار ابن الجوزي.
٢١. النحلوي، عبدالرحمن (١٩٩٥). أصول التربية الإسلامية وأساليبها. ط٢، دمشق: دار الفكر.

References

1. **Holy Qur'an.**
2. Bageri, Khosrou (2009). **Religious Education and Related Challenges in the Twenty First Century.** Rah-e-Tarbiyat. 3 (7-8).
3. Lemke, J.L (1993). Education, Cyberspace and Change: <http://eric.ed.gov>
4. Rundell, Michael (2006). **Macmillan English Dictionary.** Macmillan Publishers Limited.

And by so doing, the information which has long been hidden become apparent. Meanwhile, learning is made easy in this process. A whole topic may be discussed in one sitting and a person will get to know knowledge that needed some years at schools to be learnt.

Conclusion

Generally, the vital role of cyberspace in the world today is inevitable. It has made great impact in all fields of learning. Religious knowledge, as well as dialogues among faiths, are not excluded from the immense contribution of the cyberspace.

In this article, it has been made clear some of the roles of cyberspace in interfaith dialogue. This has been done by looking at first of all the Islamic perspective on dialogue, then the other forms of interfaith dialogue that existed before the cyberspace.

Other issues discussed are the advantages and disadvantages of cyberspace dialogue. Here it has been revealed that, with all the great impact of the cyberspace, it still cannot go without some flaws.

Moreover, some roles of the cyberspace in interfaith dialogue have been discussed in this article. These included; the possibility of holding all types of dialogue on the cyberspace, people learning the habit of tolerating each other because they cannot see one another lest they fight, the freedom of expression of faith without fear, and the easy dissemination of knowledge, as well as easy access to information.

In my view, the most important impact of cyberspace interfaith dialogue is that, it has taught many people tolerance.

On the cyberspace, people are unconsciously obliged to listen , read, and recognize the views of others. Even if they are being provoked, they still remain unprovoked because they can not see the people on the other side physically for them to engage in a fight. The peaceful nature of this kind of dialogue make people recognize the view of others even if they strongly disagree.

Again, the cyberspace has helped in interfaith dialogue in the sense that it allows the freedom of expression of faith without fear. While people fear to express their faith for lack of security, the cyberspace have secured them to freely express themselves.

They are not under any threat because they are engaged only virtually without physical contact. Most people feel reluctant to express their belief for fear of life and property and this happens when people engage in physical contact with people of other faiths.

The cyberspace had eased the fear of life and property, and has made it very easy for people to share their knowledge and express their feelings and faith.

Easy dissemination of information and knowledge, is another impact of the cyberspace in interfaith dialogue. The various forums sites on the internet have made easy the spread of knowledge. For every question posed by a colleague, scholars from the various schools of thought come out to express their views.

But we also know that people can learn in additional ways if a base of social learning is provided: by observing, by listening, by reading, by video viewing, by manipulating objects, by experimenting, by writing, by drawing, by calculating, etc.

And in cyberspace all of these, and more, will be available. You could even create virtual classrooms in cyberspace (though hopefully only for database on the history of schooling)”

In the case of interfaith dialogue, the impact of the cyberspace cannot be overemphasized. Almost all the various forms of dialogue which are held physically, can be held on the cyberspace.

There are conferences being held on interfaith dialogue on the cyberspace; where various people are invited to take part in online discussions on issues bothering the world at large.

There are also forums held on the internet, where issues on religion are being discussed; and people share divergent views on issues. In other instances, the forums are turned to debates which help participants to see the other side of the problem. Some of these forum sites are full with beneficial resources for researchers.

Nowadays, people think there is everything on the internet; however, the problem with this habit is that it may prevent further investigation on issues, and limit research work.

Another problem with the cyberspace dialogue is the unlimited freedom it gives to all sides involved in the dialogue. This freedom may lead very descent people to be antagonistic and very aggressive in their approach. And this is because they think no one is watching over them.

Moreover the same unlimited freedom does give some people the guts to even lie about references and information, which is sometimes difficult to figure out until after the dialogue.

The Impact of Cyberspace in Interfaith Dialogue
Undoubtedly, cyberspace has played significant role in the affairs of the current world. Practical experience reveals that education in the current world without cyberspace is almost impossible.

In this regard, (Lemke, 1993) writes:

“Educational theory has resisted this shift, not surprisingly. We can claim, against traditional CAI, that human social interaction is a necessary element of education. We can claim that people interact with other people in fundamentally different ways, probably necessary for learning, from how they interact with artifacts and natural objects, including today’s computers.

Another advantage of the cyberspace dialogue is its freedom from physical engagement. In the face to face dialogue, it is sometimes very difficult to end in a peaceful manner; hence, its less significance to the listeners.

This is because, both or all parties see each other and can easily be provoked by the presentation of others, But in the cyberspace dialogue, no matter the degree of the heat from others, there will definitely be no physical engagement. Here too there are no supporters present to cause chaos or disturb the discussants.

Again, in the cyberspace discussion, there is easy access to unforeseen information. Sometimes in a hot discussion, certain issues do pop up, which have not been planned for; and the face to face dialogue does not allow one to go back and refer.

In the cyberspace however, just one click in the search engine brings back enough information to the participant in less than a minute.

Disadvantages of the Cyberspace Dialogue

Albeit the advantages mentioned above, there are still some short comings when it comes to cyberspace dialogue. It is argued that because of easy access to information on the cyberspace, people, particularly, students, are becoming lazier day by day.

Previously, people go by themselves to the shelves and library for references and to learn by themselves; and through this, increase their scope of knowledge, and even get to know things they have not planned to learn.

Mediums such as conferences, debates, symposia, workshops etcetera, are being used to bring people together to dialogue and understand themselves. In recent times, however, the cyberspace is being used as another effective tool for dialogue.

The internet which had connected the world into a global village, had made it possible to introduce another phase for bringing people together. And even though it is a very effective tool with many advantages, its disadvantages cannot be underestimated as well.

Advantages of the Cyberspace Dialogue

Unlike the other forms of face to face physical dialogue, the cyberspace saves time and energy. Conferences held on the internet are much time saving compared to other means.

Previously, people will have to travel from one place to another and spend much time to meet others for dialogue. The cyberspace on its part can bring people together with just a click on one button on the keyboard.

For example, a simple connection with a Skype brings various people from around the world to a large conference where each and everyone virtually connects and sees others. This eventually saves time and energy.

Come! let us call our sons, and your sons, our women and your women, our souls and your souls then let us pray earnestly, and call down Allah's curses upon the liars" (Aal-Imran: 59-61).

This indicates that at the end of every dialogue, there should be peace, and judgement should be left with Allah. The Qur'an says:

"Indeed, Allah will judge between the faithful, the Jews, the Serbians, the Christians, the Magians and the polytheists on the Day of Resurrection. Indeed Allah is witness to all things" (Al Hajj: 17).

Again it says: "there is no compulsion in religion..." (Al-Baqara: 256).

Means of Interfaith Dialogue before the Cyberspace
Interfaith dialogue between or among people of the same religion or different religion existed long ago in various forms.

Humans saw the need for peaceful co-existence a vital need for the world, and thus tried in various ways to achieve that goal.

Today, the need for a more harmonious society surpasses that of yesterday. The rampant turmoil in the world is a witness to this situation.

In the previous years, various means have been employed to achieve this goal. Some have been successful while others end up leaving more rift among the people.

Islam's Perspective on Dialogue

The Qur'an categorically encourages tolerance and thus recommend engagement with people of other faith. It says:

“if any of the polytheist seeks asylum from you, grant him asylum until he hears the word of Allah. Then convey him to his place of safety. That is because they are people who do not know” (At-Taubah: 6, Ali Quli Qarai).

The Prophet himself crowned the issue of dialogue when he practically engaged the Christians of Najran during the latter parts of his mission. Those Christians visited the Prophet to inquire about his mission and to ask and argue with him about their belief.

The Prophet accommodated them and engaged them in a long discussion, until the dialogue reached the red-line of the Christians (THE TRINITY) And here Allah resolved the issue by asking the Prophet to go into “mubahala” with the Christians.

The peaceful nature of this engagement is the fact that Allah never condoned fight at the end of the this argument . Allah says in this regards:

“indeed the case of Jesus with Allah is like the case of Adam: He created him from dust then He said “BE and it was. This is the truth from your Lord, so do not be among the skeptics.

Should anyone argue with you concerning him, after the knowledge that has come to you, say:

Introduction

Cyberspace is defined by the Merriam Webster dictionary as the online world of computer networks and the internet. (Lemke, 1993) argues, “cyberspace is the space of interactive computational possibilities. It is one sense a network that makes all participating computers and their accessible contents (data, programs) available to the users of any participating computer, anywhere. It means that all the information on earth and every strategy for transforming information ever conceived anywhere are in principle available to every user all the time.”

Dialogue is also defined by the Macmillan English Dictionary 2006, as a process in which two or more people or group have discussions in order to solve problems; while interfaith was defined as an adjective meaning involving people of different religious faiths.

Thus, the topic under discussion can be presented as the role of the world of internet in bringing people or group of various religious faiths to discuss issues they disagree on. This article looks at this topic through the following subtopics: Islam’s perspective on dialogue, means of interfaith dialogue before the cyberspace, advantages of the cyberspace dialogue, disadvantages of the cyberspace dialogue and the impact of cyberspace in interfaith dialogue.

The Role of Cyberspace in Interfaith Dialogue

Author: Mohammed Kabir Umar (Iraq)¹

Receive: 23/10/2016

Accept: 10/08/2017

Abstract

Interfaith dialogue in the contemporary world is one of the mostly advocated issues by moderate religious people. Ecumenical activities are being carried out worldwide either between people of the same faith; like Muslim to Muslim or Christian to Christian dialogue; or among people of different faith; like Muslim to Christian to Jewish dialogue. To achieve this goal, various mediums are being employed by different people at suitable time and place. Mediums such as conferences, workshops, debates and exchange of messages and letters are good examples employed for interfaith dialogue. Currently, the cyberspace is another medium employed and viewed by some people as the best for interfaith dialogue. The cyberspace on its own is used in different ways in this regard. It is an all-encompassing medium which can be used for conferences, workshops, debates and exchange of letters. This brief survey looks at the role of cyberspace in interfaith dialogue.

Key Words: Cyberspace, Interfaith, Dialogue

1. Social Issues Researcher, Iraq, wilaya0140@yahoo.com

A Word from Managing Editor

Research is the artery of life in the realm of insight and science. Its dynamism leads to generation and expansion of knowledge borders and discarding this area, makes knowledge resting and lifeless; and the first achievement of this resting is ignorance. In these very days, we are witnessing the modern ignorance, which roots in absence of sound and lucid research in different areas.

Today research is considered to be a gate for expanding the borders of knowledge and plays an eminent role in human activities. Exploring Humanities and Islamic areas can enable people to understand the human issues and difficulties to offer solutions for them.

The growing development in different areas of knowledge demands discussions in more scientific areas. Explaining a huge range of Islamic Science areas in global scope is a necessity today.

“**Pure Life**” student journal, with the aim of creating a situation for presenting articles of Al-Mustafa Open University students, is trying to improve the level of student researches in Islamic Science and also grounding an area for expanding the relationships among researchers in humanities and islamic science areas.

“**Pure Life**” is published, every season, in a form of a multilingual, electronic and promotive student journal. This very volume, trying to discuss “**First International Conference of Capacity and Impact of Cyberspace in Promoting Religious Education**” (8), represents the nine best articles in Three language: Farsi, Arabic and English.

Thanks to Al-Mustafa Journals Commission and Ministry of Culture and Islamic Guidance in Islamic Republic of Iran, “**Pure Life**” journal, as the first scientific journal in Al-Mustafa Open University is ready to publish the students’ journal.

A Word from Chief Editor

“PURE LIFE” will be a window towards man’s eternal life. Al Mustafa Virtual University considers its mission to introduce the divine teachings to ground dwelled man, so that he could be able to establish a fresh living by using the knowledge bestowed upon him by Almighty God in such a manner **that it** brings him worldly peace and eternal prosperity.

“PURE LIFE” is an opportunity for the students and graduates of the university to spread out their scientific and cognitive knowledge on the vast arena of cyberspace and also, with the use of scholarly dialect, reflect religious cognition into various aspects of human life. Hope that through efforts of knowledge seekers, this window may become more magnificent.

Guide for Article Writers

- 1- Articles must include following sections:
title, abstract and keywords, prelude or introduction of the subject, main body of the article, conclusion, references
- 2- Only those articles will be considered which had not been published before and their corresponding authors have not been obliged to publish them elsewhere.
- 3- Responsibility of scientific and legal authenticity of the articles will rest upon the corresponding author.
- 4- The right to accept or reject an article is reserved for the journal. However, the secretariat of the journal is bound to report the final situation of sent articles to their corresponding authors within one month (30 days).
- 5- Final approval for an article to be published in the journal will be made by the editorial board after the recommendation of referees.
- 6- Size of an article must be eight pages at least and 25 pages at most where each page contains 250 words.
- 7- Quotation and adaptation from articles of the journal, with reference to the source, are allowed.
- 8- Persian, English and Arabic abstracts of an article should be 300 words at most.
- 9- To type a Persian article, “B Mitra” font with the size of 14pt should be used.
 - ✓ To type an article in Arabic, “Arabic Typesetting” font with the size of 14pt and in English, “Times New Roman” font with the size of 14pt should be used.
- 10- References should be arranged alphabetically and should be listed as under:
 - ✓ In Case of Book: Surname, Name, (Year of Publication), Title of Book (with “Bold” font style), Name of Translator or Editor (if applicable), Volume, Edition, Place of Publication: Name of Publisher.
 - ✓ In Case of Article: Surname, Name, Title of Article, Translator (if applicable), Name of Publication (with “Bold” font style), Periodicity, Edition, Total Number of Article Pages: (Year of Publication).
- 11- Endorsement of references related to sources in the text should be made in form of (Name of Author, Year of Publication: Page Number) e.g., (Tabatabai, 1376: 89).
- 12- Explanation references of each page, like Latin form of alphabets, Description of terms, etc, should be given in footnote of the same page.
- 13- Author or Authors of an article must endorse their name, surname, academic level, address, cell number and their email along with their articles sent to the University’s Secretariat of Research and Production on: (research@almustafaou.com).
 - ✓ As the journal is multilingual, venerable scholars can submit their articles in four languages: Persian, Arabic, English and Urdu.
- 14- After the article is published, the secretariat of journal is bound to email the electronic edition of the journal to the given email address of the author(s).

On the basis of the act approved in the Twenty second meeting of Al-Mustafa publications Council (on 10/03/2014) and 74327 E-Rasaneh's, in Ministry of Culture and Islamic Guidance, this special edition has been designated as at the level of academic- specialized journals with student pivoted approach.

This journal is in the electronic form which after being published will be uploaded to the following addresses:

(and can be downloaded completely)

<http://journals.miu.ac.ir/>

<http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=4950>

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1325/pure-life>

https://www.civilica.com/Journal-JR_PLIFE=%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B7%DB%8C%D8%A8%D9%87.html



Academic – Specialized Journal (Multilingual)

PURE LIFE

Special Issue: First International Conference “Capacity and Impact of Cyberspace in Promoting Religious Education” (8)

Vol.6, No.17, June 2019 (Shawwal 1440/ Khordad 1398)

Concessionaire: (Al-Mustafa International University)
Al-Mustafa Open University, Secretariat of Research and Production

Chief Editor: Mohsen Qanbari (PhD)

Managing Editor: Abedin Siahhat Isfandiari (PhD)

Academic Secretary: Tofiq Asadov (PhD)

Executive Manager: Mohamad Javad Najaflo (Hojjatul Islam)

Editorial Board:

Mohsen Qanbari	Deputy Communications and International, Al-Mustafa International University (Iran)
Abedin Siahhat Isfandiari	Research and Production Secretary, Al-Mustafa Open University (Iran)
Tofiq Asadov	Professor at Al-Mustafa Open University (Azerbaijan)
Ghulam Jabir Muhammadi	Professor at Imam Khomeini Specialized University (Pakistan)
Syed Mohammad Ali Aon Naqavi	Professor at Al-Mustafa Open University (India)
Yahya Abdul Hasan Dookhi	Professor at Ahlbyt University (Iraq)
Kadri Yildiz	Professor at Al-Mustafa Open University (Turkey)

Publisher: Al-Mustafa Open University

Address: Qom, Southern Sahili Road, Before Musallah, Between Lanes 4-6

Post Box: 3713913554

Telephone and Fax: 32613875 - 32114175

Number of Pages: 196

Circulation: Electronic Printing

Web: <http://p-l.journals.miu.ac.ir/>

Email: research@mou.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

*In the name of God, Most
Gracious, Most Merciful*